

مرزده آنندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و بهترین آنها پیرو می کنند

## سخن گوئی، انتخابات، بی تفاوتی، منزلت زن

### \* یرش اول :

مردم ایران، همگان با رژیم مخالف هستند . از آنها، یک اکثریت بزرگ مخالفت خود را در شکل ریختن به خیابانها و خواستار تغییر شدن ابراز نمی کند . و یک اقلیت کوچک این مخالفت را ابراز می کند . با توجه به رفتار اکثریت بزرگ، زمان، زمان پرداختن به تشکیل آلترناتیو نیست. زیرا آلترناتیو می باید حاصل فرآیند رسیدن مردم به تصمیم و گذار از تصمیم به عمل باشد . زمان ، زمان ایفای نقش سخنگویی مردم است . نیاز به کسی است که خواست مردم را اظهار کند ولو خود مخالف آن باشد. همان کار که خمینی در دوران انقلاب کرد . بنی صدر بدین خاطر که بر سر عهد با آزادی مانده است و نیز بداجت که توانست بیانگر خواست مردم بشود و ۷۶ در صد مردم به او رأی دادند، می تواند از عهد سخنگویی برآید .

### • پاسخ به یرش اول :

۱ - این صحیح است که بدیل را مردم در جریان تصمیم و گذار از تصمیم به عزم و عمل و در جریان عمل می سازند . اما این نیز راست است که جریان تصمیم، جریان بیدایش اندیشه راهنمایی که جامعه به آن می گروند و رهبری سازگار با آن نیز هست . هرگاه مردم نخواهند خود در رهبری شرکت کنند، و در جریان تصمیم و گذار به عزم و عمل، رهبری سازگار با اندیشه راهنما پدید نیاید، همان وضع تکرار خواهد شد که با بیروزی انقلاب ایران پدید شد . اگر در اولین انتخابات ریاست جمهوری شرکت مردم و دلیل آن را تعیین تکلیف از سوی مردم دانستیم، بدین خاطر بود که مردم در جریان انقلاب، بهای لازم را به رهبری سازگار با اندیشه راهنمای انقلاب نداده بودند . از این رو، در پاسخ آقای خمینی که خواسته بود به سود آقای حبیبی کنار بروم، در جلسه شورای انقلاب گفتم : سخن از انتخاب کسی به ریاست جمهوری بمیان نیست . سخن از تعیین تکلیف است . توضیح این که شما آقایان روحانیانی که در کار تصرف دولت هستید، مدعی می شوید که شما جلو افتادید و مردم پشت سر شما آمدند . واقعیت عکس اینست . مردم حرکت کردند و زمانی دراز از حرکت مردم گذشت تا شما تصمیم بگیریید به جنبش مردم بیبوندید . فردا باید معلوم شود آیا چون مردم خواستار استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت و اسلامی بیانگر این اصول و فضای باز معنوی بوده اند و هستند انقلاب کرده اند و یا آن طور که شما مدعی هستید از شما دنباله روی کرده اند .

این امر که ملاتاریا از عصبانیت به خود می بیچد و از توهین و تحقیر مردم (مردم عقل و شعور ندارند و ... ) باز نمی ایستد به دین خاطر است که چرا مردم بنی صدر را برگزیدند و این واقعیت که روشنفکر تاریا اعتراف به وجدان جمعی غنی مردم را، امضای حکم مرگ خود می انگارد و در اصرار بر نادانی و بی شعوری مردم، از ملاتاریا گوی سبقت می برد، دلیلی دیگر که انتخاب اولین رئیس جمهوری و منتخب مردم سند زنده ایست بر عقل جمعی آزاد و دلستگی مردم ایران به مردم سالاری و مخالفتش با مبلغان قدرت خودکامه از هر قماش و بالاخره، کوشش برای جبران تأخیر در قبول مسئولیت شرکت در رهبری و ایجاد رهبری سازگار با بیان آزادی .

اما تا انتخاب رئیس جمهوری، ستون پایه های قدرت جدید ساخته و در دست ملاتاریا بودند . گروگانگیری و به دنبال آن جنگ و آشکار شدن هویت آقای خمینی ( که به یمن ابتلا و آزمایشی که ایران صحنه انجام آن شد، و هویت او آشکار شد ) و نقشی که او برعهده گرفت مانع از استوار شدن رهبری سازگار با بیان آزادی در کار خود شد .

هرگاه نخواهیم تجربه را تکرار کنیم:

در صفحه ۲

### گلزار

## آینده ایران با حکومت احمدی نژاد ؟

۶۰ در صد بودجه رژیم طبق اظهارات مسئولین رژیم ولایت فقیه وابسته به نفت است . رژیم نفت را می فروشد ، بخش عمده آن را در بانک مرکزی به ریال عوض می کند و به عنوان حقوق در اختیار کارمندان قرار می دهد به و بخش دیگر آن را بصورت واردات خرج می کند . یعنی دلار را تبدیل به کالا می کند و در بازار داخلی می فروشد . در واقع خرج و دخل می شود دلار . پس نفت نقش حیاتی در اقتصاد بازی می کند .

وضعیت نفت ایران را با هم بررسی میکنیم .

در شرایط فعلی تولید نفت ایران حدود چهار میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه اعلام شده که اگر بخواهیم کاهش سالانه حدود پنج تا شش درصد افت طبیعی چاه های نفت را نیز در نظر بگیریم تا پنج سال آینده تولید روزانه ایران به سه میلیون بشکه خواهد رسید که این مقدار تولید تا پنج سال آینده به عنوان خوراک پالایشگاهها ایران مصرف خواهد شد .

به این حساب تا پنج سال آینده ایران موقعیت خود را به عنوان صادرکننده نفت از دست خواهد داد. و در صورت عدم مهار مصرف بی رویه و رشد ۱۰ درصدی مصرف در کشور، ایران نه تنها موقعیت نفت خام فروشی را از دست می دهد بلکه ناچار به مصرف کل فرآورده های پالایش شده برای رفع نیاز داخلی خود خواهد بود. البته برخی از کارشناسان معتقدند در صورت ادامه روند فعلی مصرف در آن زمان نیز ناچار به واردات فرآورده نیز خواهیم بود.

در صفحه ۱۴

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۶۸۹ - ۱ تا ۱۴ بهمن ۱۳۸۶

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد !

◀ آتش زیر دیگ بحران گذاشتن، کار کیست و از چه رو است ؟ ص ۳

◀ رابطه با امریکا؟ - سپردن کنترل خلیج فارس و... به ایران ! - اتم - عراق: ص ۴

◀ شیوه مافیائی اداره ورزش - تکلیف ۱۷۱ کرسی مجلس از پیش معین می شود !

- حسن خمینی در خطر مرگ؟ - و...: ص ۶

◀ حزب الله - ۲: نقشها و تکیه گاههایش در رژیم: ص ۹

◀ ژاله وفا: بودجه انفجاری ۱۳۸۷ وابسته به نفت، و حکومت نظارت گریز

دولت احمدی نژاد - بخش ۱: ص ۱۲

◀ دانشجویان، کارگران و معلمان همچنان قربانیان سرکوبگریند: ص ۱۳

انقلاب اسلامی: یکشنبه ۶ ژانویه ۲۰۰۸، سه روز پیش از سفر بوش که با سفر به اسرائیل آغاز شد، زورقهای تند روی سپاه پاسداران مسئله ای ساخت. با کدام هدف ؟ این پرسشی است که خبرها و نظریات گریز آوری شده در فصل اول، باید بدان پاسخ دهند .

در فصل دوم، به بحران سازی در خلیج فارس می پردازیم . این بار، حکومت بوش نقش اول را در بحران سازی بازی کرده است . از جمله به خاطر سفر بوش به منطقه و زمینه سازی برای قبولاندن قطعنامه سوم، نخست به کشورهای ۵ + ۱ و سپس به شورای امنیت .

در فصل سوم، خبرهای گویای روابط رژیم با امریکا بر سر عراق و نیز اتم، وضعیت را آن سان که هست باز خواهند گفت . در فصل چهارم، گزارشی خبری از ایران می خوانید که بر وضعیت سیاسی ایران، از جهات مختلف پرتو می افکند . این گزارش از جمله در بر می گیرد مدیریت مافیائی ورزش کشور، نامزدهای جانشینی خامنه ای، ناتوانی گرایشهای راست رژیم از توافق بر سر نامزدهای نمایندگی مجلس هشتم، خطری که جان حسن خمینی را تهدید می کند و ... در فصل چهارم، قسمت دوم تاریخچه حزب الله را می یابید .



مظهر ذلت



۱/۱ - مردم را دائم می باید به حق و مسئولیت خویش بخوانیم. بنا بر حشاشن بر رهبری جامعه خود، مسئولیت بزرگ و ارزشمند عمل به این حق را دارند. در حقیقت،

۲/۱ - بیان آزادی که بیانگر حقوق فردی و جمعی مردم را، تشریح می کند و خواستهایی که ترجمان حقوق و منطبق بر بیان آزادی هستند و او بر می شمارد، می باید با بیداری و رشد مدیران و مدیریت مردم سالار همراه باشد.

۳/۱ - از آنجا که هم در انقلاب مشروطیت و هم در نهضت ملی کردن صنعت نفت و هم در انقلاب بهمن ۵۷، کار استقرار دولت مردم سالار به شکست انجامید، بیسایشی، ستون پایه های قدرت خودکامه می باید به مردم شناسانده شوند و تدابیری که برای برداشتن آن ستون پایه ها و نشان دادن ستون پایه های دولت حقوق مدار، در دوران کوتاه ریاست جمهوری نخستین منتخب مردم کشور اتخاذ و بکار برده شدند، در جریان تحول، به اجرا گذاشته شوند.

۲ - مردم می باید اطمینان پیدا کنند که بیانگر خواستههایشان، بدانچه می گوید باور دارد. در حقیقت، وقتی محک تجربه بمیان آمد و غش آقای خمینی عیان شد، گوجه مردم هنوز فرصت عمل داشتند و می توانستند بیرون آیند، اما ترسها، از جمله ترس از بهم ریختگی عمومی اوضاع کشور و استفاده دشمن متجاوز از فرصت و مانع از برخاستن و پایان دادن به فرعونیت برای همیشه شد.

نتیجه آن تجربه که تکرار تجربه ها در انقلاب مشروطیت و جنبش ملی کردن صنعت نفت (کاشانی و بقائی و...) بود، باید این شده باشد که مردم میان آنچه گفته می شود (ما قال) و گوینده (من قال) تمیز قائل شوند. در قبول یا رد «ماقال»، آن را با میزان حق بسنجند و در قبول یا رد «من قال»، او را نخست به خاصه های «زبان عامه پسند و عامه فریب» بسنجند. از آن خاصه ها، آسان تر از همه در بکار بردن، این خاصه است: فریبکار دلبخواه های مردم را می گوید اما عملی شدن آنها را در گرو رسیدن به هدفی قرار می دهد که او برایشان تعیین می کند. برای مثال، می گوید:

ولایت با جمهور مردم است و یا میزان رای مردم است.

هرگاه بدین حق باور داشته باشد، آن را موقوف به بعد از تغییر رژیم نمی کند و در دم، اصل را به اجرا می گذارد. از مردم می خواهد تمامی فرصتها را برای استقرار ولایت جمهور خود، مغتنم بشمارند. خود نیز روشهایی را که مردم می توانند برای استقرار ولایت جمهور خود بکار برند، پیشنهاد می کند. در استبدادی ترین رژیم ها، هنوز فرصتهای فراوانی وجود دارند که با استفاده از آنها، مردم می توانند حق رهبری خویش را اعمال کنند. بدیهی است مردمی که قرنهای در استبداد زندگی کرده اند، از بکار بردن استعداد رهبری خود می ترسند. حتی در محیط خانواده، تن به استقرار ولایت جمهور اعضای آن نمی دهند. با وجود این، تجربه انقلاب ایران که بطور نسبی تبلور ولایت جمهور مردم بود، می باید دائم به مردم یادآوری شود و از آنها خواسته شود آن تجربه ارزشمند را رها نکنند. در هر محیطی که می توانند، همان تجربه را از سر بگیرند و از راه نقد آن، کار آتش سازند.

## سخن گوئی، انتخابات، بی تفاوتی، منزلت زن

در این جا، این یوشی یش می آید:

آیا شرکت در انتخابات یکی از فرصتها، آنهم در سطح کشور، برای بکار بردن حق رهبری مردم کشور نیست؟ اگر چنین فرصتی هست، تحریم آن زبان عامه پسند و عامه فریب است و یا فراخواندن به شرکت در آن؟

۱ - ولایت رهبری بر اصل برادری و برابری و حق هر انسان عضو یک جامعه است. در جامعه هائی که از این حق محروم بوده اند، انتخابات را می توان فرصتی برای اعمال حق ولایت و حاکمیت شمرد. در برابر، هرگاه شرکت در انتخابات، «بیروی از ولایت مطلقه یک تن بر جان و مال و ناموس جمهور مردم» معنا دهد، دیگر نه تنها فرصتی نیست برای بکار بردن حق رهبری که فرصت اعتراف حیوانه ایست به نداشتن این حق و اطاعت از ولایت مطلقه فقیه محال است و در واقع، ولایت مطلقه زور است. زیرا حاکمیت مطلق یکی بر همه، به ضرورت، حاکمیت قدرت (= زور) مطلق بر همه می شود. از جمله به این دلیل ساده که ولایت جمهور مردم، نیاز به برادری و برابری و در کار آمدن میزان عدل دارد و ولایت مطلقه یکی بر همه، نیازمند دادن اختیار جان و مال و ناموس و نیز چند و چون باور هر انسان به او.

۲ - بدین قرار، اگر اسلام دین لاکراه باشد، ولایت فقیه ضد مطلق آنست. بنا بر این، تحریم چنین انتخاباتی، اظهار اراده استوار بر مطالبه حق جمهور مردم بر رهبری و قیام برای به عمل درآوردن این حق است.

۲ - بدین قرار، وقتی شرکت در انتخابات بمعنای اعتراف به سلب حق خود بر حاکمیت است، فراخواندن مردم به شرکت در آن، بکار بردن زبان فریب و فراخواندن مردم فریب است.

بیهوده نیست که مردم فریبان هیچگاه به مردم نمی گویند ولایت با جمهور شما است و انتخابات وقتی معنا می دهد که حق حاکمیت از آن شما باشد. بنا بر این، ولو همه شما مردم به اتفاق، رأی به ولایت مطلقه فقیه بدهید، رأی شما ناقض حق شما و در حقیقت، رأی به ولایت مطلقه زور است.

آنها منطق صوری بکار می برند. زیرا این حقیقت را با یوشهای فریبنده می پوشانند. این یوشها از آن جمله اند: «به شما مردم گفتیم اگر به نامزد اصلاح طلب رأی ندهید، احمدی نژاد رئیس جمهوری می شود و شد. حالا هم می گوئیم اگر در انتخابات مجلس هشتم شرکت نکنید، آن مجلس هم مثل مجلس هفتم خواهد شد!»

وقتی از آنها پرسیده میشود که فرق مجلس «اصلاح طلب» (مجلس ششم) و مجلس «اصول گرا» در چه بود؟ پاسخ می دهند: اگر مجلس ششم را نگذاشتند قوانین مطلوب مردم را تصویب کند، قوانین اختناق آور و ضد خواستههای مردم را هم تصویب نکرد.

اما این استدلال، جز ترساندن مردم از بدتر برای رأی دادن به بد نیست. غافل از این که:

۲/۱ - مدار بسته بد و بدتر، همان مداری است که مردم ایران در آن زندانی شده اند. بدترین ها بر آنها حکومت می کنند. بدها و بدترها، مردم را از بدترین ها می ترسانند که بیایند به ما رأی بدهید وگرنه بدترین ها بر شما حکومت می کنند. حال آنکه، در حکومت خاتمی، بدترین ها حکومت می کردند و «اصلاح طلبها» کاری جز یوشی شدن برای آنها نمی کردند. از زمانی که یوشی دریده و ماهیت رژیم آشکارا در معرض دید جهانیان است، این امکان بوجود آمده است که مردم بدانند ولایت مطلقه فقیه در واقع چگونه رژیم است. بنا بر این، این فرصت بزرگ برای مردم کشور بوجود آمده است که از مدار بسته بد و بدتر بیرون روند. تحریم انتخابات، فرصتی است برای روی آوردن به شرکت در ولایت جمهور مردم و انتخابی واقعی که انتخاب مردم سالاری و رهبری مردم سالار است.

۲/۲ - این ادعا که اگر مردم به ما رأی بدهند، دست کم خیالشان راحت است که قانون اختناق آور و... تصویب نمی کنیم، فریب است. زیرا ولایت مطلقه فقیه که خود را فوق قانون اساسی می داند، برای اقدام به اختناق آور کردن فضاهای ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه، نیاز به مجلس ندارد. علاوه بر این که قوانین اختناق آور، تصویب شده و در اختیار استبدادیان هستند. مجلس ششم، حتی نتوانست یک بدتر را بد کند. توضیح این که قانون اختناق آور مطبوعات را مجلس پنجم اختناق آورتر کرد. مجلس ششم نتوانست این قانون را همان کند که پیش از مصوبه مجلس پنجم بود. زیرا حکم حکومتی مانع از آن شد. افزون بر این، به سازمانهای غیر قانونی، جنبه قانونی داد و بودجه های هنگفت برای آنها مقرر کرد.

● «به شما مردم می گوئیم: واقع بینی غیر از آرمان طلبی است. بنا بر واقعیت گرایی، با توجه به وضعیت ایران و اوضاع منطقه، روش اصلاح تدریجی رژیم را می باید در پیش گرفت. شرکت مردم در انتخابات، هم آموزش عملی بکار بردن حق حاکمیت است و هم مردم به «اقتدار گرا» ها می گویند در صحنه حضور دارند و حاکمیت را حق خود می دانند. تحریم انتخابات، مردم را از این دو کار باز می دارد و به اقلیت ۱۰ تا ۱۵ درصدی امکان می دهد «اقتدارگرا» ها را بر سرنوشت کشور حاکم کنند.»

این استدلال که بظاهر قوی و بسا اقوی دلیل دعوت کنندگان به شرکت در انتخابات است، در همان حال که واقعیت را از دید عقول فردی و جمعی می پوشاند، دروغهای موجود در استدلال را آشکار می کند:

۱ - اعتراف است به حق حاکمیت مردم و نیز اثر حضور مردم در صحنه بمثابة صاحبان حق و نه کف زن برای غاصبان حق. اما هرگاه بنا بر این باشد که مردم از راه رأی دادن حق حاکمیت خویش را باز یابند، لاجرم، می باید به نامزد هائی رأی بدهند که استقرار این حق را موضوع کوشش خود می کنند. اما آیا چنین کسانی حتی می توانند نامزد انتخابات شوند؟ بر فرضی که توانستند و به مجلس راه یافتند، بنا بر همان واقع بینی، نمی باید تابع «شورای نگهبان» و «حکم حکومتی» بگردند و بمانند؟

مردم بر دو دسته اند: یک دسته انتقادها را می شنوند اما راه حل نمی یابند و دسته دیگری که بی قید هستند و اهمیتی برای

مسائل مربوط به جامعه و بحث در باره آن قائل نیستند. به نظر شما علت این بی تفاوتی چیست و چه باید کرد برای این که مردم از بی تفاوتی، خارج شوند؟

### ● پاسخ پرسش دوم:

۱ - نظری که بر پایه آن پرسش بعمل آمده است، متناقض است. توضیح این که اگر همگان ناراضی هستند و رژیم را انتقاد می کنند پس از بی تفاوتی خارج شده اند. به سخن دیگر، بی تفاوتی در برابر رژیم، جای خود را به مخالفت زبانی با آن داده است. حقیقت اینست که جامعه از بی تفاوتی خارج شده و اینک هم می داند این رژیم را نمی خواهد و هم می داند کدام رژیم را می خواهد. حتی آنها که حاضر به بحث در باره مسئله هائی که رژیم برایشان می سازد نمی شوند، بخواهی رفتارشان، هم می دانند این رژیم دائم مسئله می سازد و مسئله بر مسئله می افزاید و هم می دانند که رژیم مسئله ساز نمی تواند مسائلی را که می سازد حل کند. اما چون خود را بکاری توانا نمی بینند و یا گمان می برند «زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد»، از ورود در بحث و انتقاد خودداری می کنند. با وجود این، پای عمل مردم می لنگد.

۲ - مردمی که از بی تفاوتی خارج شده اند، هنوز تصمیم نگرفته اند به جنبش روی آورند. می پرسید چرا؟ شما که در ایران هستید می باید خود در بی یافتن پاسخ این پرسش می شدید و با پرس و جو، علت های روی نیابردن به جنبش را می یافتید و می پرسیدید چه باید کرد برای این که علتها از میان بر خیزند؟

طی سه دهه، بطور مداوم با بی تفاوتی مبارزه شده است. در بی موفقیت نسبی در خارج کردن جامعه از حالت بی تفاوتی، علت های گریز از مسئولیت و روی آوردن به جنبش مطالعه و برای از میان برداشتن آنها کار شده است. در نوشته و مصاحبه ها، راه حلها پیشنهاد کرده ام. باز آوردن همه آن کارها در پاسخ این پرسش، خود کتابی بزرگ می شود. با وجود این، از این پس سعی خواهد شد مواضع جنبش و چگونگی از میان برداشتن آنها را موضوع بحث کنم. در پاسخ به پرسش اول، دو مانع اصلی و راه از میان برداشتن موضوع بحث شده اند. تا پرداختن تفصیلی به موضوع، یک مانع بزرگ دیگر، را موضوع بحث می کنم:

۱/۲ - سه شب پیش، یکبار دیگر این علتی در مردم هست که سبب می شود عمر حکومت های انسانهای خدمتگزار کوتاه و عمر حکومت زورگویان خائن به مردم دراز است؟ در طول تاریخ ایران، دوران حکومت خدمتگزاران به ایران و مردم ایران، کوتاه بوده است. در دوره های ضعف و انحطاط، عمر حکومت های این طور کسان باز هم کوتاه تر شده اند. دلایل عمومی آن اینها هستند:

● مردم از دخالت در امور دولت ممنوع بوده اند.

در صفحه ۱۵





در فصل پنجم، بررسی بودجه کشور را از قلم ژاله وفا، مطالعه می کنید. و در فصل ششم خبرهای تجاوزها به حقوق انسان و اعتراض ها به این تجاوزها را می آوریم:

## آتش زیر دیگ بحران گذاشتن، کار کیست و از چه رو است؟!

زورقهای سریع السیر سپاه، سه ناو جنگی آمریکا را تهدید کردند!!

◀ در ۶ ژانویه ۲۰۰۸ (۱۶ دی ۸۶)، زورقهای سریع السیر سپاه پاسداران، ناوهای آمریکایی را دور زدند. محمد علی حسینی، سخنگوی وزارت خارجه گفت: آنچه روی داده است، یک اتفاق عادی است. بسیار از این اتفاق ها روی می دهند. این بار، آمریکا واقعه را بزرگ می کند. سپاه پاسداران نیز گفت: در ساعت ۴:۰۷ صبح ۱۶ دی ماه، برخوردی میان نیروی دریایی ما و ناوهای آمریکایی، حادثه ای بوجود آمده است اما در این حادثه، هیچ امر غیر عادی وجود نداشته است. نیروی دریایی سپاه در تنگه هرمز گشت زنی می کرده اند و مراقب ورود و خروج کشتی ها به خلیج فارس بوده اند. سه ناو جنگی آمریکایی وارد آبهای خلیج فارس شدند و بنا بر معمول، شناسایی و مورد سوال قرار گرفتند. کشتی های آمریکایی نیز، مثل گذشته، شماره شناسایی خود را دادند و به راه خود ادامه دادند بدون این که اتفاقی بیفتد. ▶ در ۲۰ دی ۸۶ (۱۰ ژانویه ۲۰۰۸) تلویزیون رژیم نیز گفتگوی رادیویی یک افسر پاسدار را با یک ناو آمریکایی، پخش کرد. افسر پاسدار از هویت کشتی پرسید به او جواب داده شد و چون از سرعت و موقعیت کشتی پرسید، پاسخ شنید در آبهای بین المللی هستیم.

خبرگزاری فرانسه گزارش می کند که ایران این حادثه را امری کم اهمیت توصیف می کند. اما وزارت دفاع آمریکا می گوید: پیام سرنشینان زورقهای سریع السیر ایران را ضبط کرده ایم. بنا بر آن، ناوهای آمریکایی به غرق شدن تهدید شده اند: گوینده ایرانی به سرنشینان کشتی آمریکایی گفته است: من بطرف شما می آیم و در دو دقیقه شما را به قعر دریا می فرستم.

مقامات وزارت دفاع آمریکا می گویند: هیچ تیری بسوی قایق ها شلیک نشد. ناوهای آمریکایی به موشکهای cruiser و destroyer و frigate مجهز بوده اند. اما ترجیح داده اند واکنشی ابراز نکنند.

◀ روزنامه ایندپندنت (۸ ژانویه ۲۰۰۸) حادثه خلیج فارس را جدی ترین برخورد نظامی آمریکا با ایران در زمانهای اخیر توصیف می کند. چرا که هیچ نموده بود که ناوهای آمریکایی بروی زورقهای ایرانی که آنها را تهدید به غرق شدن می کرده اند، آتش بکشایند.

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

رایس همچینین مصر را مورد انتقاد قرار داد که چرا مانع از عبور اسلحه از مرزهایش به فلسطین نمی شود. مصر باید بیشتر عمل کند. تونلهایی که برای عبور اسلحه ساخته شده اند، باید بسته شوند. ما آماده دادن کمک هستیم اما اراده بستن مرز مصر و غزه بر روی اسلحه بسی مهم است.

◀ در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۸، خبرگزاری فرانسه گزارش کرد که سخنگوی ناوگان پنجم آمریکا می گوید: دانستن این امر که تهدید بعمل آمده از سوی سرنشینان زورقهای ایرانی بوده است یا خیر، نا ممکن است. هیچ روشی که بتوان بکار برد و منشاء تهدید را شناخت وجود ندارد. ممکن است تهدید از ساحل و یا کشتی دیگری بعمل آمده باشد. با وجود این باید بگویم که رویه زورقهای ایرانی تهاجمی و تهدید آمیز بوده است.

از لحاظ فنی، پیام تهدید از طریق کانال باز میان کشتی های آمریکا و ایران فرستاده شده است. بدین خاطر مشکل می توان منشاء آن را معین کرد.

◀ با وجود این، در ۱۰ ژانویه، آمریکا، از طریق سفارت سوئیس در تهران، به رژیم اعتراض رسمی کرد.

## نوار ساختگی است و به حادثه سازی آمریکا در خلیج تنکن می ماند که آمریکا آن را دست آویز ورود در جنگ بر ضد ویتنام شمالی کرد!

◀ در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۸، وزارت دفاع آمریکا نوار ویدیویی جدیدی را منتشر کرد. بریان وایتمن، سخنگویش، می گوید: تمام واقعه راکه ۳۶ دقیقه بطول انجامیده است. نوار، بدون دستکاری، رویداد را نشان میدهد. ژنرال فالون در یک گفتگوی تلفنی با آسوشیند پرس گفت صدایی که در نوار قبلی اضافه شده از قایق ها نبوده و منبع آن روشن نیست. اما او تعلق این صدا به یک طرف سوم را رد کرد. نوار جدید پنتاگون سی دقیقه ای است. بنا بر گزارش آسوشیند پرس نوار که عمدتاً ناصاف و نقطه دار است خدمه را نشان میدهد که به پیام های رادیویی پاسخ میدهند و یک قایق ایرانی با ۵ سرنشین را به نمایش می گذارد و بقیه نوار عمدتاً یک یا دو قایق سریع السیر را نشان میدهد که دور کشتی آمریکا حرکت میکنند.

Vincent در یاسالار مک مولن رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفت " من هیچ تردیدی ندارم که اگر شرایط ایجاب میکرد، آتش میکردیم، او اضافه کرد: حادثه باید به ما خاطر نشان کند چقدر تهدید ایران جدی است و چگونه ما باید در زمان وقوع آماده برخورد با آن باشیم. ما باید از خود و کشتی هایمان دفاع کنیم و اگر نیاز باشد با نیروی مرگباری اینکار را خواهیم کرد.

در یاسالار مک مولن رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفت " من هیچ تردیدی ندارم که اگر شرایط ایجاب میکرد، آتش میکردیم، او اضافه کرد: حادثه باید به ما خاطر نشان کند چقدر تهدید ایران جدی است و چگونه ما باید در زمان وقوع آماده برخورد با آن باشیم. ما باید از خود و کشتی هایمان دفاع کنیم و اگر نیاز باشد با نیروی مرگباری اینکار را خواهیم کرد.

در ماه اوت ۱۹۶۴، دو ناو آمریکایی بنامهای USS Maddox و USS Turner در ساحل ویتنام شمالی گشت زنی می کردند. پیام هائی از این دو کشتی دریافت شدند حاکی از این که مورد حمله قرار گرفته اند. ظرف چند روز، کنگره قطعنامه صادر کرد و مجوز ورود به جنگ با ویتنام شمالی در اختیار حکومت آمریکا قرار گرفت. همان زمان، برخی از مأموران اطلاعاتی در صحت خبر تردید کردند و بعدها در ۱۹۹۵، آژانس امنیت ملی آمریکا اعلام کرد که نخست کشتی جنگی آمریکا آتش گشوده بود. در این هفته همان آژانس گزارش دیگری را منتشر کرد حاکی از این که هرگز حمله ای به دو ناو آمریکایی انجام نگرفته بود.

محقق می گوید که جدید ترین گزارش آژانس حاصل تحقیق او است به راو استوری گفت: رویداد خلیج فارس و واکنش سریع حکومت بوش و متحدانش، نشان میدهد که تا کجا مقامات می باید هوشیار باشند. زیرا یک حادثه در جا رنگ سیاسی بخود می گیرد و می تواند به جنگ بیانجامد. استون افترگود، عضو فدراسیون دانشمندان آمریکا به راو استوری می گوید: از یک حادثه ممکن است برداشت غلط بعمل آید و یا با افزودن و کاستن از آن، انگیزه و هدف جعلی برایش ساخته شود و اقدامی نظامی را توجیه کند. بنا بر این، پیش از هر نتیجه گیری، می باید بیشترین دقت و تأمل بعمل آید.

اما پرزیدنت بوش درجا واکنش نشان داد و عمل ایران را تحریک آمیز توصیف کرد. حال آنکه گزارش اول پنتاگون (۶ ژانویه) حاکی از این بود که زورقهای ایرانی کشتی های جنگی آمریکا را تهدید کرده اند که منفجرشان خواهند کرد.

تنها بعد از این که ایران نیز نوار ویدئویی خود را پخش کرد، وزارت دفاع گفت نمی تواند بگوید تهدید از سوی زورقهای ایرانی بعمل آمده است.

افترگود می گوید: از عدم اطمینان نسبت به منشاء تهدید در شگفت شده ام. در نواری که منتشر شد، جمله تهدید در آخر آن قرار گرفته است. اینطور می نماید که در نوار گنجانده شده است. من از این که پرزیدنت بوش، به خود اجازه داد بدون تشخیص صحت نوار و معرفت بر واقعیت رویداد، واکنش نشان داد نیز شگفت زده شدم.

دیگران از مین های آبی که ادعا می شود که کشتی های ایرانی به آب انداخته اند، پرسیده اند. گلین گرین والد می نویسد: این ادعا که کشتیهای ایرانی جعبه های سفید به آب انداخته اند، ادعائی مشکوک می نماید. نه نوار ویدئویی که وزارت دفاع آمریکا منتشر کرده است و نه ویدئویی که حکومت ایران منتشر کرده است. به آب انداختن این جعبه ها را نشان نمی دهند و کمترین اشاره ای نیز به آنها نمی شود.

افترگود می گوید: این گفتار و رفتار آقای بوش به گفتار و رفتار بچه مدرسه ها می ماند و نه یک رهبر ملی. این ماجرا به اعتبار حکومت بوش لطمه زد اما می تواند به آقای بوش فرصت درس گرفتن از اشتباه های خود را بدهد.

## یکی از دو طرف به تشدید بحران نیاز دارند و یا هر دو؟

\* نیاز بوش به تشدید بحران:

◀ پیش از آنکه راهی اسرائیل شود، بوش لازم دید خود نسبت به حادثه، واکنش نشان دهد و بگوید: اقدام ایران تحریک آمیز است. از آن پس، در هر فرصت، از خطر ایران، سخن گفته است:

● اقدام ایرانیها خطرناک بود. هرگاه به کشتی های ما حمله کنند، عواقب جدی برایشان بار می آید.

● ایران تهدیدی برای صلح جهانی است.

● ایران هر زمان بخواهد می تواند تولید بمب اتمی را از سر بگیرد.

● ایران حتی بدون بمب اتمی نیز خطرناک است.

● تمامی انتخاب ها روی میز قرار دارند.

● امروز، ایران اصلی ترین دولت پدر خوانده تروریسم در جهان است.

در تقسیری که آسوشیند پرس در باره روی داد خلیج فارس انتشار داده، خاطر نشان کرده است که حادثه بدون شلیک گلوله یا پرتاب موشک، پایان یافت اما دست آویزی در اختیار بوش گذاشت برای قانع کردن متحدان آمریکا به این که ایران، حتی بدون بمب اتمی، تهدیدی برای امنیت کشورهای منطقه است.

انگیزه ایرانیها در اقدام تحریک آمیزشان بر ضد سه کشتی جنگی بزرگ آمریکا، آنهم به ترتیبی که کشتی ها به گشودن آتش برانگیخته شوند، بر ما روشن نیست. اما روشن است که هر دو حکومت را در موقعیت جدیدی قرار داده است:

● از دید پرزیدنت بوش که چهارشنبه سفر خود را به خاورمیانه آغاز می کند و جبهه بندی بر ضد ایران در صدر دستور کار او قرار دارد، حادثه این دلیل که ایرانیها قادرند دست به عمل بی باکانه ای بزنند را در اختیارش می گذارد. به سخن دیگر، او می تواند به میزبانانش

در صفحه ۴



بگوید : چه کسی می تواند بگوید ایرانیها چه خواهند کرد هرگاه مجهز به بمب اتمی شوند؟ این اطمینان وجود ندارد که ایرانیها در رفتار خود، خردگرا باشند. از این رو، می باید مانع از آن شد که به بمب اتمی مجهز شود.

● شارل دانبار، استاد روابط بین المللی در دانشگاه بوستن که بعنوان دیپلمات، در سالهای ۶۰، مدت ۴ سال در ایران خدمت کرده است، می گوید : محتمل بنظر نمی رسد که تصمیم به تهدید کشتی های امریکائی را مقامات بالای رژیم ایران گرفته باشند. روشن است که در رژیم ایران، بر سر شیوه رفتار با امریکا، اختلاف نظر وجود دارد. احمدی نژاد در پی مقابله با امریکا است. اما عناصر دیگری نیز هستند که مخالف مقابله با امریکا هستند.

\* نیاز گرایشهای از رژیم که زاده بحران هستند و بحران می سازند به ایجاد حادثه :

● بنا بر قول ناظران، از راه این اقدام تحریک آمیز، رژیم ایران این پیام را به امریکا و کشورهای منطقه داده است : هرگاه امریکا بر آن شود که در منطقه، بر ضد ایران جبهه تشکیل دهد، باید هم او و هم کشورهای که می خواهند در این جبهه شرکت کنند بدانند که ایران توان ضربه زدن و آسیب رسانی را دارد.

● این امر که سپاه پاسداران ۴ روز بعد از حادثه، فیلم و گفتگوها با کشتی امریکائی را منتشر کرد، دست کم، حاکی از اینست که، این بار، سپاه خود ضد بحران عمل می کند. چند نظر به ما گزارش شده اند :

● گرایش بحران ساز، در آستانه سفر بوش به منطقه، دست به این کار زده است تا هم مانع از خرابی بحران شود و هم به بوش فرصت بدهد، در فرصت سفرش به منطقه، انزوای ایران را تشدید کند و از نو، خطر اتمی ایران را دست آویز وارد کردن فشار برای جلب موافقت روسیه و چین به تصویب قطعنامه جدید بر ضد ایران کند.

● گرایشهای ضد بحران قوت گرفته اند و اینک می توانند جرقه آتش را پیش از آنکه شعله به دامن بحران بزند، خاموش کنند. پخش نوار و صدا توسط سپاه گزارشگر قوت گرفتن این گرایشها است.

● موضعی که خامنه ای در یزد، در باره رابطه با امریکا، گرفت و مورد استقبال کاخ سفید قرار گرفت، در همان حال، با تأکید بر ضرورت عمل از موضع اقتدار، در آنچه به پیشبرد برنامه اتمی مربوط می شود، خود گویای رویه دوگانه و در عین حال، توأمان « اصول گرایان » است : مسئله سازی ( تهدید کشتی های امریکائی ) بقصد تشدید تنش و در همان حال، معامله با امریکا. تا معامله بطور کامل انجام نگرفته، به احتمال زیاد، رژیم به این رویه دوگانه ادامه خواهد داد.

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد !

● کاخ سفید و وزارت خارجه امریکا از اظهارات او استقبال کردند.

● زمینه سخنان خامنه ای در یزد این بود که اختیار کامل سیاست خارجی کشور با او است. فرستادن مأموران به این و آن کشور نیز نوعی خاطر نشان کردن به کشورهای منطقه و غرب است که طرف آنها شخص خامنه ایست :

● فرستادن لاریجانی به مصر و سوریه.

● فرستادن ولایتی به فرانسه.

● فرستادن مأمور به بغداد.

● ملاقات با البرادعی.

● و سکوت در برابر اظهارات خائنه

متکی که سهم ایران را از دریای خزر،

۱۱/۳ درصد خواند. مجلس مافیها از

او سؤال کرد و او همان موضع

خائنه را باز گفت. عده ای از

مجلسیان بنا بر استیضاح او گذاشتند

اما هیچ نه معلوم که به سرنوشت

استیضاح های پیشین گرفتار نشود.

یعنی هیأت رئیس آن را در سبد اوراق

باطله نیاندازد.

● در باره رسوائی کار احمدی نژاد و

وزیر خارجه او و هر دو مأمور خامنه

ای در سیاست خارجی، این یادآوری

را از زبان رمضان زاده بخوانید :

« وقتی آقای پوتین در نشست

قزاقستان به رئیس جمهور ایران توهین

می کند و حتی وی زانمی پذیرد و در

تهران با تمام امتیازاتی که می گیرد، با

تمسخر مردم ایران، در مورد زمان

افتتاح نیروگاه بوشهر، می گوید : من

فقط در بچگی به مادرم قول می دادم

و جامعه ایرانی سکوت می کند، او

جرات می کند در تهران و در حضور

رئیس جمهور ایران قراردادهای ۱۹۲۱

و ۱۹۴۰ را رسماً ملغی نماید و البته باز

هم نه از طرف جامعه و نه از طرف

رئیس جمهوری اعتراض صورت

نمی گیرد. وقتی رئیس جمهوری ایران

در قطر زیر نام مجعول خلیج عربی

می نشیند و ما سکوت می کنیم، وقتی در

همان نشست امارات ایران را متجاوز

می خواند و ادعاهای خود را نسبت به

جزایر ایرانی تکرار می کند و جامعه

ایرانی سکوت می کند و رئیس جمهور

نیز در حالی که چند روز مانده به

سفرش نزدیک به ۱۰ نفر از غواصان

ایرانی توسط امارات ربوده میشوند به

این کشور سفر می کند و باز هم

اعتراضی صورت نمی گیرد. باید منتظر

باشیم کسی که بر صندلی وزارت

خارجه ایران تکیه داده است، جرات

کند بگوید هیچ وقت سهم ایران بیش

از ۱۱/۳ درصد نبوده است. و باز جامعه

سکوت خود را نمی شکند. »

انقلاب اسلامی : نظیر این اندازه زبونی

و خواری و وطن فروشی را در سالهای

امتیاز فروشی در دوران قاجار و بهنگام

تجدید امتیاز نفت جنوب از سوی

رضا شاه و بستن قرارداد کنسرسیوم و

واگذاری منطقه فیروزه به روسها و

بحرین به انگلیس ها از سوی محمد

رضا پهلوی قابل مشاهده است.

میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها بعمل می آید، حمایت کنند.

● در ۱۳ ژانویه، McClatchy Newspapers گزارش کرد که واکنش کشورهای عرب به دعوت بوش به اتحاد بر ضد ایران، سرد بوده است.

انقلاب اسلامی : در فصل نخست، دروغ سازی و هدفهای آن را از زبان واقعیت ها و نیز حادثه پردازها آوردیم با چنان شکیبائی و دقت که پوشش دروغ بدرد و حقیقت آشکار شود. آشکار شدن واقعیت، کمک می کند به دریدن پرده پر نقش و نگار مجاز که تبلیغاتی های رژیم ساخته اند :

**رابطه با امریکا؟ - سپردن کنترل خلیج فارس و... به ایران ! - اتم - عراق**

انقلاب اسلامی : در قسمت اول این فصل، « خبری » را می خوانید که سایت انتخاب انتشار داده است حاکی از این که میان احمدی نژاد و وزیر دفاع امریکا، تماسهایی برقرار بوده است و قرار بر تحویل کشورهای از خاورمیانه به ایران است ! و در قسمت دوم، خبرها در باره مسئله اتم و در قسمت سوم، رابطه رژیم با امریکا در باره عراق را می خوانید. اما نخست موضعگیری خامنه ای و خبر نماینده فرستادنش را به این و آن کشور بخوانید :

**خامنه ای : در موضوع اتم از موضع اقتدار عمل باید کرد و وقتش که شد اقدام به رابطه با امریکا می کنیم :**

● در ۱۳ دی ۸۶، در یزد، خطاب به دانشجویان، در باره رابطه با امریکا، خامنه ای گفته است :

« قطع رابطه با امریکا از سیاست های اساسی ما است. البته ما هیچ گاه نگفته ایم این رابطه تا ابد قطع خواهد بود اما شرایط دولت امریکا به گونه ای است که ایجاد این رابطه اکنون به ضرر ملت است و طبعاً آن را دنبال نمی کنیم. »

و در باره اجرای برنامه اتمی گفت : مسئولان از موضع اقتدار عمل می کنند. غنی سازی اورانیوم متوقف نمی شود. و قول امریکا و روسیه که با وجود تحویل سوخت اتمی از طرف روسیه، ایران می باید غنی سازی اورانیوم را متوقف کند را رد کرد و گفت : « این مثل آن است که به یک کشور دارای ذخایر عظیم نفت گفته شود باید نیازهای نفتی خود را از خارج تامین کند. »

خلیج فارس می شود هرگاه امریکا به ایران حمله کند.

ایران دست دوستی بسوی کشورهای عرب دراز کرد و در ماه دسامبر، احمدی نژاد در اجتماع سران کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، در قطر، شرکت کرد. و دیرتر، در موسم حج، به عربستان رفت و با ملک عبدالله، پادشاه عربستان دیدار کرد. کشورهای عرب پاسخی احتیاط آمیز به دعوت به دوستی دادند. با اینهمه بدان معنا نیست که کشورهای عرب خواهان حمایت امریکا از خود، در برابر ایران، نیستند

عبدالله الشیخی، تحلیل گر سیاسی دانشگاه کویت می گوید : از این سو، ما خواستار جنگ امریکا با ایران نیستیم. و از آن سو نیز نمی خواهیم امریکا و ایران تفاهم کنند. کشورهای عرب خواستار کوششهای دیپلماتیک برای متوقف کردن برنامه اتمی ایران هستند اما موافق آن نیستند که از راه جنگ، امریکا در پی متوقف کردن این برنامه شود.

کشورهای عرب سنی نگران نفوذ ایران در عراق نیز هستند. بنظر آنها، بوش در مورد عراق با ایران معامله نخواهد کرد اما رئیس جمهوری جانشین او این کار را خواهد کرد. همه این امور کشورهای عرب را در پیوستن به یک اتحاد بر ضد ایران، مردد می کنند.

**\* واکنش سرد به آتش بیاری بوش :**

● در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۸، در ابوذبی، بوش سخنرانی کرد و در آن، ایران را اصلی ترین پدر خوانده تروریسم بین المللی خواند. اعمال ایران امنیت کشورهای جهان را به خطر می اندازد. از این رو، امریکا تعهد دیرین خود را بر حفظ امنیت کشورهای دوست خود در خلیج

( فارس ) قوت می بخشد و کشورهای دوست دولت خود را در جهان گرد می آورد تا پیش از آن که دیر شود، اقدام کنند.

او خطاب به ایرانیان گفت : دولت شما صلح و ثبات همسایه های شما را تهدید می کند. و خطاب به حاکمان ایران گفت : به اراده مردم ایران تمکین کنید و به این مردم حساب پس بدهید. و از نو، خطاب به مردم ایران گفت : شما حق دارید تحت رژیمی زندگی کنید که گوش به خواستهای شما داشته باشد. به استعدادها و احترام بگذارد و بگذارد شما زندگی بهتری را برای خانواده های خود بسازید. بدبختانه، دولت شما فرصت ساختن زندگی بهتر را می سوزاند و ثبات همسایه ها را به خطر می اندازد. و آنگاه از کشورهای عرب خواست از کوششها که برای برقرار کردن صلح

**کشورهای عرب خلیج فارس: با ایران سخت گیر باشید اما نه آن اندازه که جنگ ببار آورد :**

در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۸، آسوشیتدپرس از دویی گزارش کرده است که به دنبال حادثه خلیج فارس، دولتهای کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به بوش پیام داده اند : سخت گیری با ایران صحیح اما نه به اندازه ای که جنگ ببار آورد. آنها خواستار فروخوابیدن تنشها میان امریکا و ایران هستند. زیرا نمی خواهند بحران با ایران، به این کشور امکان بدهد بر نفوذ خود بر عراق و لبنان بیفزاید.

روز جمعه ( ۱۰ ژانویه )، بوش به کویت می رود و مسئله اول موضوع گفتگو، ایران است. از روز وقوع حادثه بدین سو، از ایران، با لحن تند سخن گفته اند.

بوش می گوید : با کشورهای عرب در باره استراتژی مقابله با ایران، کار خواهد کرد. اما دانسته نیست آنها با چه اندازه فشار بر ایران و مهار ایران موافق هستند. دولتهای عرب می گویند ما در کنار ایران زندگی می کنیم و نمی توانیم در علن، پیمان نظامی بر ضد ایران امضاء کنیم.

دولت قدرتمند عرب حوزه خلیج فارس، عربستان سعودی، با آنکه رقابش با ایران آشکار است اما می گوید می خواهد باب گفتگو با ایران را باز نگاه دارد.

شاهزاده سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان می گوید : « ما با ایران روابط داریم و با آنها گفتگو می کنیم. و اگر ما احساس کنیم خطری در منطقه وجود دارد، در باره آن، با ایران گفتگو می کنیم. ما با گوشهای باز به سخنان پرزیدنت بوش گوش می کنیم. طبیعی است او نظری را ارائه کند. ما در باره آن گفتگو خواهیم کرد.

او بر اینست که هر دو طرف امریکائی و ایرانی می باید خویشتن داری کنند و هشدار می دهد که ما دائم در خطر هستیم و عمل و عکس العمل می تواند کار را به جنگ بکشاند.

گلف نیوز که در امارات عربی متحده منتشر می شود و گفته می شود نظرهای نخبگان حاکم را انتشار می دهند، می نویسد : در دنیای عرب میل اندکی وجود دارد به اینکه بمتابه دوست ژرژ بوش، با او پیمان بر ضد ایران بسته شود.

کشورهای عرب می گویند : ما صحنه برخورد نظامی امریکا و ایران خواهیم شد. ایران تهدید می کند که به پایگاه دریائی امریکا در خلیج فارس حمله می کند و مانع از صدور نفت از





## سپردن کنترل عراق، سوریه، لبنان، بحرین و کل خلیج فارس به ایران در ازای حفظ منافع آمریکا!؟

◀ در ۱۸ دی ۸۶، روزنامه انتخاب: مجید روشن زاده؛ بر سر استراتژی سیاسی آمریکا در قبال ایران میان وزارت امور خارجه آمریکا و پنتاگون اختلاف نظر شدیدی بروز کرده است. از طرف دیگر رسانه های سوئیسی به نقل از منابع روسی و منابع عربی به نقل از عوامل امنیتی آمریکا گزارش می دهند که میان محمود احمدی نژاد و رابرت گیتس مذاکرات محرمانه ای انجام گرفته است.

به نوشته روزنامه سوئیسی "نویه تسوریش تسایتونگ"، وزارت دفاع آمریکا نسبت به سیاست های ایران در عراق به دیده شک و تردید می نگرد. در این رابطه رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، معتقد است که مذاکره همه جانبه و رسمی با ایران در حال حاضر عملی عجولانه است. زیرا به اعتقاد وی هنوز نمی توان چرخش جدی در استراتژی ایران تشخیص داد. گیتس می گوید: بسیاری از فرماندهان نظامی، ضمن پذیرش کاهش حملات موشکی به سربازان آمریکایی اعتقاد راسخ دارند که صدور اسلحه به شبه نظامیان عراق هنوز از طرف ایران به طور کامل قطع نشده و در سطح بسیار محدودی ادامه دارد. به اعتقاد این فرماندهان، اگرچه این سلاح در حال حاضر مورد استفاده قرار نمی گیرد و لی در انبارهای مخفی ذخیره می شود.

اما در حالی که روزنامه سوئیسی "نویه تسوریش تسایتونگ" هسته اصلی مخالفت با نزدیک شدن به ایران را در وزارت دفاع می داند، یکی دیگر از پایگاه های تحلیلی - خبری سوئیسی بنام "تسایت فراگن" با استناد به منابعی روسی که به نوشته نویسنده گزارش موثق هستند فاش می کند که در حاشیه اجلاس کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در قطر بین رابرت گیتس و محمود احمدی نژاد ملاقات مخفیانه ای انجام گرفته است. طبق این گزارش، در این اجلاس محرمانه پیمان عدم حمله متقابل بین سپاه پاسداران و نیروهای نظامی آمریکا بسته شد. تحت تاثیر این پیمان و چند ساعت پس از امضای آن، دولت آمریکا اقدام به انتشار گزارش سازمانهای شانزده گانه امنیتی که تا آن زمان بسیار سری نگه داشته شده بود، می کند.

رابرت بیر، مأمور سابق سازمان "سیا" در گفت و گویی با هفته نامه لبنانی "الوطن العربی" با اشاره به سفر احمدی نژاد می گوید: حضور رییس جمهوری ایران در واقع اولین گام اساسی در راستای اجرای معامله فراگیر و بزرگی است که از مدت ها پیش بین ایران و آمریکا و با هدف کنترل خاورمیانه آغاز شده بود. مقام سیا اضافه می کند: یک مقام مهم امنیتی وابسته به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از مدت ها پیش دوهفته ای یکبار برای هماهنگی امور امنیتی با تهران در رفت و آمد بود. به گفته "رابرت بیر" در چارچوب این معامله بزرگ، آمریکا در ازای حفظ

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

طولانی، دست کم دهه آینده، را در عراق خواهند ماند. البته اگر دولت عراق بخواهد!

NBC از او در باره سخنان اخیر سناتور مک کین، نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه پرسید. او گفته است: هرگاه لازم باشد قوای آمریکا را ۱۰۰ سال در عراق نگاه می دارد. بوش گفت: این مدت طولانی است. اما بسا لازم باشد آمریکا قوای خود را در عراق برای مدت طولانی نگاه دارد. البته هرگاه دولت عراق بخواهد. روزنامه نگار از او پرسید: این مدت طولانی ۱۰ سال است؟ و او پاسخ داد: دست کم ۱۰ سال.

### \* سازمان ملل متحد: در سه سال اول جنگ در عراق، ۱۵۱ هزار عراقی کشته شده اند:

◀ در ۱۰ ژانویه، سازمان ملل متحد گزارش خود را در باره کشتار جنگ در عراق منتشر کرد:

● در سومین سال جنگ، ۱۵۱ هزار عراقی کشته شده اند.

● در سال اول جنگ، روزانه ۱۲۸ عراقی کشته شده اند. در سال دوم جنگ، بطور متوسط، روزانه ۱۱۵ هزار عراقی کشته شده اند. و در سومین سال جنگ متوسط کشته ها در روز، ۱۲۶ تن شده اند. این آمار از تاریخ اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۶ است.

نماینده سازمان ملل می گوید: بعثت مشکلات بر سر راه، بسته بودن راه ها، حکومت نظامی، سوءظن خانواده ها که مانع از دادن پاسخ به پرسش مأموران آمارگیری سازمان ملل می شود... آمار تمامی کشته ها را در بر نمی گیرد.

آژانس متعلق به سازمان ملل که اقامتگاهش در ژنو است می گوید: نیمی از کشته ها، در بغداد روی داده اند.

با توجه به مشکلات بر سر راه، آمارگیران سازمان ملل که با تفاق دولت عراق عمل می کنند، میزان کشته ها را میان ۱۰۴ تا ۲۲۳ هزار تن برآورد می کنند. خانه های نا امن بازدید و پرسش نشده اند. وزیر بهداشتی عراق می گوید این امر در آمار لحاظ شده است. اما

◀ در اکتبر ۲۰۰۶، لانست، روزنامه پزشکی انگلستان، گزارش دو مؤسسه، یکی جون هابکینس بلومبرگ اسکول و دیگری اسکول آف مدسین دانشگاه مستنصریه بغداد را انتشار داد. بنا بر این گزارش، از زمان اشغال عراق تا آن تاریخ، ۶۰۰ هزار عراقی کشته شده بودند.

◀ و بنا بر آمار رسمی، ۳۹۱۲ ارتشی آمریکایی در عراق مرده اند که از آنها ۳۱۸۳ نفرشان در زد و خوردها کشته شده اند. و از قوای انگلستان، ۱۷۴ تن کشته شده اند.

\* رفتن محرمانه جعفری، فرمانده سپاه به بغداد و گفتگوهای سری سپاه با آمریکا بر سر عراق؟:

◀ تایمز (۱۳ ژانویه ۲۰۰۸) خبر از سفر محرمانه جعفری، فرمانده سپاه به بغداد می دهد: در ماه گذشته، فرمانده سپاه پاسداران محرمانه به بغداد رفته است. او برای تدارک زمینه و اسباب گفتگوها بر سر عراق با مقامات آمریکایی، به بغداد رفته بود.

منابع حکومت عراق می گویند محمد علی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران بطور محرمانه به عراق آمده است. سال پیش، آمریکا سپاه پاسداران را یک سازمان تروریستی اعلان و مجازاتهایی را بر ضد سپاه مقرر کرد. یکی از اتهامهای متوجه سپاه اینست که سپاه قدس بخشی از سپاه است و کارش این است که به شورشیان عراق موشک و خمپاره انداز و خمپاره و بمبهای می دهد که در جاده ها بکار گذاشته می شوند.

در روزهای اخیر، از نو، بکار بردن این بمب ها بر ضد ارتشیان آمریکایی بسیار زیاد شده است. همین امر سبب شد که پرزیدنت بوش در کویت بگوید: «نقش ایران در بر افروختن آتش خشونت بر جهانیان آشکار است».

او، به ایران، بخاطر مداخلاتش در عراق، اخطار کرد.

◀ بنا بر اطلاع حاصل از ایران نیز، دستگاه تبلیغاتی رژیم، از نو، به حمله تبلیغاتی به آمریکا در مورد افغانستان و عراق و لبنان و فلسطین شدت بخشیده است.

### \* موضوعات مورد گفتگوی ایران و آمریکا از قول وزیر خارجه عراق:

◀ در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۸، هوشیار زبیری، وزیر خارجه عراق، به شرق الاوسط گفته است: «کنترل شبه نظامیان» و «همکاری در مبارزه با شبکه های تروریستی» و «جلوگیری از قاچاق اسلحه، پول و افراد از مرزهای عراق» و «نظارت بر مرزها» محورهای چهارگانه مذاکرات جدید ایران و آمریکا هستند.

### \* فرانسه نیز در خلیج فارس پایگاه نظامی دائمی ایجاد می کند:

◀ همزمان با سفر سارکوزی به کشورهای حوزه خلیج فارس، کاخ الیزه اعلام کرد یک پایگاه نظامی دائمی فرانسه، در ابوظبی ایجاد می کند. لوموند و لیبراسیون (۱۵ ژانویه ۲۰۰۸) می نویسند: این پایگاه در جوار تنگه هرمز و روبروی ایران ایجاد می شود.

سفر البرادعی به تهران و توافق در باره شفاف سازی فعالیت های اتمی ایران که حاصل دیدار او با خامنه ای و احمدی نژاد است:

### \* رژیم و آژانس بین المللی انرژی اتمی: تنها راه اینست که ایران هرچه زودتر فعالیت های اتمی خود را شفاف سازد:

◀ در ۸ ژانویه، کارشناسان آژانس بین المللی انرژی اتمی، در تهران، واپسین گفتگوهایشان را در باره شفاف سازی با مقامات اتمی رژیم به پایان رساندند و در ۹ ژانویه به وین باز گشتند.

در پی آن، البرادعی به تهران رفت:

◀ در ۱۱ ژانویه البرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی به تهران رفت. او برای حل مسائل هنوز حل نشده به تهران رفت. بهنگام سفر به تهران نیز گفت: سود ایران در اینست که هرچه زود تر تمامی فعالیت های اتمی خود را شفاف کند و اعتماد همگان را جلب کند.

◀ در ۱۲ ژانویه، رویتر از تهران گزارش کرد که البرادعی با خامنه ای دیدار کرده و خامنه ای خطاب به او گفته است:

پرونده اتمی ایران را می باید آژانس انرژی اتمی تصدی کند و نه شورای امنیت. آمریکا نمی تواند از راه وارد کردن فشار، ملت ایران را به زانو در آورد. ایران قصد ساختن بمب اتمی ندارد. ما بارها گفته ایم، بلحاظ شرعی با ساختن بمب اتمی مخالف هستیم. ما پیمان منع گسترش سلاح اتمی را امضاء کرده و بدان پایبندیم. پرونده اتمی ایران از شورای امنیت باید به آژانس بازگردانده شود.

### \* توافق بر سر دریافت پاسخهای پرسشهای باقی مانده ظرف ۴ هفته:

◀ در ۱۳ ژانویه، پس دیدارهای البرادعی با خامنه ای و احمدی نژاد، آژانس اعلان کرد که میان آژانس و ایران توافق بعمل آمد که ظرف ۴ هفته، ایران پاسخ پرسشهای پاسخ نداده را نیز بدهد و تمامی مسائل حل نشده را حل کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، در جریان دیدار البرادعی با خامنه ای و احمدی نژاد توافق شد که «سند کار» که برای شفاف سازی فعالیت های اتمی ایران تهیه شده است، ظرف ۴ هفته می باید به اجرا در آید. با وجود این،

◀ در ۱۴ ژانویه بیعد، آلمان و فرانسه و آمریکا در پی تهیه کردن و به تصویب رساندن قطعنامه سوم بر ضد ایران شدند و.

◀ سخت گیری در باره دانشجویان ایرانی بیشتر شده است. دانشگاه هلند مانع از تحصیل ۳ دانشجوی ایرانی شد به این دلیل که ممکن از آموخته های خود را در پیشبرد برنامه اتمی ایران بکار گیرند.



**\* اولمرت نخست وزیر اسرائیل ایران را تهدید به جنگ می کند:**

◀ در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۸، اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، در مجلس، گفت: غیر ممکن است اسرائیل بگذارد ایران به سلاح هسته ای مجهز شود. از این رو، تمامی گزینه ها، از جمله گزینه نظامی روی میز هستند. انقلاب اسلامی: این ادعا را نخست وزیر دولتی می کند که خود به سلاح اتمی مجهز است و بنا بر اسناد، در جنگ ۱۹۶۷ آماده بکار بودن آن نیز بوده است:

**سند محرمانه ای پیرامون بمب اتمی اسرائیل که سیا در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۸، بهنگام سفر بوش به اسرائیل و کشورهای عرب انتشار داد و سؤال بر انگیزت:**

◀ ایسنا گزارش ها آرتص (۱۳ ژانویه) در باره سند با کاستن و افزودن انتشار داده است. عنوانی که ایسنا داده است اینست: « شاه با اطلاع امریکا دنبال سلاح هسته ای بود ». چنین عنوانی نه در گزارش ها آرتص وجود دارد و نه در سند. متنی که ایسنا انتشار داده است، اینست: « شاه با اطلاع امریکا دنبال سلاح هسته ای بود

آژانس اطلاعات مرکزی امریکا با حمایت برخی نهادها از جمله بخش اطلاعات و تحقیقات وزارت خارجه و آژانس اطلاعات دفاعی امریکا در اوت سال ۱۹۷۴ تشخیص داد که رژیم صهیونیستی دارای تسلیحات هسته ای است که تعداد کمی از آنها را "تولید و ذخیره" کرده است. علاوه بر آن رژیم صهیونیستی متهم به در اختیار گذاشتن مواد، تجهیزات و فناوری هسته ای به ایران، آفریقای جنوبی و سایر کشورهایی که در آن زمان با آنها روابط دوستانه داشت می باشد.

این مدرک فوق محرمانه که به مدت ۳۲ سال به گاوصدوق آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) سپرده شده بود به طور ناگهانی این هفته، در طول سفر جورج بوش، رئیس جمهور امریکا به سرزمین های اشغالی و در آستانه سفر وی به کشورهای حاشیه خلیج فارس، منتشر شد.

این روزنامه صهیونیستی در ادامه این گزارش آورده است: روز پنجشنبه توسط پست الکترونیکی از سیا درباره تصادف عجیب انتشار این سه اسناد تنها یک ماه پس از انتشار برآورد اطلاعات جاسوسی ملی امریکا درباره برنامه هسته ای ایران سوالاتی پرسیده شد. اما سیا تا پایان زمان مربوطه پاسخی به این سوالات نداد.

در ادامه این گزارش می خوانیم، طبق این سند مربوط به سال ۱۹۷۴ کل جامعه اطلاعات جاسوسی ملی امریکا تشخیص داد که "رژیم صهیونیستی تسلیحات هسته ای تولید کرده است". این تحلیل بر اساس "دستیابی رژیم صهیونیستی به مقادیر بالایی از اورانیوم" که تا حدودی به

**دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!**

کشوری نخواهد بود که سلاح هسته ای را وارد منطقه می کند!

انقلاب اسلامی: و آن نخست وزیر می دانست دروغ می گوید. امریکا که باتفاق شوروی سابق بانی قرارداد منع گسترش سلاح هسته بودند، در حکومت جمهوریخواه ها، با اسرائیل تفاهم می کند. حال آنکه می باید همچنان به اسرائیل فشار می آورد قرارداد را امضاء کند. با توجه به رفتارش در قبال ایران، می باید در اولین فرصت، جهانیان را از قصد اسرائیل آگاه می کرد. اگر وارونه کاری را کرد که باید می کرد، دلیلی جز این نداشت و ندارد که سلطه بر منطقه و بردن و خوردن نفت و گاز خاورمیانه را در گرو تفوق نظامی کامل اسرائیل بر تمامی کشورهای منطقه می دانست و می داند.

**شیوه مافیائی اداره ورزش - تکلیف ۱۷۱ کرسی مجلس از پیش معین می شود! - حسن خمینی در خطر مرگ؟! - و...**

**ورزش کشور، بخصوص فوتبال، تحت مدیریت مافیائی، گرفتار انحطاط است:**

ورزش از دیر باز در کشور ایران جایگاه خود را حفظ نموده است در این بین ورزش فوتبال و کشتی از جمله ورزشهایی است که هواداران بیشتری را به خود جلب نموده است. فوتبال از جایگاه بسیار بالاتری برخوردار است. هواداران فوتبال در ایران همواره موجب ترس و وحشت نظام بوده اند. هر زمان که فوتبال میان دو تیم اول کشور یعنی استقلال و پیروزی برگزار می شود تعداد افرادی که برای دیدن این مسابقه به ورزشگاه می روند گاه از ۱۰۰ هزار نفر هم فراتر می رود و بینندگان تلویزیونی این مسابقه به میلیون ها نفر می رسد.

هر زمان که این دو مسابقه دارند خط اتوبان کرج بین تهران تا ورزشگاه را نیروهای ضد شورش نیروی انتظامی اشغال می کنند تا مبادا موجبات اعتراض گسترده مردمی به وجود آید. با این وجود، هر زمان که این مسابقه برگزار می شود دهها میلیون تومان به وسایل عمومی کشور آسیب وارد می شود.

بزرگترین نمایش همبستگی مردم با فوتبال در زمانی بود که تیم ایران، بعد از مساوی کردن با استرالیا، در جام جهانی شرکت کرد. در آن شب، در ایران جشن و سروری برگزار شد که

دستیابی اسرائیل به تکنولوژی اتمی، آن را در اختیار رژیم شاه نیز قرار دهد.

● بنا بر اسناد محرمانه ای که از قید محرمانه رها شده اند:

- در سال ۱۹۵۷، شیمون پرز با فرانسه قرارداد همکاری اتمی را ( ایجاد تأسیسات اتمی دیمونا Dimona ) را امضاء می کند و بن گورین، نخست وزیر وقت اسرائیل اجازه اجرای برنامه اتمی را صادر می کند.

- امریکا، در اواخر ۱۹۶۰، از راز توافق دیمونا سر در می آورد. این تأخیر یک ناکامی بزرگ، بزرگ تر از تأخیر در کسب اطلاع از آزمایش اتمی هند در ۱۹۹۸، تلقی می شود.

- پرابر اسنادی که به تازگی از قید محرمانه آزاد شده اند، پوزیدنت کندی تنها رئیس جمهوری امریکا است که کوششهای جدی برای منصرف کردن اسرائیل از تولید بمب اتمی بکار برده است. استعفا بن گورین از نخست وزیری، در ۱۹۶۳، زیر فشار کندی انجام گرفته است.

- دانشمندان امریکائی که از اسرائیل بازدید کردند هیچگاه مدرکی حاکی از این که اسرائیل در کار تولید بمب اتمی است بدست نیاوردند.

- در سال ۱۹۶۶، سیا گزارشی را در اختیار مقامات امریکا قرار داد که بنا بر آن، اسرائیل اجرای برنامه اتمی خود را به پایان برده است و تنها چند هفته دیگر مانده است که بتواند بمب اتمی بسازد. این گزارش در اختیار هیات بازدید کننده از دیمونا قرار داده نشد.

- در اواخر سال ۱۹۶۶، اسرائیل مرحله تحصیل توانائی تکنولوژیک و ایجاد تأسیسات را به انجام رساند. اما اشکول، نخست وزیر وقت اسرائیل، اجازه آزمایش بمب اتمی را نداد. زیرا می دانست ناقض تفاهم نا نوشته با امریکا است.

- جنگ ژوئن ۱۹۶۷، بعد اتمی مهمی یافت: اسرائیل دو بمب اتمی را آماده بکار بردن کرد. اسرائیل پیش از شروع جنگ ۶ روزه، بمب اتمی ابتدائی را ساخته بود.

- در ۱۹۶۸، قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای به تصویب بین المللی رسید. در پی آن، میان امریکا ( در حکومت جانسون ) و اسرائیل مقابله مستقیم روی داد. و این آخرین تقابل امریکا با اسرائیل بر سر سلاح هسته ای بود.

- تفاهم جدید میان امریکا و اسرائیل، در ۱۹۷۰، بهنگام دیدار گلدامایر، نخست وزیر اسرائیل و نیکسون، رئیس جمهوری امریکا، پدید آمد. از آن پس، امریکا اسرائیل، برای امضای قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای، زیر فشار قرار نداد. به بازرسی از تأسیسات دیمونا نیز پایان بخشید. در عوض، اسرائیل نیز پذیرفت آزمایش اتمی بعمل نیاورد و تکوید بمب اتمی دارد. این تفاهم تا امروز، معتبر و مرعی است.

- بنا بر سند مورخ ۱۹۷۵، تا آن تاریخ، اسرائیل منکر اجرای برنامه تولید سلاح هسته ای بود. از جمله اسحق رابین در ۷ سپتامبر ۱۹۷۵ گفت: اسرائیل اولین

در آن همه مردم از کوچک و بزرگ شرکت کردند. نظام برای جلوگیری از شادی بیش از حد مردم کلیه نیروهای در اختیار خود را برای مقابله و سرکوب مردم به خیابانها گسیل داشت. از این گونه درگیری ها میان مردم و نظام بارها پیش آمده است و همواره مردم قدرت خود را به آنها نشان داده اند.

با پایان جنگ و ورود نیروهای شکست خورده از جبهه ها به درون شهرها برخی از سرداران سپاهی که دستی در ورزش داشتند تلاش نمودند تا خود را به بخش هایی از ورزش کشور برسانند به همین دلیل دیده می شود که بسیاری از روسا و معاونین فدراسیون ها و ورزش کشور در اختیار افسران سپاه قرار گرفت. هم اکنون، نام سردارانی در بخش هایی از ورزش کشور دیده می شود.

با به سر کار آمدن محمود احمدی نژاد گروه مافیائی وابسته به او تصمیم گرفت با آوردن مهندس علی آبادی که هیچ سابقه ای در هیچ تیم ورزشی نداشت به ریاست سازمان تربیت بدنی این سازمان را در اختیار خود داشته باشد و بر ورزش کشور حکم براند.

مافیای باند احمدی نژاد همواره از سوی نادان ترین و کم سواد ترین افراد تشکیل شده است که این وضعیت را نیز در کل وزارتخانه های او می توان مشاهده نمود. تنگ نظری این مافیا در کلیه امور چنان خود را به نمایش گذارده است که همه متوجه جهل این گروه شده اند.

مهندس علی آبادی که هیچ اطلاعاتی از ورزش نداشت با آوردن کارکنان واواک و قوای انتظامی و سپاه به این سازمان تلاش نمود تا قدرت سیاسی و اطلاعاتی خود را به رخ برخی از مسئولین کشور بکشاند. وی با قرار دادن فراهانی در مقام معاون حراست سازمان تربیت بدنی که از اعضای واواک سیستان و بلوچستان بود و نیز آوردن ساور که از افراد حراست صدا و سیما بود و گماردن او به مقام معاونت فرهنگی این سازمان و نیز رغبتی و کیومرث هاشمی از افراد واواک به معاونت های بین المللی و فدراسیون ها و آخوندی به عنوان سخنگوی سازمان و برخی دیگر چون خزاعی و محمد نبی حبیبی و ... کار خود را برای کنترل ورزش و تیم های ورزشی آغاز نمود.

البته نا گفته نماند که کارهای این مدیران ورزشی که تحت ولایت مطلقه فقیه به کار مشغول هستند، هرگاه در زمان خاتمی انجام می شدند، گروههای کفن پوش با قدرت تمام مسئولان را مورد ضرب و شتم قرار می دادند. در هیچ دوره ای از گذشته و در زمان هیچ کدام از رؤسای جمهوری مری مرد برای تیم های بانوان در نظر گرفته نمی شد ولی در زمان ریاست علی آبادی تیم بانوان قایقران کشور توسط مردی از کشور ترکیه مری گری می شود و تیم والیبال زنان نیز توسط مریان مرد کره ای تمرین داده می شوند. و امسال، برای اولین بار است که تیم والیبال زنان ایران در مسابقات ماکائو در برابر دیدگان مردان تماشاچی چشم بادامی به مسابقه پرداختند. این در حالی است که تا به حال هیچ مسابقه ای در کشور ایران برگزار نشده است که بانوان بتوانند حتی در مقابل دیدگان خانواده های خود به مسابقه بپردازند اما تحت ولایت مطلقه خامنه ای و ریاست جمهوری احمدی نژاد که





## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

خود را مصداق بقیه الله می داند و ریاست ورزش مهندس علی آبادی که مرتب دم از حکومت اسلامی و حکومت خدایی می زند، بانوان ایران می توانند در مقابل دیدگان مردان کشورهای خارج و زیر نظر مری مرد به مسابقه بپردازند. البته این ایرادی ندارد. به شرطی که جایی برای رفتار یک بام و دو هوای این مسئولین دیگر جایی برای اقدامات برخی از مراجع که حتی برای پخش اخبار مسابقات بانوان کفن پوشها را به خیابانها می کشاندند باقی نمانده باشد.

احمدی نژاد شاید یادش باشد زمانی که اعلام کرد زنها می توانند به ورزشگاه آزادی بروند و از مسابقات فوتبال دیدن کنند، چه غوغایی در قم پیا شد. چرا قم و کفن پوشان در برابر مسابقه دادن بانوان در مسابقات ماکائو سکوت کرده اند را خدا می داند!

در ابتدای کار مهندس علی آبادی، با وجود مشکلاتی که کشتی کشور بدانها مبتلی است، با قرار دادن یزدانی خرم، زمین خوار بزرگ که واواکی و از اعضای هیات مولفه است، در مقام ریاست فدراسیون والیبال کشور، بر آن شد که کشتی کشور را زیر نظر خود قرار دهد.

علی آبادی با قرار دادن افرادی از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در میان اعضای هیات مدیره تیم های بزرگ فوتبال کشور از جمله استقلال و پیروزی سعی در کنترل این تیم ها کرد. هم اکنون برخی از اعضای شورای تهران را که از اعضای یک هیات مذهبی در غرب تهران هستند به عضویت هیات مدیره تیم های معروف در آورده است تا کنترل آنها را به دست آورد. سال گذشته، برای اولین بار بود که این تیم های ورزشی با دادن اطلاعاتی از هواداران خود خواستند در انتخابات شرکت کنند و بطور علنی درخواست سیاسی خود را اعلام نمودند اما با شکست سختی روبرو شدند.

با شکست فوتبال ایران در بازی های جهانی، تغییر ریاست فدراسیون فوتبال که از افراد غیر خطی علی آبادی بود، شروع شد. با برکناری دادگان و اعتراض وی به فیفا که نشان دهنده دخالت سیاست در ورزش به خصوص فوتبال بود فیفا تصمیم گرفت با ایران برخورد نماید. به همین دلیل تصمیم به اخراج ایران از مسابقات فوتبال آسیایی گرفت. با پادرمیانی برخی از افراد معتبر ورزشی و قول ایران مبنی بر انجام درخواست های فیفا، ایران تا پایان مسابقات فوتبال بازیهای آسیایی در این مسابقات شرکت نمود و با پایان این مسابقات فیفا فشار خود بر ورزش ایران را شروع کرد و کار به جایی رسید که مسئولان ورزش کشور برای اینکه با هجوم مردم مواجه نشوند مجبور به پذیرش راه حل های پیشنهادی فیفا شدند.

فیفا از ایران خواست که انتخاب رییس فدراسیون فوتبال باید به صورت آزاد از میان افراد غیر سیاسی بعمل آید. در اولین قدم خواستار تدوین اساسنامه فدراسیون فوتبال ایران شد و برای جلوگیری از اعلام نظر مسئولین مافیایی ورزش کشور سه نماینده را به عنوان نمایندگان فیفا به

نامهای صفایی فراهانی و خیبری و غفاری معرفی نمود تا با سه تن از کارکنان سازمان تربیت بدنی جلساتی برای تدوین اساسنامه فوتبال کشور تشکیل دهند.

مافیای ورزش کشور در ابتدا با حضور صفایی فراهانی که از وابستگان به حزب مشارکت است، مخالفت کرد ولی فیفا ایران را مجبور به پذیرش این نماینده خود در جلسات و در ضمن ریاست آن جلسات نمود. از سوی سازمان تربیت بدنی برای مقابله با آنها سه نفر به نامهای کیومرث هاشمی و انصاری فر و رغبتی معرفی شدند که در جلسات شرکت کنند.

مسئولان سازمان تربیت بدنی که به هیچ وجه حاضر به عقب نشینی نبودند در نهایت چاره ای به جز این ندیدند که در جلساتی شرکت کنند که ریاست آن را نماینده فیفا بر عهده داشت.

برای تدوین اساسنامه، نمایندگان مهندس علی آبادی فشار زیادی برای به دست گرفتن ریاست فدراسیون فوتبال وارد کردند. قصد داشتند تا با انتخاب فردی از میان خود کنترل فوتبال ایران را همچنان در دست داشته باشند. بلاخره اساسنامه فوتبال ایران تصویب شد. در آن آمده است که کاندیداهای فدراسیون فوتبال نباید از میان سیاسیون وابسته به دولت باشند.

البته نا گفته نماند که برای تصویب این اساسنامه بارها و بارها جلساتی برگزار شد ولی نمایندگان گروه مافیایی علی آبادی نمی خواستند موادی را بپذیرند که مانع از آزادی عمل آنها می شد. سرانجام، مجبور به پذیرش اساسنامه شدند و آن را امضا کردند.

در انتخابات رییس فدراسیون فوتبال، قرار بر این شد که کاندیداهایی معرفی شوند. ابتدا قرار بود برای ریاست فدراسیون فوتبال کشور، احمدی نژاد نامزد شود. ولی او این مسئولیت را بر عهده علی آبادی گذاشت و به او گفت شما بروید و فدراسیون فوتبال را در دست بگیرید. ولی زمانی که قرار شد انتخابات برگزار شود، درگیری هایی بین کاندیداهای معرفی شده از جمله سردار اجر لو و علی آبادی پیش آمد که منجر به کنار گیری سردار اجر لو شد. البته برای دور کردن اجر لو از مافیای حاکم بر سازمان تربیت بدنی، طرحی تهیه و به اجرا گذاشته بودند.

زمانی که مشخص شد انتخابات مسئله دار است، مسئولین سازمان تربیت بدنی، برای جلوگیری از افشای طرحی که برای حذف کاندیدای فدراسیون فوتبال، به اجرا گذاشته بودند، بنا بر دستور، در یک شب، ۱۲ نفر از کسانی که می بایست در دادن رأی شرکت می کردند، استعفا دادند و انتخابات به تعویق افتاد. یکی از کسانی که کاندیدا شده بود، سردار اجر لو بود که رییس سازمان تربیت بدنی با او مخالف بود. البته ناگفته نماند که اجر لو از جمله جنایتکارانی است که در جریان قتل عام زندانیان

سیاسی در سال ۶۷ گفته، نام مجید حلوائی و یا مجتبی ... در زندان اوین نام زندانیان را با ماژیک بر روی کمر آنها می نوشت تا بعد از اعدام معلوم شود که اعدای چه کسی است. وی بعدها به سرپرستی تیم نیروی انتظامی یعنی پاس انتخاب شد و نیز در برخی از پست های ورزشی قرار گرفت. و هم اینک، او معاونت ورزش شهرداری تهران را عهده دار است.

بعد از تعویق انتخابات، به دلیل اینکه فیفا متوجه شده بود علی آبادی فردی سیاسی و منصوب احمدی نژاد است و قرار است بر فوتبال ایران تسلط داشته باشد، به دلیل حضور وی در پست ریاست سازمان تربیت بدنی، با نامزد ریاست فوتبال شدن او مخالفت کرد. قرار بر این شد او از پست ریاست سازمان تربیت بدنی استعفا دهد و به مقام وزارت رفاه یا راه برسد و پس از آن، در انتخابات شرکت کند. این مواضع نیز لو رفت و فیفا کلا با سیاسی شدن انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال ایران مخالفت کرد و اعلام کرد علی آبادی نمی تواند در این انتخابات شرکت کند. همین مخالفت موجب شد بار دیگر انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال ایران به تعویق بیفتد.

فشار فیفا موجب شد مافیاهای حاکم بر ورزش ایران عقب نشینی کنند. زیرا فیفا مافیای را تهدید کرده بود که هرگاه بخواهند به این رویه ها ادامه دهند، ایران را از حضور در مسابقات ممنوع خواهد کرد. وقتی کار به اینجا رسید و شکست باند مافیایی مشخص شد، احمدی نژاد در صحنه تلویزیون ظاهر شد و گفت من به آقای علی آبادی تکلیف کردم بروم و فوتبال ایران را نجات دهم و وقتی دیدم دارد برای فوتبال ایران مشکل به وجود می آید، من به آقای علی آبادی گفتم کناره گیری کند.

البته او گفت کناره گیری علی آبادی به دلیل فشاری بود که فیفا بر ایران وارد کرده بود. در این مورد نیز، مانند تمام موارد دیگر، وقتی فشار به ایران وارد شد، ایران کوتاه آمد و تسلیم شد.

چند شب پیش، در برنامه نود که برنامه ای است در مورد فوتبال ایران و فردوسی پور مجری آنست، صفایی فراهانی در تلویزیون ظاهر شد. برای اولین بار بود که ممنوعیت حضور او در تلویزیون لغو می شد. وی، در مصاحبه ای حدود سه ساعت، در مورد مشکلات فوتبال کشور و سنگ اندازی های سازمان تربیت بدنی توضیح داد و پنه دخالت های سازمان تربیت بدنی را در قلمرو فوتبال ایران را بر روی آب انداخت.

در این برنامه، وی با ارائه اسناد و مدارک ثابت کرد که مسئولین سیاسی کشور تلاش داشته اند بر فدراسیون فوتبال مسلط شوند. چگونه در بسیاری از موارد دست به سنگ انداختن کردند. ابتدا، کیومرث هاشمی برای پاسخگویی به وی دست به یک مناظره تلویزیونی زد و انقدر مسائل پشت پرده دخالت های سیاسی

سازمان تربیت بدنی را لو داد که همان زمان، علی آبادی تلفنی از او خواست که مناظره را قطع کند و اجازه بدهد فردی دیگر وارد مناظره تلفنی - تلویزیونی با صفایی فراهانی شود. بعد از قطع تماس او، آخوندی سخنگوی سازمان تربیت بدنی به صحنه آمد و حرفهای بسیاری زد. البته همه حرفهای وی، همانند سخنان کیومرث هاشمی، تلاش سیاسی خود و علی آبادی را برای تحت مهار باند مافیایی آوردن ورزش کشور، بر همگان آشکار کرد.

زمانی که صفایی فراهانی اعلام کرد برای مری گری تیم ملی فوتبال ایران برخی ها به سازمان تربیت بدنی معرفی شده اند. او نام چند نفر را برد که با آنها صحبت شده و برخی از آنها آماده آمدن به ایران و صحبت و مذاکره هستند تا اگر مورد تایید قرار گرفتند به عنوان مری تیم فوتبال انتخاب شوند. کیومرث هاشمی بار دیگر، از راه تلفن، به صحنه آمد و ضمن دروغگو خواندن صفایی فراهانی، تلاش کرد شکست خود را در بخش قبلی مناظره جبران کند. اما این بار نیز، با افشا شدن دروغ هایش، کار را خراب تر کرد. با پایان این برنامه، در صدا و سیما، برخوردهایی با پور محمدی و فردوسی پور بعمل آمدند.

البته ناگفته نماند که با وجود افشاکری های صفایی فراهانی در باره دخالت های سیاسی در فوتبال، باید گفت: زمانی هم که خود او رییس فدراسیون فوتبال ایران بود، سیاست در ورزش دخالت می کرد. اینک چون او نمایندگی فیفا را بر عهده دارد تلاش می کند خود را مخالف دخالت سیاست در ورزش معرفی نماید.

به هر حال، ورزش اول کشور در این سال گرفتار بازی های سیاسی احمدی نژاد و علی آبادی و هاشمی و آخوندی و رغبتی و دیگرانی بود که تلاش می کردند که این خاک ریز را از دست ندهند. آنها کاملاً مطلعند که بعد از از دست دادن ریاست فدراسیون فوتبال باید آماده از دست دادن پست های دیگری در ورزش این کشور باشند. زیرا تقریباً می توان گفت که اکثر فدراسیون های ورزشی کشور در اختیار افراد وابسته به مافیای قدرت در کشور هستند و به همین دلیل است که پیشرفت ورزش در کشور با مشکلاتی روبرو است.

سرانجام، به پیشنهاد هیات انتخابی فدراسیون فوتبال و تایید هاشمی و علی آبادی، مری ای از کشور پرتغال جهت مری گری تیم فوتبال ایران انتخاب شد. وی که طی دو سال گذشته، به دلیل سکنه قلبی، هیچ تیمی را در اختیار نداشته است، قرار است تیم فوتبال ایران را رهبری کند. باز مشاهده می شود که هنوز مری نیامده، بر اثر دخالت سازمان تربیت بدنی - به گفته محمد نبی حبیبی سخنگوی موقت فدراسیون فوتبال -، یک نفر به نام ابراهیم زاده، به عنوان مری تیم فوتبال انتخاب شده است.

او نیز نام ۵۰ فوتبالیست ایرانی را برای حضور در اردوی تیم ملی اعلام کرده است. اما این ابراهیم زاده که به عنوان مری، قرار است زیر نظر مری پرتغالی تیم ملی را رهبری کند، فاقد صلاحیت لازم برای این کار است. او از جمله مریان بی نام و نشان و بدون سابقه مری گری تیم های بزرگ کشور است.

## آیا خطر مرگ حسن خمینی را تهدید می کند؟

وقتی روزنامه کیهان نشانی می دهد باید مواظب بود. این خصیصه روزنامه کیهان و واواکی ها و توبه دهندگانی است که در این روزنامه، کار می کنند. اینها، با هماهنگی کامل، هر زمان می بایست جنایتی سیاسی انجام شود، کسی دستگیر شود و یا آنکه به نشریه ای و یا کتابفروشی حمله شود و یا به تجمع دانشجویان و سیاسیون و زنان و کارگران و ... حمله شود و یا کسی کشته شود، ابتدا روزنامه کیهان شروع می کند به بدگویی از او و زمینه را برای انجام آن امر آماده کردن.

کم نیستند جنایتهای سیاسی که ابتدا روزنامه کیهان قربانیان آنها را نامزد قربانی شدن نکرده باشد. بعد از آن که روزنامه کسی را نامزد کرد، تیم جنایتکار وابسته به نظام ولایت فقیه، دست بکار انجام مأموریت می شوند. این روزها، نوبت به سید حسن خمینی رسیده است. باید به نوعی سر او را زیر آب کرد. یعنی با برنامه خاصی که روزنامه کیهان تهیه کرده است، زمینه سکوت یا تبعید او را فراهم آورد.

از زمانی که سید حسین خمینی به دستور پدر بزرگ مجبور به خانه نشینی گشت و سپس توسط مأموران «انسان ساز» و «سربازان امام زمان» آلوده به مواد مخدر شد و بیمار گشت، تا زمانی که سید احمد فرزند خمینی، به دستور خامنه ای، «رهبر فرزانه انقلاب»، به دیار باقی شتافت کسی باور نمی کرد جانشین خمینی حکم قتل فرزند خمینی را بدهد. آن زمان که به سید احمد گفتند زیاد از حد در مورد رهبری سخن نگویید، بفرکش خطور نمی کرد که اگر دم فرو بندد، به قتل خواهد رسید.

البته شاید که نه قطعاً سید احمد آنچه را که کشت کرده بود برداشت کرد. زمانی که در توطئه های جنایتکاران و کودتاگران بر ضد نخست وزیر منصوب پدرش (مهندس بازرگان) و رییس جمهوری منتخب مردم، شرکت جست و نقش اول را بازی کرد، تا زمانی که با برنامه ریزی های انجام شده زمینه حذف آیت الله منتظری را فراهم آورد و سپس در کشتار سال ۶۷ شرکت کرد و نوشته ها از قول پدرش جعل کرد، فکر نمی کرد کسی که با نامه جعلی او «رهبر» شده است، قصد جان او را کند.

قتل احمد خمینی، تا زمانی که خانم فاطمه برقی به قتل نرسیده بود، مکتوم بود. ولی بعد از آن، پرده از راز برداشته شد. تا زمانی که سعید در صفحه ۸



امامی، در اعترافات خود، قتل احمد خمینی را شرح نداده بود، قبول آن برای خیلی ها سخت بود. زیرا با خود می گفتند مگر ممکن است خامنه ای دستش را به خون فرزند مقتدای خود، آلوده کند؟ هنگامی که قاضی پرونده، نیازی، به سید حسن خمینی نگفته بود پدرش را به قتل رسانده اند، بسا سید حسن هم باور نمی کرد پدرش را کشته باشند. نمی توانست قبول کند در جلسه ای که مصباح یزدی و خوشوقت و بادامچیان در آن شرکت داشته اند، قتل پدرش، سید احمد اجتناب ناپذیر دانسته می شود و به دستور خامنه ای او به قتل می رسد.

این روزها دیده می شود که روزنامه کیهان و سایت رجا نیوز در حال دادن نشانی سید حسن خمینی هستند. در آن روزها که سید احمد به قتل رسید و یازمین سازی فرمان قتل او انجام شده بود، نه وب سایتی بود و نه وب لاگی که او را از خطر آگاه کنند. اما در این روزها، به یمن وجود وب لاگها و وب سایت ها و ایمیل که دمار از روزگار استبداد در آورده است، به سید حسن خمینی این خطر هشدار داده می شود: زمانی که روزنامه کیهان نشانی او را می دهد او باید مواظب خود باشد. زیرا حسین شریعتمداری جاسوس کهنه کاری است که سر سعید امامی را نیز بر باد داد. در کنار او بود تا زمانی که مطمئن شد که او کشته شده است. زیرا همه می دانند در بسیاری از جنایات انجام شده افرادی چون بادامچیان و حسین شریعتمداری و حسن شایانفر و حسین صفار هرنیدی و ... در کنار مفتیان قتل ها بوده اند و برخی از این قتل ها در خانه خود حسین شریعتمداری طراحی شده اند. سید حسن هنوز جوان است و شاید فکر می کند در امان است. اما او بداند که در نظام ولایت فقیه، اصل بر حفظ ولایت مطلقه فقیه است. برای حفظ آن حتی اگر ضرور باشد توحید را نیز تعطیل می کنند. چه رسد به قتل حسن خمینی.

**چند خبر مهم: آیا معنای نامزد عضویت مجلس خبرگان کردن مهدوی کنی، محدود کردن هاشمی رفسنجانی است؟**

**چرا گروههای راست سنتی می خواهند مهدوی کنی را به مجلس خبرگان بفرستند؟**

بنا بر خبر موثق، نیروهای راست سنتی برای اینکه بتوانند هاشمی رفسنجانی را در مجلس خبرگان رهبری کنترل کنند و وی را از مسند ریاست این مجلس به زیر آورند، با دادن امتیازاتی به مهدوی کنی، او را وادار به شرکت در انتخابات خبرگان رهبری نموده اند. قصدشان اینست که در پی عضویت او در مجلس خبرگان، در انتخابات سال بعد، ریاست مجلس از هاشمی رفسنجانی پس بگیرند و به او بدهند.

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

جنگ کشیده شویم صحبت کرده است. داوود احمدی نژاد به خیلی از مسؤولین حراست ادارات گفته است که تا قبل از انتخابات پاکسازی ها را تمام کنید. آیت الله ابراهیم امینی (نایب رئیس دوره ی قبل خبرگان و از امام جمعه های موقت قم) به آیت الله توسلی گفته است وضعیت حاضر نظام، حاصل دروغگویی هاست.

۲۰ میلیارد دلار گم شده است. نادران می گوید: صندوق ذخیره ارزی وام داده است؟ در چه تاریخ؟ با کدام مجوز؟ در داخل یا خارج از کشور؟ اگر در خارج از کشور وام داده شده است، به کدام دولتها یا سازمانها و یا شرکتهای؟ و اگر در داخل کشور، به چه کسان یا شرکتهایی؟ نتایج بیار آورده کدامها هستند؟ ... این پرسشها یک کلمه پاسخ نیز دریافت نکرده اند. ملا تاریا مردم ایران را در حکم یتیم می داند اما بنایش بر خوردن مال یتیم است. آنهام بدین سان.

**گروههای اصول گرا و راست سنتی قادر به توافق نشدند. تنها امیدشان به رد صلاحیتها و تقلبات انتخاباتی است:**

با توجه به اختلافات زیادی که در میان گرایشهای راست وجود دارند، دیگر امیدی به پیروزی آنان، در انتخابات مجلس، بر جا نمانده است. گروههای ریز و درشت جناح راست از ۱۰۰ بیشتر هستند. هر کدام برای خود دارای رای هستند ولی به طور کلی می توان گروههای عمده ان را به شرح زیر معرفی کرد. این گروهها فعلا درگیر هستند و نتوانسته اند به یک لیست مشترک دست یابند:

۱- گروههای طرفدار احمدی نژاد که خدا را هم بنده نیستند و حاضر به همکاری با هیچ یک از گروهها، از راه توافق به آنها نیستند. اینها با توجه به دو شکست قبلی باز هم گویا دچار همان توهم سابق هستند و می پندارند مردم از شان حمایت می کنند تلاش دارند تا با گروههایی که کاندیداهای آنان را در لیست می گذارند در یک جبهه قرار بگیرند اما به نظر می رسد که دیگران هم برای خود حق رای قائل هستند و حاضر به باج دادن به این گروه نیستند.

این گروهها در بزرگترین مبارزه انتخاباتی یعنی شورای شهر تهران به گونه ای دچار شکست شدند که در مخیله شان هم نمی گنجید. حداقل امیدوار بودند، با توجه به معرفی افراد کله گنده و مشاوران و معاونان احمدی نژاد حداقل ۶ تا ۸ کرسی شورای شهر را از آن خود کنند. در نهایت، با تقلبات گسترده و فشار های

سیاسی تنها توانستند دو نفر را به عنوان جاسوس به شورا روانه سازند آنها هم با رای کم که یکی از آنها خواهر احمدی نژاد بود و دیگری برادر استاندار.

در آن انتخابات، نزدیکترین افراد به خود احمدی نژاد، از جمله معاونان و مشاوران وی، حتی حداقل رای برای اعضای علی البدل را نیز کسب نکردند ولی با کمال پرویی دم از پیروزی خود می زدند. در شرایط فعلی، با جمع آوردن برخی از نیروهای سابق خود و با دارا بودن سرمایه فراوان، این گروهها تلاش دارند بار دیگر در انتخابات شرکت کنند. رایزنی های بسیاری با گروههای دیگر انجام داده اند ولی گویا نتوانسته اند حتی با جمعیت اینارگران به توافق برسند. اگر وضع به همین منوال پیش برود، احتمال اینکه دچار شکست سخت دیگری شوند قوی است. این در حالی است که اصولگرایان، بعد از گروه ۵ نفره، یک گروه ۶ نفره هم به آن افزوده اند تا مگر بتواند یک لیست مشترک را ترتیب دهد. اما هنوز به نتیجه مورد دلخواه نرسیده است.

لازم به یادآوری است که گروههای بزرگ طرفدار احمدی نژاد گروه «رایحه خوش خدمت» و « هواداران رئیس جمهوری» و ... را تشکیل می دهند.

۲- گروه یا جمعیت اینارگران - گروهی است که خود احمدی نژاد از مؤسسان رده بالای آن بوده است. اما در انتخابات ریاست جمهوری، به احمدی نژاد دلخوش نبود و در آن انتخابات از قالیباف حمایت کرد.

این گروه با توجه به وابستگی شدید به نیروهای نظامی و انتظامی از قدرت جعل رای و تقلب برخوردار است. هنوز نتوانسته حتی با گروه طرفدار احمدی نژاد به توافق برسد. تلاش دارد با گروه جبهه اصولگرایان به اشتراک نظر برسد. اما اختلافاتش با این گروه کم نیست و باید منتظر نشست دید می توانند با هم به توافق برسند یا خیر.

این گروه، بعد از «انتخاب» احمدی نژاد دچار شکاف شد و گروه مستقل دیگری به نام گروه ترقیخواه و مستقل به ریاست فدایی به وجود آمد. در حال حاضر، مانند گروه رایحه خوش خدمت، گرفتار توهم است و می پندارد می تواند انتخابات را فتح کند. همه می دانند که یکی از بزرگترین یاران احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری که رای بالای پادگانها بر برنامه ریزی آنها، به نام احمدی نژاد به صندوقها ریخته شده بودند، این گروه بود.

۳- گروه حزب الله - گروهی است که در مجلس اعلام موجودیت کرد تا مبدا گروه دیگری خود را حزب الله بداند. این گروه با توجه به افرادی که میان آنان وجود دارد طیفی است از منتهی الیه راست تا کارگزاران. در این گروه، از افرادی مانند غرویان که

زمانی معاون مصباح یزدی بود وجود دارند تا عسگری و خانم جلو دار زاده از نزدیکان به طیف هاشمی رفسنجانی. این گروه با گروههای جناح راست فاقد اشتراک است. شاید بتواند در حد ۵ کاندیدا را به اشتراک بگذارد.

۴- گروه محسن رضایی و قالیباف و لاریجانی - گروهی که به تازگی برای از میدان به در بردن دیگر گروههای راست وارد جریان انتخابات شده است. نمایندگان بزرگ جناح راست در ملاقات با لاریجانی، وی را تشویق کرده اند که اگر به سوی آنان بیاید وی را در سر لیست خود قرار خواهند داد و در مجلس از او، برای رسیدن به مقام ریاست مجلس حمایت خواهند کرد. اما وی پیشنهاد آنان را نپذیرفته است.

این گروه با توجه به حمایتهایی که از سوی سپاه و نیروهای امنیتی از آنها شده است فکر میکند که در این انتخابات به پیروزی هایی دست خواهد یافت.

ناگفته نماند که این گروه از حمایت برخی از نیروهای شورای شهر تهران نیز برخوردار است. علاوه بر آن، حمایت برخی از نیروهای سیاسی را نیز دارد.

برخی از بزرگان جناح راست این گروه را ابله می دانند. به خصوص در مورد رضایی می گویند او در میان نیروهای بالای نظام از کودن ها محسوب می شود. وی به تازگی در مورد ملاقاتهای لاریجانی و سولانا گفته است که لاریجانی با زرنگی و فریب سولانا بزرگترین امتیاز را برای ایران کسب کرد!

۵- جبهه متحد اصولگرایان - البته این نام را تنها خود بر خود نهاده است. این «جبهه» آفتدر گرفتار نخوت و بزرگ بینی است که با گروههای دیگر نمی تواند به اشتراک نظر برسد. در میان گروههایش، می توان به گروه پیروان خط امام و رهبری اشاره کرد. این گروه ابتدا به عنوان گروه پیرو خط امام ظهور کرد ولی از آنجا که برخی از افراد نزدیک به این گروه وجود خط رهبری را در کنار امام به صلاح می دیدند و می گفتند: اگر آنها بخواهند با این گروه مشترک شوند باید نام رهبری هم به دنبال امام بیاید. نظرشان را قبول کردند و با هم متحد شوند. در این گروه برخی افراد هستند که به خمینی اعتقاد ندارند و برخی ها هستند که به خامنه ای اعتقاد ندارند. با وجود این، پیروان خط امام و رهبری را تشکیل داده اند.

این جبهه برای جلب نظر گروههای دیگر تلاش گسترده ای نموده است. اما تا به حال به نتیجه ای نرسیده است و به نظر هم نمی رسد به نتیجه برسد. در صورت موفقیت می توان بر اشتراک حدود ۱۵ نفر از انتخاب شده های این گروه با دیگر گروهها حساب کرد.





۶- گروه آبادگران - گروهی که با چراغ خاموش وارد انتخابات مجلس شد و بعد از آن، با فریب مردم شورای شهر تهران را به دست آورد. ولی آنقدر در عمل به دور از خواست مردم در شوراها و مجلس عمل نموده اند که دیگر جایی در میان مردم ندارند. مردم به خوبی افراد این گروه را در این مدت شناخته اند و دریافته اند که خدمت تنها برای کسب قدرت خود تلاش می کنند.

اعضای این گروه، بعد از بر سر کار آوردن احمدی نژاد و نشستن بر کرسی مجلس، اختلافاتشان به دلیل نیاز بیشتر به قدرت شروع شد و کار به جایی رسید که گروه آبادگران جوان و آبادگران مستقل و ترقیخواه را به وجود آوردند و می توان گفت که از آبادگران سابق تنها عده ای معدود هنوز بر نظر سابق خود استوارند و بسیاری از آنها با نزدیک شدن به گروههای دیگر از این گروه دور شده اند.

با تبلیغات و رایزنی های این گروه بود که برای اولین بار در تاریخ نظام جمهوری اسلامی، نمایندگان به مجلس وارد شده اند که تنها قدرت و پول را می شناسند و این در میان خود مجلسی ها به عنوان طنز مطرح است که هیچ نماینده مجلس دور هفتمی وجود ندارد که خانواده اش، از برکت مجلس به مال و منالی نرسیده باشد.

نمایندگان این دوره از مجلس از جمله پر درآمدترین نمایندگان در کلبه دوره های نمایندگی هستند و آنقدر برای رای خود اهمیت قایل هستند که تا در ازای رای خود چیزی نگیرند، رای نمی دهند.

شایع است که برخی از این نمایندگان برای جلوگیری از استیضاح وزیری، از آن وزیر، حواله یا سندی را دریافت می کنند و بعد برای اینکه همان وزیر را استیضاح کنند از حکومت حواله یا امتیازی را دریافت می کنند و بعد برای اینکه به کاندیدای آن وزارت که از سوی حکومت معرفی می شود، رای اعتماد بدهند باز حواله ماشین و یا موبایل و یا امتیازی دیگر را دریافت می دارند. به همین دلیل است که گفته می شود نمایندگان این دوره از مجلس از جمله کاسب های به تمام معنی هستند.

از جمله، بر خواهر زاده احمدی نژاد - که وزیر صنایع شده است - است که بیاید توضیح بدهد برای کسب رای اعتماد خود چند حواله خودرو به این نمایندگان داده است.

به هر حال این گروه نیز در حد پایینی از اعتماد مردم قرار گرفته است و بعید است در این مدت کوتاه بتواند با دیگر گروههای راست بر سر نامزدهای نمایندگی، به اشتراک نظر برسد.

۷- گروه جامعه روحانیت مبارز - گروهی است که این روزها از اعتباری برخوردار نیست. این گروه نیز برای اینکه از گردونه قدرت، به بیرون پرتاب نشود، به سختجویی مصباحی مقدم گهگاهی نظرانی ابراز می کند. اما با توجه به اینکه مگلاها ارزشی برای اعضای این جامعه قابل نیستند بسا نمی توانند با آنها به توافق برسند. اگر خیلی که تلاش کنند به

طور مشترک، می توانند پند نامزد را معرفی نمایند.

آن زمان که مهدوی کنی می گفت: ما نباید خود را وارد بازی انتخاباتی کنیم و حزب تشکیل بدهیم، گذشته است. زیرا در آن زمان، وی روحانیت را در حکم پدر ملت می دانست. اما امروز، ملت این پدر را عاق کرده است. روحانی در این کشور، دیگر آن اعتبار گذشته را ندارد. نه تنها برای مردم که حتی برای مسئولان و حاکمان نیز اعتبار ندارد.

با توجه به گروههای ذکر شده فوق که هر کدام از آنها خود را ناجی و رهبر مردم می دانند بعید است که بتوانند در میان خود به حداقل اتحاد دست یابند. این درحالی است که ما هنوز در مورد گروههایی همچون جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه اصناف بازار و جامعه وعاظ و جامعه اسلامی مهندسان و گروه هواداران انقلاب اسلامی و گروه مولفه اسلامی و جامعه زینب و ... صحبتی به میان نیاوردیم که هر کدام از اینها نیز برای خود حق آب و گل قائلند.

با توجه به عمق اختلافی که میان این گروهها وجود دارد تشکیل لیست واحد بسیار بسیار بعید به نظر می رسد. آنها بدانند میان خود اختلاف دارند که برخی از آنها، برای اینکه حداد عادل را در سر لیست خود قرار دهند، می خواستند که از او تهدید کتبی بگیرند که در انتخابات دور آینده ریاست جمهوری شرکت نکنند.

با توجه به این واقعیت ها است که می توان فهمید چرا باهنر اعلام می کند در انتخابات شرکت نخواهد کرد مگر اینکه رهبری به وی تکلیف کند.

این حرف باهنر نشان می دهد که او فاقد منزلت نزد گروههای جناح راست است. سخن او حاکی است که وی، از میان این گروهها، به جز جامعه اسلامی مهندسان و شاید یک دو گروه دیگر، نزد هیچیک اعتباری ندارد.

البته برای باهنر، این ۴ سال نمایندگی و حدود سی ماهی که از ریاست جمهوری احمدی نژاد می گذرد، آنقدر امتیاز به وجود آمده است که برای خود و خانواده و چند نسل آینده وی کفایت کند.

در این سالها، نه تنها خود که بچه خواهر خود یعنی مجتبی هاشمی ثمره و باجناب خود، یعنی زریافان و دیگر اعضای فامیل خود یعنی حجت الاسلام موسی پور و نیز حتی پدر همسر خود و شوهر خاله و ... را نیز برای حیف و میل بیت المال به سر کار آورد. به گونه ای که حتی یک بار احمدی نژاد از او از باجناب هایش پرسید. پرسش او با خنده برخی ها روبرو شد. احمدی نژاد گفت منظورم از این سؤال چه بوده. زیرا همه می دانند که امام جمعه مخصوص احمدی نژاد یعنی هاشمی ثمره خواهر زاده باهنر و

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

باجناب مددی و زریافان و... است. دو برادر دیگر هاشمی ثمره در وزارتخانه های دیگر حکم معاونت دارند و ...

**\* از هم اکنون ۱۷۱ نماینده حامی حکومت احمدی نژاد در مجلس هشتم!؟ :**

به دلیل اختلاف بسیار زیاد در میان گروههای راستی وابسته به خامنه ای، به نظر می رسد که مجبور باشند نام سر لیست های خود را حذف کنند. زیرا به نظر نمی رسد آنها بتوانند از میان ناطق نوری و لاریجانی و حداد عادل و توکلی و دیگران، نام کسی را بگذارند که دیگران را ناراحت نکند.

از نکات جالب این که صادق محصولی، مشاور احمدی نژاد، در جلسه ای، از قرار گرفتن ۱۷۱ کرسی در اختیار حامیان حکومت احمدی نژاد سخن گفته است. در مجلس هفتم، ۱۹۰ کرسی، پیش از انجام انتخابات « از آن اصول گراها » شده بود. انقلاب اسلامی: قسمت دوم تاریخچه حزب الله، افزون بر نقشش در سرکوبها، تکیه گاههایش در رژیم نیز شناسانده می شوند:

## حزب الله - ۲: نقشها و تکیه گاههایش در رژیم

**\* حمله به کارگران و معلمان**

این گروه از آن بابت که تنها برای حمله به مخالفان نظام ایجاد شده است برایش فرقی نمیکند که در چه زمانی و به چه کسانی حمله کند. افرادی تنها به دستور فکر می کنند و به مانند نگهبانان ولایت گوش به زنگ آماده انجام اوامر به صورت کورکورانه هستند.

حمله به معلمان و سرکوب شدید آنان در کنار نیروهای انتظامی و امنیتی در مقابل مجلس، از آخرین کارهای این گروه بوده است. علاوه بر آن در یکی از بزرگترین حملات به نیروهای کارگری سال گذشته با کمک نیروهای آرم دار بسیجی و نیروی انتظامی حمله ای گسترده به کلبه نیروهای کارگری شرکت واحد انجام دادند. افراد حزب الله خانواده کارگران را نیز به باد کتک گرفتند و در نهایت کارگران و رانندگان را با چهره هایی خون آلود به زور سوار اتوبوس ها کرده و به هر کار وادار کردند.

برای حزب الله فرقی نمی کند در مقابلش کودک ایستاده یا زن یا مرد، جوان است یا پیر و از کار افتاده است یا نه. چنان تربیت شده اند که تنها در

برابر خود کفر را می بینند و بی خدایی و نفاق را!

آنها آموزش دیده اند که به گونه ای مردم را مورد ضرب و شتم قرار بدهند که صدای ضجه آنان در آسمانها پیچد تا ملائک زندگان آنان را آفرین گویند و در نامه اعمالشان بنویسند.

به گفته بزرگانشان، افراد این حزب « اشداء علی الکفار و رحماء بینهم » هستند!

کسانی که در کنار آنان قرار می گیرند باید بینشان رحمت باشد و کسانی که در مقابل آنها قرار می گیرند کافر هستند و باید با شدت با آنان برخورد کرد.

**\* حمله به دانشجویان و خوابگاههای دانشگاه ها**

گروه حزب الله برای اینکه بتواند دانشجویان را در داخل دانشگاه مورد ضرب و شتم قرار دهد ابتدا گروهی به نام حزب الله دانشگاه تاسیس کرد که محمد علی رامین مشاور رییس جمهوری، از آنان بود. الله کرم و ابوالمعالی و دکتر تورانی و ... گروه حزب الله دانشگاه را بوجود آوردند.

این گروه در ابتدای انقلاب دانشجوی نبودند ولی برخی از دانشجویان این طیف و یا حزب مانند احمدی نژاد و خانم فاطمه رجبی و دکتر الهام و ...، بعد از اینکه نتوانستند میان دانشجویان موقعیتی به دست آورند، با خط اتکلیس کودتای دانشگاهی را بر ضد بنی صدر، نخستین منتخب تاریخ ایران، به نام انقلاب فرهنگی انجام دادند. قصد دوشمن این بود که بر دانشگاه و دانشجو و استادان مسلط شوند.

با باز گشایی دانشگاهها، آنها از همان ابتدا گارد حزب الله را در دانشگاه مستقر کردند. در سال های آخر عمر خمینی، گروه مستقل حزب الله دانشگاه را وارد دانشگاهها کردند.

آنها در هر جریانی به شدت با دانشجویان برخورد می کردند و حکم از مقام ولایت داشتند که دانشجو را تا سر حد مرگ کتک بزنند.

در حمله به خوابگاه دانشگاه تهران - به دستور مستقیم شیخ محمد یزدی که رییس قوه قضاییه بود، افراد گروه حزب الله به شدت دانشجویان را با چاقو، چوب و زنجیر مورد حمله قرار دادند. به گونه ای که در هر اتاقی خون بیگانهی بر زمین ریخته شد. برخی از دانشجویان را به یاد امام حسین و حضرت زهرا از اتاق به درون حیاط خوابگاه پرت کردند.

در جریان حمله به خوابگاه، نیروهای حزب الله در پناه نیروی انتظامی به خوابگاه حمله کردند. حتی در برخی موارد این نیروها با گلوله دانشجویان را مورد هدف قرار می دادند که به کشته شدن یکی از دانشجویان منجر شد. اما دریغ از اینکه قاتل و یا قاتلین دستگیر و محاکمه شوند. به جای او یا آنها،

برخی از نیروهای انتظامی دستگیر شده و محاکمه شدند که در نهایت یک سرباز به جرم دزدیدن ریش تراش به زندان و جریمه محکوم شد.

در این پرونده دست قدرتمند قوه قضاییه در همه بخش ها به خوبی دیده شد تا بعدها نگویند که قوه قضاییه همکاری نکرده است.

در جریان آن حمله که با عدم حمایت خاتمی از دانشجویان، منجر به سرکوب شدید دانشجویان شد. بعضی از افراد حزب الله مدعی بودند خامنه ای اجازه اعتراض به دانشجویان را داده بود اما، به گفته یکی از مسئولین انصار حزب الله، اگر این کشور را چند روز بیشتر به دست دانشجویان و مردم داده بودیم از بین می رفت. برخی ها می گویند کشور را یک روز به دست خاتمی و خامنه ای دادیم نزدیک بود انقلاب نابود شود.

البته بعد ها گروه انصار این گفته را تکذیب کرد ولی واقعیت داشت و حتی این افراد، در روزهای اولی که خاتمی به ریاست جمهوری رسیده بود، با خود خامنه ای نیز درگیر شده بودند.

در ابتدای بر سر کار آمدن خاتمی تا مدتی چماقداران و رهبران آنها دچار سکوتی بزرگ شده بودند و نمی دانستند که چه باید بکنند. درست مانند زمانی که بنی صدر رییس جمهوری شده بود. گروه حزب مدتی گنج بودند و نمی دانستند چه باید بکنند. بعد ها این نتیجه رسیدند که باید با گرفتن مجلس زمینه حذف رییس جمهور را فراهم آورند. در این مورد خاتمی نیز دست به چنین کاری زدند. وقتی از سکوت خارج شدند کار بحران سازی برای ایجاد اخلاف در کارهای خاتمی را آغاز کردند و این کار تا زمانی که آنها احمدی نژاد را بر سر کار آوردند ادامه داشت.

در جریان خوابگاه دانشگاه تهران که موجب کشته شدن دانشجویی شد برخی از نیروهای انصار توسط پلیس دستگیر شدند و حتی کلت تیر اندازی و وسیله قتل نیز به دست آمد اما از چند نفر حزب الهی که دستگیر شدند و در دادگاه انقلاب محاکمه مصلحتی شدند با وجود وکیلی چون روهامی کسی محکوم نشد.

در همان روزها، در حمله به دانشجویان دانشگاه تبریز وضعی، وحشی گری بسیار بیشتری کردند. اما چون در آن جریان سردار فرهنگی نماینده فعلی مجلس از تبریز مسئول عملیات حمله به دانشجویان بود با وجود بی حرمتی های بسیار به دانشجویان دختر این دانشگاه کسی دستگیر نشد.

این گروه سالها در کنار هم در هر جنبیتی با حمایت خامنه ای و رؤسای قوه قضاییه و رؤسای مجلس و فرماندهان سپاه پاسداران و مسئولان نیروی انتظامی و واواک در کار تحکیم استبداد گام برمی داشت. در صفحه ۱۰



در جریان حمله به خوابگاه دانشگاه و برخی از کثافتکاری هایی که بعضی از این نیروها انجام داده بودند شکاف بزرگی میان آنان به وجود آمد و آنان را به دو پاره تقسیم کرد. آنها که به خوبی متوجه عمق دروغ و فریب شده بودند با کسانی که با انجام این اعمال به قدرت و مکتبی رسیده بودند، تا حدی، با یکدیگر درگیر شدند.

هر دو گروه خود را حزب الله می دانستند. البته، قبل از آن، این گروه در پاره ای موارد دچار اشعاب شده بود و از دل حزب الله گروه انصار حزب الله درآمده بود. اما هر دو گروه در سرکوب مردم گوی سبقت را از هم می ربودند.

گروه انصار حزب الله بیشتر به سوی آیت الله جنتی و حسین شریعتمداری و سعید امامی و رهبری رفت و در کنار آنان، گروه فرهنگی - ضربتی شد و ماند.

در این سالها بیشتر این گروه انصار بود که با توسل به دستور خامنه ای، برنامه النصر بالوعب را پیاده می کرد. اعضای این گروه، در حمله به خوابگاه و دیگر حمله ها، بیشتر مورد استفاده قرار می گرفتند و گروه دیگر نیز کار حمایت قانونی از آنها را بر عهده داشت. بدین سان که وقتی این گروه چماقدار به محلی حمله می کرد، افراد دیگری که در نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و سپاه بودند کار حمایت و قانونی کردن اعمال آنها را بر عهده می گرفتند.

برخی از حزب اللهی ها با این اعمال مخالف بودند. برخی از نیروهای جمعیت ائثارگران و جانبازان با این گروه در ارتباط کامل بودند. در دوران شهرداری احمدی نژاد، این گروه با دریافت مستمری های کلان بیشتر دستورات خامنه ای و جنتی و مصباح یزدی را به اجرا در می آورد. در جریان حمله به آیت الله طاهری - بتازگی چشم از جهان پوشید - در اصفهان همین نیرو بود که افراد خود را به وسیله اتوبوس، از روزها قبل، به آن شهر گسیل کرد تا دستور خامنه ای و ریاست قوه قضاییه را اجرا کنند.

گروه حزب الله نیز با بهره گیری از برخی مقامات به همین کار ادامه داد. چماقداران حافظ حاکمیت برای حفظ و نگهداری استبداد حاکم نیازهای مالی فراوانی را پیدا می کند که می باید از محل های مختلفی پرداخت شوند. کلیه سران مافیایی نظام می دانند که برای حمایت نیاز به این گروه دارند به همین دلیل از کلیه محل هایی که امکان پرداخت وجوه دارند، استفاده می کنند تا این گروه را به بهترین نحو تغذیه نمایند.

با تگاهی به زندگی برخی از بزرگان این چماقداران که زندگانی ای در حد یک فرمانده مافیا دارند، می توان متوجه شد که اموال و دارایی های آنان از کجا و به چه صورت تأمین می شود:

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

سردار پیر بسیجی حاجی بخشی دارای یکی از بزرگترین گاوداری های کرج می باشد. الله کرم خان دارای دفاتر هواپیمایی و نمایندگی صادرات و واردات است و یکی از فرزندان مسئول حراست گمرک می باشد تا از واردات و صادرات مداخل حاصل کند. محتشم دارای سرمایه های کلانی در بخش کاغذ می باشد. و...

نظام برای پرداخت به این گروه، محل های بسیاری را در نظر گرفته است:

### \* بیت رهبری:

بیت رهبری که درآمدهای مالی فراوانی در اختیار دارد در بسیاری از امور نیاز به هزینه و پرداخت های غیر قانونی دارد از جمله هزینه های ترور مخالفین سیاسی در خارج و داخل کشور. هزینه سرکوب نیروهای مردمی و دانشگاهی و کارگری و نیز هزینه زمینه سازی ازدحام مردم در هنگام سفرهای رهبری به استانها و ...

اما یکی از مهمترین کارهای آنها که در بالا ذکر شد پرداخت مستمری به نیروهای سرکوب گر حزب الله است که مسئول دفتر خامنه ای، حجت الاسلام سایه نشین میر حجازی مسئولیت پرداخت آن را دارد.

احمد تپل که یکی از فرماندهان ازدحام جمعیت در سفرهای استانی می باشد کارش این است که هر زمان خامنه ای قرار است به استانی سفر کند از روزها قبل با کمک یاران و گارد ویژه اش به آن استان سفر کرده و برنامه ریزی های خاص خود را انجام می دهد و هزاران نفر را با پول باد آورده بیت رهبری که جای بیت المال را گرفته است، بسیج می کند. (به کتاب سفرنامه سیستان مراجعه شود).

الله کرم یکی دیگر از یاران با وفای خامنه ای است. او انگشتر مخصوص خامنه ای را بر انگشت دارد. مسئول بسیاری از عملیات سرکوب و حرکت دادن چماقداران به محل هایی است که رهبری و یاران او احساس خطر می کنند.

در جریان سرکوب مردم اصفهان که در بالا به آن اشاره شد این نیرو دهها اتوبوس از چماقداران تهران را برای کمک به چماقداران اصفهان از روزها قبل به آن شهر برده و در آنجا مستقر کرد تا در روز موعود، توان سرکوب این نیرو و رهبری را نشان دهد و...

### \* ریاست جمهوری

در هر کشوری ریاست جمهوری مسئول ایجاد امنیت مردم است اما، در ایران، ریاست جمهوری یکی از نهادهای ایجاد کننده بحران و تشویش و سرکوب مردم می باشد. در تاریخ انقلاب اسلامی به جز بنی صدر، کلیه روسای جمهور حامیان گروه چماقدار بوده اند. آن هم به این دلیل که بنی

صدر تنها رییس جمهور مردمی بود که نبازی به حمایت چماقداران نداشت و اتفاقاً تنها ریاست جمهوری ای بود که در مقابل چماقداران ایستادگی می کرد.

البته ناگفته نماند که در دوران خاتمی نیز این گروه مورد حمایت او نبود. زیرا خاتمی چماقداران دیگری جهت حمایت از خود را در اختیار داشت.

اما روسای جمهوری دیگر مانند رجایی و خامنه ای و هاشمی از حمایت های بی دریغ این گروه برخوردار بوده اند. با بر سر کار آمدن حکومت احمدی نژاد این حمایت ها شکل های دیگری نیز به خود گرفته اند. از آنجا که او خود از چماقداران

به نام بوده است، علاوه بر حمایت های مالی فراوان که از دوران شهردار بودنش به این گروه می کرد، پست های مهمی را نیز در اختیار روسای آنان قرار می داد. مثلاً الله کرم را وابسته نظامی کرد و صفار هرنندی را وزیر ارشاد و حسین فدایی را معاون صدا و سیما کرد و ...

حکومت احمدی نژاد بهترین حکومت برای چماقداران بود. آنها می دانند که اگر در این حکومت نتوانند کلک مخالفان را بکنند کلک خود آنها کنده شده است. در این حکومت است که چماقداران لباس قانون را بر تن کرده اند زیرا کلیه قدرت را در دست خود و یاران خود دارند و...

### \* ریاست قوه قضاییه

در کلیه کشورها، قوه قضاییه را برای گرفتن حق مظلوم از ظالم ایجاد می کنند اما در ایران، بخصوص بعد از استقرار ولایت فقیه، این قوه قضاییه است که برای حمایت از ظالم در برابر مظلوم به وجود آمده است. با تگاهی به پرونده روسا و مسئولین این قوه می توان مشاهده کرد که حامیان چماقداران، یا خود از چماقداران بوده اند که در قوه قضاییه به مسند قدرت رسیده اند و یا از حامیان بزرگ آنها بوده اند.

در تاریخ انقلاب اسلامی، می توان به نام بهشتی برخورد که از بزرگترین حامیان حزب الله بوده است. افراد دیگری مانند ربانی املشی، موسوی تبریزی، موسوی اردبیلی، موسوی خوئینی ها، شیخ محمد یزدی، دری نجف آبادی، رازینی، حسینیان، رهبر پور و ... همه از « بزرگان » این قوه بودند و برخی هنوز هستند. اینان در حمایت از این گروه چماقدار از کلیه داشته های خود استفاده کرده اند.

حمایتهای فوق العاده قضایی از این جنایتکاران تنها از دست این حامیان بر می آمد. اگر حمایت آنها نبود، در هر دادگاهی این ضارب و قاتلان محاکمه و به جرم و جنایت ارتکابی،

### \* ریاست شورای نگهبان

در ابتدای انقلاب هر زمان که بحث شورای نگهبان پیش می آمد برای اینکه مبدا قوانین ضد اسلامی در مجلس به تصویب برسد و گناهی انجام شود باید شورایی تشکیل شود به نام شورای نگهبان ولی وقتی این شورا تشکیل شد معلوم شد که این شورا، نگهبان ولایت است و نه نگهبان اسلام.

این شورا از بدو تاسیس در خود نیروهایی را گرد آورد که همه یا چماقدار بودند یا حامیان بزرگ آنها. جنتی که بر اساس خاطرات خود روزنامه باطله می فروخت و بعد ها بند کفش، در جریان انقلاب، انقلابی شد و به دستور او برخی ها کتک می خوردند و قرار بود سینماها را به دستور او به آتش بکشند.

بعد از انقلاب دستور اولین حمله به دانشگاهها را در اهواز او صادر کرد و بعدها به دلیل همین درایت و قدرت، به ریاست چماق کشان رسید و در شورای نگهبان بخش اعظمی از دارایی ها و بودجه این شورا را جهت حمایت از سرکوب مردم توسط حزب الله هزینه کرد و می کند.

به تازگی، با ایجاد محفلی برای شناسایی کاندیداهای مجلس، این گروه را وارد بازی اطلاعاتی و جاسوسی کرده است و با استفاده از شهادت این چماقداران، کاندیداها را دارای صلاحیت می شناسد و یا صلاحیتشان را رد می کند.

زمانی که در این شورا، افرادی مانند محمد یزدی و مومن و دیگران در کنار جنتی قرار می گیرند وضع حزب الله چماق کش بسیار بهتر می

شود زیرا همه این افراد از حامیان بزرگ آنان هستند.

### \* ریاست شورای خبرگان رهبری

بنا بر قانون اساسی، نمایندگان شورای خبرگان رهبری افرادی باید باشند صالح که کارشان بررسی وضعیت رهبری و اطلاع رسانی به مردم است تا مبادا رهبر دچار خطا شود و اگر شد به فوریت او را از کار بر کنار سازند.

اما این شورا کارش حمایت از رهبری است و هر کدام از اعضای آن در هر شهر و استان این حمایت بی چون و چرا را می کنند. در ضمن، کار مهم دیگرشان سازماندهی نیروهای چماق دار هر شهر و استان در حمایت از رهبری است. آنها با صرف هزینه های گزاف نیروهای چماقدار را همیشه در حالت آماده باش نگاه می دارند تا اگر نیاز به سرکوب مردم در هر ساعت از شبانه روز باشد آنها این آمادگی را داشته باشند. در واقع اعضای این شورا نمایندگان رهبر هستند و فرماندهی حزب الله هر استان و شهرستان را بر عهده دارند و هزینه های آنان را پرداخت می کنند.

### \* ریاست شورای تشخیص مصلحت

مجمع تشخیص مصلحت را خمینی بر خلاف قانون اساسی تشکیل داد. هدفش این بود که هر زمان میان مجلس و شورای نگهبان اختلاف به وجود آمد، مجمع حکمیت کند. اما بعدها، در تجدید نظر قانون اساسی، بر اختیاراتش افزودند.

از زمان تشکیل این مجمع، هاشمی رفسنجانی همواره نیاز به وجود حزب الله چماقدار را همچون دوران ریاست مجلس خود حس کرده است و می کند. به همین دلیل علاوه بر حمایت های مالی فراوان همواره از حزب الله در این مجمع به عنوان مطلع استفاده می کند.

البته او مدتی است از این گروه دور شده است. ولی پرداخت های او به برخی از افراد این گروه هنوز هم ادامه دارد.

### \* ستاد امر به معروف و نهی از منکر

در ابتدای انقلاب، برای اینکه مردم بی دین ایران را به سوی اسلام برانند، ستادی تشکیل شد به نام امر به معروف و نهی از منکر. کار این ستاد در ابتدا این بود که مردم را با اصول دین و برخی از اعمال آشنا سازند و در صورتی که مشاهده برخی از منکرات را کردند به آنان گوشزد نمایند.

با ریاست جنتی بر این ستاد کار ستاد تغییر کرد. این "آیت الله" کلیه بودجه این ستاد را صرف سازماندهی نیروهای چماقدار نمود و این نیروهای سازماندهی شده را تحت رهبری در صفحه ۱۱





برخی از سران چماق کش به خیابان های تهران گسیل کرد تا با شدت مردمی را که به نظر او بد حجاب و یا بد پوشش بودند مورد ضرب و شتم قرار دهند

افرادی چون الله کرم و ده نمکی و پرواری و احمدی نژاد و حاج رضا و حاج بخشی و محتشم و ... از آن زمان معروف شدند . آنان در خیابانها جوانان آستین کوتاه را می گرفتند و روی دست آنان را بارتنگ سیاه می پوشاندند . موهای دختران را که از زیر رو سری بیرون آمده بود با قیچی در خیابانها کوتاه می کردند . لب های آستین پاک می کردند . موهای پسران را که بلند شده بود با قیچی در خیابانها می بریدند . دختران و پسران همراه را در خیابان مورد ضرب و شتم قرار می دادند . بازرسی های بدنی برای فیلم های ویدئویی را انجام می دادند . تفتیش خودروها را با به دست آوردن نوار موسیقی انجام می دادند .

کار ستاد امر به معروف و نهی از منکر شده بود جاسوسی و کتک زدن مردم به دلیل خواستها و رفتارهاشان . دلیل بزرگ تری نیز داشت و آن ایجاد جورعب و وحشت بود . بعدها ، جنتی کلیه کارهای این ارازل و اوباش را که در پوشش ستاد امر به معروف و نهی از منکر، برای ارتکاب هر جنایتی دستشان باز بود، قانونی اعلام کرد . در ساعات پر ترافیک تهران در خیابانهای اصلی شهر، ناگهان عده ای به نام امر به معروف ، خودروها را متوقف می کردند و در سر چهارراه خیابان ولی عصر نماز ظهر بر پا می کردند . می توان به جرات گفت که هزینه های کلیه حرکات حزب الله چماق کش از این ستاد پرداخت می شد . یعنی کلیه بودجه این ستاد هزینه این گروه و تبلیغاتشان می شد.

#### \* ستاد ائمه جمعه و جماعت

از آنجا که نماز جمعه یکی از مهم وسائل تبلیغ و توجیه سرکوبگری ملاتاریا است و برای نمایش قدرت در هر شهر و روستایی ، مراسم نماز جمعه بر پا می کنند ، همواره نیازمند حضور افراد حزب الله بودند و هستند . به همین دلیل بخشی از هزینه های این ستاد صرف آوردن این نیروها و دادن شعارها در میان نماز برای پخش در صدا و سیما می شد و می شود .

ستاد ، با استفاده از این نیروهای چماقدار، زمانی که به حذف گروه یا فردی نیاز داشته باشد، با هماهنگی آنها تظاهراتی را بعد از نماز بر پا می کرد و اعلام می کند که مردم همیشه در صحنه خواهان انجام فلان کار هستند

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد !

در حال حاضر روسای این سازمان ارتباط بسیار نزدیکی با این گروه دارند و بسیاری از افراد این گروه از این سازمان، مقرری می گیرند .

#### \* سازمان اقتصادی کوثر

از جمله محل هایی که هزینه های مالی این گروه را بر عهده دارد سازمان اقتصادی کوثر است . این سازمان وابسته به دولت و کارش فروش و حراج اموالی است که به انواع غیر حق به نام دولت یا رهبری صادره شده اند . این اموال، عموماً، به نزدیکان و حامیان دولت به اقساط فروخته می شوند . از درآمد آن ، هزینه های سرکوب و باج دهی ها ، تأمین می شود .

بسیاری از وابستگان به نظام و نیز وابستگان به این گروه از خانه های واگذار شده توسط این ستاد یا ستاد اموال رهبری و امام استفاده می کنند.

#### \* بنیاد مستضعفان

از نهادهایی که بسیاری از هزینه های این گروه را پرداخت می کند بنیاد مستضعفان است . این بنیاد که برای رفع نیازمندیهای مستضعفان به وجود آمده است، در عمل کار حمایت تام و تمام از ولایت و حامیان ولایت را بر عهده دارد .

زمانی رفیق دوست در کنار رهبری در اجتماعات شرکت می کرد و بسیار خوشحال بود که هزینه بسیاری از این افراد را که در راهپیمایی ها و مانورها شرکت می کنند، بنیاد تحت سرپرستی او می پردازد . به همین دلیل بود که با وجود کثافتکاری های فراوانش، همواره « رهبر » حامی او بود .

بنیاد مستضعفان مانند دیگر بنیادها از ابتدای انقلاب پرداخت هزینه های مخصوص این گروه را بر عهده داشته است .

در حال حاضر، کشتی این گروه مانند نظام ولایت فقیه به گل نشسته است و به دلیل اختلافها به چند گروه عمده تقسیم شده است .

بخش عمده ای از گروهها، با بر سر کار آمدن حکومت احمدی نژاد که در آن، اعمال زور، قانونی شده است به نیروهای انتظامی و بسیج و سپاه پیوسته اند و تحت نظارت نیروهای نظامی و انتظامی با لباس شخصی فعالیت می کنند .

انقلاب اسلامی: بودجه انفجاری ۱۳۷۸ وابسته به نفت و حکومت نظارت گریز دولت احمدی نژاد کدام واقعیتها را باز گو می کند؟ پاسخ این پرسش را از قلم ژاله وفا بخوانید:

در صفحه ۱۲

آن را بر عهده دارد وزارت ارشاد می باشد. این وزارتخانه در بسیاری مواقع نیاز به برخورد شدید و غیر قانونی با برخی از نویسندگان، کتابفروشی و مطبوعات دارد. اما چون توان مقابله قانونی با آنها را ندارد، با هماهنگی با سران این گروه، انجام اعمال غیر قانونی را بر عهده آنها می گذارد و در قبال کار هزینه هایش را پرداخت می کند .

در واقع می توان گفت افراد این گروه کار زورگیری از نهادها را نیز عهده دار است .

#### \* سازمان حج و زیارت

از سازمانهایی که بخشی از هزینه های این گروه را بر عهده دارد سازمان اوقاف و حج و زیارت است . سازمان حزب الله را تحت پوشش خود قرار می دهد . ری شهری نماینده رهبری در این سازمان یکی از حامیان اصلی این گروه است .

#### \* سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی به سرپرستی جنتی، از جمله سازمانهایی است که برای نشان دادن اوج اقتدار نظام ، همواره از این گروه استفاده می کند . برخی از افراد این گروه با استفاده از منابع مالی این سازمان نشریات و اطلاعیه های مورد نظر ولایت استبداد را انتشار و توزیع می نمایند .

#### \* سازمان ارتباطات اسلامی

از دیگر سازمانهایی است که مسئولیت پرداخت برخی از هزینه های این گروه را عهده دار است، سازمان ارتباطات اسلامی است . این سازمان برخی از افراد نخبه این گروه را به جهت نیاز به کارهای جاسوسی و تروریستی به کشورهای خارج می فرستد و در ازای مأموریت، از گروه حمایت مالی می کند .

#### \* سازمان صدا و سیما

یکی از سازمانهایی که علاوه بر حمایت مالی نیازمند حمایت این گروه در زمانها و شرایط خاص است، صدا و سیما است . سازمان صدا و سیما برای پر کردن بخش هایی از برنامه های تبلیغاتی نظام نیاز به سیاهی لشکر دارد و این نیاز به سیاهی لشکر را در روزهای مخصوص راهپیمایی ها از این افراد و خانواده های آنان بر آورده می سازد .

درگیری ها با مردم و نشان دادن « حمایت های مردمی » از کار خود ، نیروهای حزب الله لباس شخصی را در کنار خود قرار می دهد تا در هنگام برخورد با مردم عادی از آنها به عنوان مردم حامی خود استفاده کند .

این نیروها با لباس شخصی سوار بر موتور در کنار نیروی انتظامی و خودرو های پلیس کار گشت در خیابانهای شهر را عهده دار است. تا در صورت درگیری، به کمک این نیروی انتظامی بیایند و تلویزیون نیز نشان دهد که مردم خود به درگیری با ارازل و اوباش اقدام نموده اند .

#### \* وزارت کشور

از جمله مراکزی که همواره نیازمند حمایت های حزب الله است وزارت کشور جمهوری اسلامی می باشد که برخی از نیازهای به این نیرو در بالا ذکر شد اند .

در حال حاضر، پورمحمدی بسیاری از این نیروها را که از قبل با وی همکاری بوده اند به کارهای انتخاباتی در کنار نیروهای سرکوبگر امنیت اجتماعی و... گمارده است

#### \* واواک:

ایجاد واواک بیست میلیونی از جمله تدابیر خمینی برای فراگیر کردن استبداد د ملاتاریا بود . بسیاری از نیروهای چماقدار علاوه بر سرکوب مردم، کار جاسوسی از مردم را نیز بر عهده داشتند .

این گروهها که مساجد محلات را در اختیار خود گرفته بودند با تهیه فرم هایی خاص کلیه محل ها را در اختیار اطلاعات خود قرار داده بودند و با کمک دیگر وزارتخانه ها کار بررسی اطلاعاتی خانواده های محل را در اختیار گرفته بودند .

جالب اینکه اگر فردی برای کاری، با یکی از وزارتخانه ها سر و کار پیدا کند و نیاز به تأییدیه محلی داشته باشد، یکی از محل ها برای مراجعه و اخذ تأییدیه ، مسجد محل است . مثلاً شناسنامه کسی اگر گم شود فرد برای تأیید گم شدن شناسنامه اش باید به مسجد برود که در اختیار این نیروها و بسیج منطقه است و با دادن اطلاعات خود و خانواده و .... تأییدیه مورد نظر را از آنها دریافت کند .

#### \* وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از جمله وزارتخانه هایی که نیاز شدید به این گروه دارد و هزینه های

با خواهان حذف فلان گروه یا فلان شخص هستند .

نماز جمعه تهران از این بابت که « تربیون ام القرای اسلام » است از مهمترین مکانهایی است که نظام نیاز به شلوغ بودن آن دارد به همین دلیل هزینه های بسیار زیادی را برای جذب حزب اللهیها و گرد آوردن آنها در این مراسم می کند .

#### \* ستاد اموال امام و رهبری

یکی از مراکزی است که با اموال مردم هر کاری که دلش می خواهد زیر نظر رهبر و نمایندگان وی انجام می دهد . از جمله واگذاری زمین، خانه، مغازه، انبار، آپارتمان، کارخانه و کلیه اموالی که به نام رهبری صادره شده اند به یاران و نزدیکان و گاردهای حفاظت رهبری و مقامات به بهایی اندک و به اقساط می فروشند تا که این نیروها هر چه بیشتر به « رهبر » وابسته شوند .

#### \* فرماندهی سپاه پاسداران

گروه پیاده نظام و به اصطلاح غیر نظامی سپاه پاسداران همواره این چماقداران بوده اند که فرماندهی عملیات آنان بر عهده فرماندهان سپاه بوده است .

در بسیاری از مواقع نیروهای نظامی که توان برخورد با مردم را ندارند این چماقکشان هستند که با لباس های شخصی امور مورد نیاز نیروهای نظامی را انجام می دهند :

- شرکت در تقلبات عظیم انتخاباتی

- شرکت در راهپیمایی ها مورد نیاز و حمایت از نیروهای نظامی در مراسم خاص

- شرکت در سرکوب نیروهای مردمی در کنار نیروهای انتظامی و نظامی و....

بعلت نیازهای سپاه پاسداران به حضور همیشگی این گروه چماقدار ، هزینه آنها رانیز پرداخت می کند .

#### \* فرماندهی نیروهای انتظامی

نیروی انتظامی مانند سپاه در بسیاری از موارد مأمور سرکوب مردم می شود . اما از آنجا که این سرکوب می تواند واکنش منفی ببار آورد، برای اینکه پوشش مردمی به سرکوب بدهد، نیاز به چماقداران دارد .

این همکاری، در این روزها ، بمناسبت اجرای طرح امنیت اجتماعی، زیر چشم مردم ، انجام می گیرد . نیروی انتظامی برای شرکت در



## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

دولت در این لایحه با حذف و ادغام ردیف اعتبارات دستگاه های دولتی و رساندن آنها از ۶۰۰ ردیف به حدود ۹۰ ردیف ادعا دارد که قصد تجمیع پاسخگویی دستگاه های صاحب ردیف را داشته است. اما این کار باعث سلب اطلاع نمایندگان "از جزئیات بودجه های تمامی دستگاه ها و نهادهای دولتی خواهد شد که حق مسلم و غیرقابل اغماض قوه مقننه است و ماده ۶۸ قانون محاسبات کشور نیز بر آن تصریح دارد که بودجه همه دستگاه های دولتی باید کامل و مجزا به تصویب مجلس برسد. نکته مبهم دیگری که در این لایحه به چشم می خورد تشکیل حساب مالی جدیدی به عنوان «حساب ذخیره ارزی دولت» است. در این ماده تصریح شده است که دولت پس از برداشت معادل ریالی بودجه دستگاه های دولتی از خزانه بانک مرکزی باقیمانده درآمدهای ارزی را در حساب ذخیره ارزی دولت واریز می کند که می تواند از محل آن سیاست های مالی و پولی خود را اجرا کند. به زبان صریحتر دولت احمدی نژاد با لایحه بودجه ۸۷ اختیارات فوق العاده ای به خود تفویض کرده است! چرا که بر این اساس دولت می تواند ۲۰ تا ۳۰ درصد در بودجه جابجایی صورت دهد. واضح است که به این ترتیب مجلس نمی تواند نظارتی بر مخارج دولت و حجم نقدینگی تزریقی به جامعه داشته باشد آنچه در شرایطی که افزایش سریع نقدینگی از مهمترین علل رشد تورم در سال های اخیر است.

اما به گزارش دفتر اطلاع رسانی مرکز پژوهشها، دفتر مطالعات برنامه و بودجه این مرکز در پاسخ به درخواست کمیسیون برنامه و محاسبات مجلس ضمن ارزیابی چارچوب پیشنهادی دولت در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور؛ خاطرنشان ساخت طبق چارچوب پیشنهادی در «سند بودجه» سه تغییر مشخص روی داده است: «حذف تبصره های فعلی بودجه»، «محدود کردن ردیف های متفرقه وانتقال اعتبارات برخی ردیف های متفرقه به ذیل اعتبارات دستگاه های اصلی» و «تجمیع اعتبارات دستگاه های اجرایی ذیل تعداد محدودی دستگاه اصلی» مهمترین تغییرات سند بودجه پیشنهادی برای سال ۱۳۸۷ به شمار می روند. این مرکز معتقد است: حذف تبصره ها - به شرط آنکه اجرای بودجه را با خلا قانونی روبه رو نکند - و محدود کردن ردیف های متفرقه اقدامی مثبت است. با این وصف تجمیع اعتبارات دستگاه های اجرایی بر حسب دستگاه های اصلی (صرفاً وزارتخانه ها و برخی عناوین اصلی دیگر) سه اشکال عمده دارد:

۱- با اصول ۵۳ و ۵۵ قانون اساسی و همچنین ماده ۶۸ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۱۲ قانون برنامه و بودجه مغایرت دارد.

۲- می تواند اختیارات مجلس شورای اسلامی را در اولویت بندی وظایف و نحوه اختصاص منابع عمومی به دستگاه های اجرایی که دارای قانون تاسیس یا اساسنامه قانونی هستند مخدوش کند.

۳- ثالثاً چانه زنی بودجه ای را به سطح وزارتخانه ها و برای تمامی طول سال مالی منتقل می کند.

اکنون نبود مجلسی که "نمایندگان" در طی انتصابات و نه انتخابات آزاد و با تقلب بدان راه یافته اند ضعف نظارتی اش بر ضعف تقنین قوانین مردمی اش اضافه می گردد.

اما لایحه بودجه ۱۳۸۷ چه فرقی با سایر لوایح بودجه تا کنون داشته است که احمدی نژاد میگوید بودجه امسال را در قالبی جدید ارائه داد ه ایم؟ بودجه سال ۸۷ اولین لایحه ای است که تنها در قالب یک ماده واحد و بدون هیچ تبصره ای به مجلس ارائه شد. موضوع کثرت و تنوع و ایرادهای فراوان قانونی تبصره ها در بودجه های سنواتی، چالشی بود که سال های متعددی گریبانگیر نهادهای مرتبط با تدوین و بررسی بودجه های سالانه بود. دولت های مختلف در مقاطع گوناگون سعی کردند با ارائه راهکارهایی این چالش را برطرف کنند، ولی هر بار بروز مشکلاتی این حرکت را با مشکل مواجه کرده که همین مسئله این چالش را به بیماری مزمن نظام تدوین بودجه کشور تبدیل کرده بود. دولت احمدی نژاد در سال جاری تصمیم گرفت کاری را که سایر دولت ها بطور کامل انجام ندادند، باز همانند بسیاری از تصمیم گیریهای احمدی نژاد بدون کار کارشناسی یعنی با حذف یکباره این تبصره ها آنها را در لایحه اصلاح پاره ای از مقررات مالی دولت تجمیع نماید و لایحه پیش از ارائه بودجه به مجلس فرستاد تا کار بررسی آنها را تسریع کند. این لایحه در تاریخ دوشنبه ۳ دی ۱۳۸۶ سوی کمیسیون مشترک مجلس هفتم رد شد. و رئیس مرکز پژوهش های مجلس با رد کلیات لایحه الحاق موادی به قانون تنظیم از دولت خواست که به جای اصرار بر چارچوب پیشنهادی خود، لایحه بودجه ۸۷ را مانند سال های گذشته تنظیم و ارائه کند چرا که دولت باید بر اساس درخواست مجلس لایحه الحاقیه مربوط به تبصره های دائمی بودجه را تا اردیبهشت سال جاری ارائه می کرد تا نمایندگان فرصت کافی برای بررسی مواد آن داشته باشد.

می دانیم که تبصره های بودجه در حقیقت مجوزهایی هستند که دولت برای اعمال بودجه از مجلس اخذ می کند. البته یکی از مشکلات بررسی بودجه وجود تعداد زیاد تبصره های بودجه است. اما عملیاتی کردن بودجه و ایجاد انضباط مالی برای دولت به اقرار کارشناسان اقتصادی نیازمند یک دوره هشت تا ۱۰ ساله است و تیم فعلی دولت در این فاصله زمانی تا پایان برنامه پنج ساله چهارم نمی تواند بودجه را به طور کامل عملیاتی کند و عملی نبودن برنامه های توسعه ای عمده ترین دلیل ناکامی و شکست آنها نیز خواهد بود.

وقتی در اقتصادی، مایه ۸۰ درصد آن رانت خواری است، بقیه نمیتواند اقتصاد رانت خواری نباشد. و چنین اقتصادی نمیتواند به فروش و پیش فروش روزافزون ثروت کشور متکی نباشد. از این روست که اقتصاد کشور به بیماری قرضه ستانی (داخلی از بانک مرکزی و خارجی از قدرتها) مبتلی شده و این بیماری مزمن گشته است و کل بودجه خارجی است و هم نظام بانکی و هم اقتصاد دولتی و نیز اقتصاد بخش خصوصی متناسب با غارت ثروت ملی ساخت گرفته اند. کسانی که معتقد بودند و یا هنوز هم هستند که نظام ولایت فقیه و بالتبع ساختار بودجه اش اصلاحات پذیر است، نخستین اصلاح میباید این اصلاح ساختار بودجه و بخش دولت و بستن مجاری رانت خواری صورت پذیر باشد. اگر بودجه های سالهای حکومت اصلاحات و اولین و دومین بودجه حکومت احمدی نژاد نتوانسته اند به این مهم پردازند، از این رو است که حفظ نظام استبدادی جز با این قبیل بودجه های وابسته به نفت و رانت ممکن نبوده و نیست.

اما صحنه های احمدی نژاد در روز تقدیم لایحه بودجه ۸۷ به مجلس هفتم، هم جالب و هم در خور تأمل است. وی ادعا کرد: زبان لایحه بودجه را ساده و عامه فهم کرده ایم. عدم شفافیت بودجه در بخش تبصره ها به گونه ای است که کمتر کسی را می توان که یافت که توانسته باشد بر بخشهای مختلف آن اشراف یابد، ولی ما بودجه ۸۷ را شفاف و به دور از پیچیدگی ارائه کرده ایم. بودجه ای که امسال به مجلس تقدیم می کنیم، در قالبی جدید است."

جالب است که احمدی نژاد گمان کرده است بودجه هم مانند متون نامه هایش به سران دیگر دول باید در حد متن یک شاگرد دبیرستانی باشد. در ادله اصلاحی دولت، خلاصه نویسی و ایجاز به مفهوم شفافیت گرفته شده است! احمدی نژاد فراموش کرده است که برای مردم صراحت بودجه در موارد منابع و هزینه های صحیح و پیامدها و تبعات آن بر روی زندگیشان مهم و موثر است و نه انشای اکابری لایحه بودجه!

در ثانی یکی از وظائف رسمی مجلس طبق قانون اساسی فعلی، رسیدگی به بودجه تفصیلی است و اتفاقاً وظیفه مجلس و لازمه نظارت آن وجود مواد و تبصره های تکلیفی شفاف و غیر پنهان در همه ابعاد است تا در صورت تخلف قابل پیگیری و برخورد باشد. ابزار های مجلس برای نظارت بر کار دولت زیر سؤال بردن، تذکر دادن، استیضاح کردن، عدم رای اعتماد و... است، چنانچه مجلس توانا و خواهان استفاده از تمام این ظرفیتهای نظارت بر قوانین بود وضعیت اقتصاد کشور به وخامت باری

بنا به گفته امیر منصور برقی معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، بودجه عمومی ۲۷۱ هزار میلیارد تومانی دولت نسبت به حجم بودجه عمومی دولت در سال جاری که حدود ۶۹ هزار میلیارد تومان بوده است دارای افزایش است و میزان بودجه پیشنهادی شرکت های دولتی و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت برای سال آینده نیز که بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است، نسبت به بودجه شرکتهای دولتی در سال جاری (۱۶۷ هزار میلیارد تومان) حدود ۲۰ درصد افزایش نشان می دهد. همچنین براساس اعلام برقی، بودجه ۸۷ با قیمت پایه نفت ۴۱ دلار برای هر بشکه بسته شده است.

اما قبل از پرداختن به اقلام بودجه ۸۷ و شکافتن آن و مشخص کردن اقلام پنهان آن، تا بر خوانندگان گرامی محرز گردد که آیا "رشد اقلام بودجه سال ۸۷" در چندو چون معیشت مردم نقش منفی و یا مثبتی دارد؟ و باز آیا مسبب و موجد رونق اقتصادی و ورشکستگی شد و یا رکورد اقتصادی و ورشکستگی را به دنبال دارد؟ که این مهم را به شماره آینده و امیکندارم، لازم است روشن سازم که کل بودجه در ایران رانت است. در واقع استبداد حاکم، با استفاده از قدرتی که دارد، ثروت طبیعی کشور (نفت و گاز و...) را به اقتصاد مسلط میفروشد. ارز آن را نیز با استفاده از همان قدرت، به بهائی که فرآورده رانت خواری است، میفروشد. و از آنجا که بودجه برداشت از اقتصاد ملی نیست و چشم پوشیدن از رانتها بمعنای نبود بودجه است، پس تا این استبداد هست، ممکن نیست بودجه دولت تغییر ماهیت بدهد. جدای از آن قرضه خارجی به اعتبار منابع ثروت کشور اخذ میشوند. یعنی دولت با استفاده از قدرت ویا بهتر بگوییم زوری که دارد، منابع ثروت کشور را پیش فروش میکند و قدرت استبدادی این رانت را نیز در اقتصاد داخلی، تنها به قدرت خرید تبدیل میکند. این قدرت خرید را اقتصاد داخلی نمیتواند جذب کند. بنا بر این، یا بصورت سرمایه از کشور میگریزد و یا در رانت خواریهای مختلف بکار می افتد. اما رژیم استبدادی، قرضی را که می ستاند، اغلب سرمایه نیز نمیکند، در واقع، قرضه خارجی از سونای پیش فروش کردن ثروت های طبیعی است و از سوی دیگر، پیشخور کردن آنست. بدین سان است که نه تنها اقتصاد امروز ایران در گرو اقتصاد مسلط است و توسط آن دوشیده میشود، بلکه اقتصاد فردای ایران نیز بیشتر در گرو است و بیشتر دوشیده میشود. از این رو است که ما شاهد رشد سرسام آور ارقام بودجه از طرفی و گسترش فقر روز افزون سال به سال بوده و نسل به نسل خواهیم بود. دقیقتر نگاه کنیم در اقتصاد ایران، ۸۰ درصد را بخش دولتی تشکیل میدهد.

## بودجه انفجاری ۱۳۸۷ وابسته به نفت و حکومت نظارت گریز دولت احمدی نژاد. بخش ۱

لایحه بودجه ۲۷۱ هزار میلیارد تومانی برابر با ۲۸۵ میلیارد دلار ( سال ۱۳۸۷ دولت احمدی نژاد از دو لحاظ بی مانند است.

- ۱- این حجم از بودجه در تاریخ ایران مانند ندارد.
- ۲- نظارت گریزی آن در حد اعلا است.

باید در نظر گرفت که سه محل عمده تامین منابع مالی دولت عبارتند از:

- درآمدهای عمومی که عمدتاً شامل درآمدهای مالیاتی است

- واگذاری دارایی سرمایه ای و

- واگذاری دارایی مالی

- درآمد ناشی از صادرات نفت خام در لایحه ۲۷۱ هزار میلیارد تومانی بودجه سال ۸۷، رقم بودجه عمومی دولت ۷۲۳ هزار و ۳۴۱ میلیارد و ۳۸۰ میلیون ریال است که دو قسمت ۷۲۳ هزار و میلیارد و ۳۴۱ میلیون ریال از محل درآمدهای عمومی دولت و رقم ۷۲ هزار و ۵۳۲ میلیارد و ۴۳۱ میلیون ریال از محل درآمدهای اختصاصی دولت را دربر می گیرد.

میدانیم که احمدی نژاد مرتب ادعا دارد که بودجه های دولتش هر ساله در راستای برنامه چهار ساله چهارم می باشد. اما بر طبق این برنامه سال به سال بایستی شاهد کوچک شدن دولت باشیم. بودجه های حکومت احمدی نژاد از سال ۸۵ تا کنون هر ساله رشدی سرسام آور داشته است و دولت روز بروز بزرگتر شده است. وقتی در نظر بگیریم که بودجه سال جاری (۸۶) به مبلغ ۲۷۱ میلیارد تومان، نسبت به بودجه سال ۸۱، پنج برابر شده است، مشخص میشود که لایحه بودجه سال ۸۷ که با حجم بیش از ۲۷۱ هزار میلیارد تومان بسته شده است، نسبت به حجم کل بودجه سال جاری (۱۳۸۶) که مبلغ ۲۳۱ هزار میلیارد تومان بوده است نیز به ظاهر و حداقل بیش از ۱۷ درصد افزایش یافته است. ناگفته پیداست که بودجه ۸۷ که در تاریخ ایران از لحاظ حجم مانند ندارد، باج دادن به گروه بندیهای مافیائی رانت خوار و شریک کردن آن در سیاست آتمی رژیم است.





از سوی دیگر در چارچوب پیشنهادی دولت هیچ‌گونه عنصری که دولت را به لحاظ عملیاتی در مقابل مجلس شورای اسلامی متعهد کند، وجود ندارد و در عمل برنامه‌های عملیاتی و شاخص‌هایی که نظارت را به شکل قانونی امکان‌پذیر کند به تصویب مجلس شورای اسلامی نمی‌رسد. بنا بر این مشاهده می‌شود که بودجه ۱۳۸۷ دولت احمدی نژاد به شدت نظارت‌گریز است! و در واقع با این لایحه قصد واگذاری اختیارات قوه مقننه به قوه مجریه را از طریق حذف اختیارات مجلس دارد.

بی دلیل نبود که احمدی نژاد در پایان نطق خویش در هنگام ارائه لایحه بودجه ۸۷ خواستار این شد که مجلس بودجه را یک بسته سیاستی ببیند و آن را تغییر ندهد و ارقام را کم و زیاد نکند! در واقع احمدی نژاد در پوشش "لایحه عامه فهم!" بر مصداق من این دو حرف نوشتن چنان که غیر ندانست

تو هم ز روی عنایت چنان بخوان که تو دانی

از مجلس می خواهد با سکوت خود، عامه را متوجه نظارت‌گریزیش نکند!

به تعبیر محمد علی نجفی نویسنده قانون برنامه سوم توسعه درگفت و گو با هفته نامه عصر ایران، "شیوه مورد نظر محمود احمدی نژاد برای بودجه نویسی ابتدایی و کهنه است و دولت قصد دارد بودجه را از حوزه دید مسایل نظارتی خارج و آن را به ۶۵ صندوقچه تبدیل کند که مسوولان دولتی به سبک خزانه های حاکمان و سلاطین قدیم، هر زمان اراده کردند، بودجه را به هر کس که دوست داشتند بپردازند. با این حال احتمالاً پس از ۱۰۰ سال فراز و فرود بودجه نویسی در ایران، برای اداره کشور باید از روش هایی استفاده کنیم که مربوط به قرن گذشته است. حتی دردوران قاجار هم چنین روش هایی منسوخ شده بود". همچنین محمد ستاری فر، تدوین کننده برنامه چهارم و رییس اسبق سازمان مدیریت و برنامه ریزی گفته است: "شیوه جدید بودجه نویسی عقب گرد تاریخی است. دوران اولیه ای که فقط پول توزیع می شد آن هم دردورانی که نفت فراوانی داریم. دولت دردوسال گذشته توزیع پول در استان ها را دنبال می کرده و حال می خواهد این توزیع را آشکارتر کند. او اما حمید رضا برادران شرکا، آخرین رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی دولت خاتمی نیز، شیوه مورد نظر دولت احمدی نژاد برای بودجه نویسی را "بودجه پارتیزانی" اعلام کرده است. او گفته است: در اقتصاد کلان، تئوری بودجه پارتیزانی را داریم که براساس آن مسوولان کشور علاقه مند هستند از امکانات و منابع کشور در جهت اهداف گروه سیاسی خود بهره برداری کنند"

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

اما وقتی در ایران مجلسی مملو از " نمایندگان " بی کفایت موجود است که به اقرار " نمایندگان " به جای دقت در تبصره های بودجه آنها را تنها تورق میکنند!! محرز میگردد که دولت احمدی نژاد همین نظارت تورقی را نیز تاب ندارد!

مرتضی تمدن، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هفتم اقرار کرده است: ما واقعاً فرصت رسیدگی به حدود ۶۰۰ دستگاه در بودجه سالانه را نداشتیم و معمولاً آنها را تورق می کنیم. به جز بعضی ردیف های مهم و عمده سایر ردیف ها را به دلیل کمبود وقت رسیدگی نمی کردیم. دولت این تعداد دستگاه ها را به ۶۹ مورد، ۳۰ استانی و ۳۹ دستگاه های اجرایی تقلیل داده است و دستگاه هایی که در بودجه درج شده همان دستگاه هایی است که ما بیشتر به آنها توجه داشته ایم!

با این پیش در آمد در شماره آینده سراغ بررسی آمار بودجه ۸۷ و شکافتن آنها و تأثیرات منفی اش بر روی اقتصاد کشور خواهیم رفت.

انقلاب اسلامی: بدتر شدن وضعیت سیاسی و اقتصادی با تشدید فشار و اختناق همراه می شود:

## دانشجویان، کارگران و معلمان همچنان قربانیان سرکوبگریند:

در ۹ دی ۸۶، نشریه دانشجویی خانه متروک در دانشگاه علم و صنعت، در جلسه کمیته ناظر بر نشریات به سه ماه توقیف و توییح کتبی مدیرمسئول آن محکوم شد. خانه متروک به دلیل شکایت شش تن از مدیران ستادی دانشگاه که نام آن ها حتی به مدیر مسئول این نشریه نیز اعلام نشده است، به کمیته ناظر فراخوانده شد.

در ۱۰ دی ۸۶، هیأت نظارت بر مطبوعات، پروانه انتشار هفته نامه کرفتو را لغو کرد. لیلامدنی صاحب امتیاز و مدیر مسئول هفته نامه کرفتو گفت: علت صدور این حکم از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات، انتشار نامنظم هفته نامه عنوان شده است.

دو تن از خبرنگاران این هفته نامه به نام های آکو کردنسب و کاوه جوانمرد، نیز در حال سپری کردن دوران محکومیت خود در زندان می باشند.

در ۱۰ دی ۸۶، پس از هشت روز، اعتصاب غذا و تجمع دانشجویان دانشگاه اصفهان، در پی وعده انجام خواست ها شان از سوی رییس این دانشگاه، پایان یافت.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه اصفهان از دوشنبه هفته گذشته برای پیگیری خواسته هایشان از مسولان دانشگاه آغاز شد. دانشجویان اعتصاب کننده خواهان تشکیل دوباره انجمن اسلامی دانشگاه، شورای صنفی دانشجویی و صنف نشریات دانشجویی و لغو احکام انضباطی چند تن از دانشجویان بودند.

در ۱۱ دی ۸۶، نیروهای لباس شخصی و بسیجی دوشنبه شب با حمله به دفتر یک روزنامه اصلاح طلب در شیراز ضمن برهم ریختن تجهیزات و امکانات روزنامه، یکی از روزنامه نگاران را مجروح کردند. به گزارش خبرنگار نوروز از شیراز، ماجرا زمانی اتفاق افتاد که در جریان ادامه طرح موسوم به «امنیت اجتماعی» در خیابان عقیق آباد (از مناطق شمال شهر شیراز)، تجمع گسترده ای از مردم معترض شکل گرفت که با ماموران و لباس شخصی ها درگیر شدند. در این حال، اعضای تحریریه و همکاران روزنامه «تحلیل روز» که پنجره دفتر آنها مشرف به محل درگیری ها بود، از بالا ماجرا را تماشا می کردند. این گزارش حاکی است نیروهای لباس شخصی پس از مطلع شدن از این مساله و با این گمان که روزنامه نگاران از درگیری ها عکس برداری کرده اند، به دفتر روزنامه «تحلیل روز» هجوم بردند. حال آنکه به گفته اعضای تحریریه، در آن زمان عکاسان روزنامه در محل کار خود حاضر نبوده اند.

در ۱۱ دی ۸۶، فرخنده بختیارزاده، حکم یک ترم محرومیت از تحصیل با احتساب سنوات، علی قلی زاده دو ترم محرومیت از تحصیل با احتساب سنوات، اشکان مدنی دو ترم محرومیت از تحصیل بدون احتساب سنوات، سیده فهیمه میرلوحی و جواد صفدری نیز حکم توییح کتبی با درج در پرونده را دریافت کردند. سامان فیروزی، مسعود قربانی نژاد، سید مهدی جاووشیان و مسعود نظری فر نیز در آستانه امتحانات به کمیته انضباطی احضار شدند.

در ۱۱ دی ۸۶، ۴ دانشجو دانشگاه شیراز به کمیته انضباطی این دانشگاه احضار شدند: اسماعیل جلیل وند، حمدالله نامجو، ناهید افراسیابی و سحر یزدانی به کمیته انضباطی دانشگاه شیراز احضار شدند. دانستنی است این دانشجویان چندی پیش نیز در جریان اعتراضات به بازداشت یونس میرحسینی به واکا و شیراز احضار شده بودند

در ۱۱ دی ۸۶، کمیته انضباطی دانشگاه شهید باهنر کرمان ۷ تن از دانشجویان فنی و مهندسی این دانشگاه را مجموعاً به ۱۴ ترم تعلیق از تحصیل با احتساب سنوات محکوم کرده است. کمیته انضباطی دلیل محکومیت این دانشجویان را توهین به مقدسات ملی و میهنی دانسته است

در ۱۱ دی ۸۶، ۱۰ دانشجوی دانشگاه بوعی همدان به دنبال تجمعات دانشجویی نیمه آذر ماه در این دانشگاه به کمیته انضباطی احضار شده اند: امین نظری، سیاوش حاتم، رضا جعفریان، پوریا شریفیان، ساسان منبری، سیروس محمدی، وهاب کریمی نژاد، مهدی جمالوند، محمد صیادی و فاطمه معصومی احضار شده گان به کمیته انضباطی هستند که برخی از آنها، برای سومین بار در ترم جاری به این کمیته احضار شده اند.

در ۱۲ دی ۸۶، موج جدید احضار به کمیته ی انضباطی و تهدید دانشجویان دانشگاه علامه پس از پایان کلاسهای درس و آغاز فرجه های تحصیلی آغاز شد: مهدیه گلرو، علیرضا موسوی، امیر یعقوبعلی، نگین فرازمنند، عسل اخوان، کوروش جنتی، شیمیا فرزاد منش به کمیته انضباطی احضار شده ند.

لازم به ذکر است مهدیه گلرو، امیر یعقوب علی، نگین فرازمنند، عسل اخوان و شیمیا فرزاد منش ترم گذشته تعلیق و ممنوع الورد بوده و دوره ی محرومیت خود را سپری کرده اند. همچنین علیرضا موسوی که پیش از این به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده بود و تاکنون نیمی از آن را سپری کرده به کمیته انضباطی احضار شده است. خبر ها حاکی از آن است که کوروش جنتی نیز که هفته گذشته حکم یک ترم تعلیق خود را دریافت کرده است جزء احضار شده گان است.

در ۱۲ دی ۸۶، از ۱۱ محکوم به قصاصی که قرار بود بامداد امروز در محوطه داخلی ندامتگاه اوین به دار آویخته شوند، سه نفر با دریافت مهلت برای پرداخت دیه از پای چوبه دار بازگشتند و هشت تن دیگر اعدام شدند.

در ۱۲ دی ۸۶، سه تن از قاچاقچیان مواد مخدر در قم به دار آویخته شد. این سه قاچاقچی به اتهام خرید و نگهداری مرفین و هروئین در میدان شهید مطهری قم و درملاعام اعدام شدند. احکام این متهمان پس از صدور از شعبه های دوم و سوم دادگاه انقلاب اسلامی قم و تأیید دادستان کل کشور اجرا شد.

در ۱۳ دی ۸۶، راحله زمانی، زنی که سه سال پیش به جرم قتل همسرش روانه زندان شده بود، با حضور اولیای دم در زندان اوین اعدام شد. راحله، دو هفته پیش هم تا پای چوبه دار پیش رفت اما با گرفتن مهلت، اعدام او به زمان دیگری موکول شد.

در ۱۳ دی ۸۶، عابد توانچه، دانشجوی اخراجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و از فعالان چپ، بازداشت شد. وی در شهرستان محل سکونتش، اراک، توسط واواکی ها بازداشت شد. گفتنی است این بار دومی است که عابد توانچه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. وی در خرداد ماه سال گذشته نیز به مدت ۴۳ روز در زندان اوین بازداشت بود.

در ۱۳ دی ۸۶، ۹ تن از معلمان همدانی که در شعبه ۱۰۶ دادگاه عمومی همدان هر یک به تحمل ۹۱ روز حبس محکوم شده بودند، در مدت قانونی تجدیدنظرخواهی به رای صادره از سوی این دادگاه اعتراض نکردند. دادگاه در تاریخ ۱۸ آذرماه ۹ معلم همدانی را بر اساس اتهاماتی مانند تجمعات غیر قانونی و تشویش اذهان عمومی از طریق صدور اطلاعیه و... محاکمه و به تحمل زندان محکوم کرد.

در ۱۳ دی ۸۶، محکومیت یک معلم در شهری و تعویق یک دادگاه: براساس حکم اداری، یکی از دبیران دبیرستان های ناحیه یک شهر ری از تاریخ ۲۶ دیماه ۸۶ به مدت سه ماه به انفضال از خدمت محکوم شد. اتهام «یوسف مصطفی لو» شرکت در تحصن فرهنگیان در سال ۸۵ و فروردین ۸۶، تحریک و تشویق همکاران به خودداری از حضور در کلاس درس و قرائت اطلاعیه کانون صنفی معلمان در مدرسه و در جمع همکاران عنوان شده است.

در ۱۴ دی ۸۶، سازمان عفو بین الملل در بیانیه ای اعلام کرد که روز جمعه هفته گذشته، دست کم ۵۰ تن در جریان یک مجلس ترحیم در شهر اهواز بازداشت شده اند. بازداشت شدگان، از اعراب خوزستان هستند و در جریان حمله «نیروی مقاومت بسیج و پلیس» به مجلس ترحیم شخصی به نام «مهدی حیدری» بازداشت شده اند. «عفو بین الملل نام ۵۳ تن را دریافت کرده که گفته می شود همگی در این مجلس ترحیم بازداشت شده اند. سازمان عفو بین الملل به اطلاعاتی دست یافته که نشان می دهد خانواده های بازداشت شدگان هیچ اطلاعی از وضعیت نزدیکان خود ندارند و مشخص نیست که این افراد در کجا نگهداری می شوند.»

به گفته سازمان عفو بین الملل، بازداشت شدگان در مسجد حمزه در صفحه ۱۶



آقای زنگنه وزیر پیشین نفت نیز در آخرین روزهای وزارتش بر بحران سرمایه‌گذاری در نفت اشاره کرده بود که: «تنها راه خروج از این بحران سرمایه‌گذاری ۱۵۰ میلیارد دلاری طی ۱۰ سال آینده است.» از زمان اظهار نظر او سه سال گذشته و هنوز هم مشکل نبود سرمایه‌گذاری خارجی بر جای خود باقی مانده است.

گفته می‌شود طی سه سال گذشته حدود ۳۸ میلیارد دلار در بخش نفت سرمایه‌گذاری شده البته نیمی از آن تنها در حد تفاهمنامه باقی مانده اما با این وجود و براساس این آمار برای گذر از این بحران ایران تا هفت سال دیگر نیاز به ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در نفت دارد.

آقای شرکاء معاون «رییس جمهور» و رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در دولت هشتم به این مسئله چنین اشاره کرده است: «اگر این سرمایه‌گذاری‌ها صورت نگیرد، مفهومش این است که ما به تدریج از برنامه‌های افزایش ظرفیت‌مان دور می‌شویم. از این موضوع مهم‌تر، بحث حفظ ظرفیت موجود است که با توجه به اینکه تمام چاه‌های نفت از یک افت طبیعی برخوردارند، به مرور اگر سرمایه‌گذاری‌های جدید صورت نگیرد، این افت ادامه خواهد یافت. پیش‌بینی ما و شرکت نفت این است که چیزی حدود پنج تا شش درصد سالانه افت طبیعی چاه‌های نفت خواهد بود. به این ترتیب، چیزی حدود شش درصد در سال ظرفیت تولید نفت در پایان برنامه چهارم با کاهش تولیدی حدود یک میلیون بشکه نفت در روز روبه‌رو خواهیم شد. این کاهش تولید نیز درآمد ناشی از صادرات نفت خام کشور را کاهش خواهد داد.»

موضوع مهمی که نباید در محاسباتمان فراموش کنیم این است که: در زمان شاه ایران شش میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد. امروز تولید به چهار میلیون کاهش یافته است و اگر به مسئله تولید نفت و سرمایه‌گذاری در این زمینه بخواهیم خوشبینانه بنگریم، پیش‌بینی می‌شود، در ۱۰ سال آینده تولید نفت به دو میلیون بشکه کاهش یابد؛ از سوی دیگر مصرف بالای داخلی نیز در ۱۰ سال آینده موجب قطع صادرات نفت، صفر شدن درآمد ارزی و تنزل جایگاه درآمدی ایران به رده کشورهای بسیار فقیر آسیایی همچون افغانستان و بنگلادش می‌باشد.

اگر اقتصاد ایران در شرایط فعلی این رژیم بخواهد کماکان به نفت وابسته بماند باید بتواند حد اقل زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم نماید. یکی از شرایط فراهم آوردن جذب سرمایه، فراهم کردن زمینه آزاد و بدون تنش در اقتصاد و مخصوصاً سیاست داخلی است. البته تشهای

## آینده ایران با حکومت احمدی نژاد؟

سیاست خارجی نیز می‌تواند سرمایه‌ها را فرار بدهد و امکان جذب سرمایه‌های جدید را نیز کم کند. شرایطی که امروز ایران در آن بسر می‌برد شرایط جنگی است برای نابودی وضعیت اقتصادی مولد. سیاستهای تنش‌زا و ضد حقوق انسانی آقای احمدی نژاد و خامنه‌ای و در کلیت نظام ولایت فقیه باعث از هم پاشیدگی اقتصاد ایران شده است.

این نظام با طرح امنیت اجتماعی، توانسته بستر گسترش اقتصاد را، بیمار کند و زمینه ساز و تشدید کننده تورم گردد. البته دولت تصور می‌کند که با این فشارها می‌تواند دهان مردم را بدوزد و صدای مخالفین را خفه کند.

در زمینه خارجی نیز این رژیم نیاز به تنش برای ادامه بقای خود دارد و برای کشاندن ایران حد اقل تا سرحد جنگ، مسئله اتم را دامن زده و در منطقه سیاست مداخله و تشدید تنش را به اجرا در آورده است.

وابسته بودن کشور به نفت در امر اقتصاد و نبود تولید واقعی و مستقل در کشور و واردات بیش از حد کالاهای مورد نیاز حدود ۶۰ میلیارد در سال، استحکام اقتصادی را دچار تزلزل نموده است. تزریق پول بدون پشتوانه به اقتصاد و بالا بردن حجم نقدینگی تا دو برابر در دوران احمدی نژاد که این امر موجب تورم شدید در ایران شده است. و پیش‌بینی تورم در پایان امسال ۳۰ تا ۳۵ درصد می‌باشد. در شرایط فعلی که هر کس در ایران حرف خود را می‌زند و سنگ بر روی سنگ نمی‌ماند، کدام سرمایه‌گذار خارجی موافق ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران است؟

پس از استقرار دولت نهم و انتخاب اعضای کابینه، فرهاد رهبر رئیس وقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق از بودجه ریزی عملیاتی سخن گفت که قرار شد این برنامه در سه مرحله (شفاف‌سازی، بهره‌وری و افزایش اثربخشی) عملیاتی شود.

بنا بود در بخش شفاف‌سازی آقای احمدی نژاد دانه درشتها مافیای ایران را به مردم معرفی کند که چون زالویی خون این ملت را دارند می‌مکند. از آنجا که همین دانه درشتها بوده اند که احمدی نژاد را در جای فعلیش نشاندند، او نتوانست اسمی از آنها ببرد. حتی نتوانست اسم دانه کوچکهای مافیای حاکم را نیز ببرد. زیرا دانه کوچکهای مافیای حاکم به دانه درشتها متصلند و حذف آنها بدین معنی است که این نظام دیگر نباشد.

مرحله دوم بودجه ریزی عملیاتی است که به بحث بهره‌وری مربوط می‌شود

و در بودجه سال ۸۷ باید اجرایی بشود. هدف از اجرای این مرحله، دادن اختیارات بیشتر به دستگاه‌های اجرایی است که با اجرای آن، دستگاه‌ها بایستی در مقابل هزینه‌ها پاسخگو باشند. تاکنون به دلایل مختلف دستگاه‌ها به طور شفاف پاسخگو نبوده‌اند. این رو، مسئولان دولتی معتقدند یکی از موارد ضروری اجرای بودجه ریزی عملیاتی، دادن اختیارات بیشتر به دستگاه‌های اجرایی است.

### بودجه ۸۷

روند تدوین بودجه سال ۸۷ حاکی از آن است که تاکنون رقم دقیق مصارف ارزی و قیمت پایه نفت در بودجه ۸۷ تعیین نشده است. در قانون برنامه چهارم توسعه بر کاهش اتکای بودجه به نفت و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه تاکید شده است.

در جدول شماره ۸ قانون برنامه چهارم توسعه آمده است: قیمت پایه نفت در بودجه سال ۸۷ باید ۱۹ دلار تعیین و مازاد بر آن به حساب ذخیره ارزی منتقل شود.

وزارت نفت به دولت پیشنهاد کرده است که قیمت پایه نفت را در بودجه سال ۸۷ بین ۵۰ تا ۵۵ دلار تعیین کند. از دیگر سو، برخی منابع دولتی از بررسی قیمت پایه نفت بین ۴۰ تا ۵۰ دلار در دولت خبر داده‌اند.

می‌بینیم که دولت ناتوان فقط با شعارها بازی می‌کند. آقای خاتمی می‌گفت اصلاحات و ایران برای ایرانیان. در نتیجه اصلاحات به نفع نظام ولایت فقیه و ایرانیان در خدمت مافیای حاکم شد.

امروز طرحهای پیش‌بینی شده به عکس خود رسیده‌اند. جای ۱۹ دلار در بودجه ۵۰ تا ۵۵ دلار نشسته است و از طرف دیگر دولت احمدی نژاد صندوق ذخیره ارزی را نیز خالی کرده است.

آنچه در مورد بودجه سال ۱۳۸۷ شنیده‌ایم، اظهارنظرهایی است که از سوی برخی مقامات مطرح شده اما طرح یا برنامه مکتوبی در این مورد هنوز دیده نشده است.

اگر شنیده‌ها را کنار هم بچینیم متوجه می‌شویم که دولت قصد دارد بودجه عمومی کشور را در قالب ۶۵ یا ۶۷ دستگاه متمرکز کند.

در این طرح قرار است هر استان، به مثابه یک دستگاه شمرده شده و بودجه آن استان به استانداری منتقل شود تا از این به بعد استانداران مسوول توزیع بودجه در حوزه مدیریت خود باشند.

پس ۳۰ دستگاه را استانداری‌ها تشکیل می‌دهند و بقیه دستگاه‌ها هم، وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها هستند که ردیف بودجه‌های خاص خود را خواهند داشت. بنابراین همه دستگاه‌های اجرایی، بودجه خود را باید از ۶۵ دستگاه مشخص شده که از آنها به عنوان ۶۵ مرد قوی کشور یاد می‌شود، دریافت کنند.

ببینید بر سر اقتصاد کشور چه دارند می‌آورند. سازمان برنامه و بودجه تبدیل شده است به از هم پاشیدگی اقتصاد. بعضی وقتها تصور میکنیم که عده‌ای نشسته‌اند و دارند ایران را خواسته نابود کنند.

### اشتغال

می‌دانیم که در دوران شاه اشتغال وابسته بود به دولت. همه می‌خواستند کارمند دولت شوند. دولت نفت را می‌فروخت و ۸۰ درصد بازار کار را با آن حقوق می‌داد. در دهه ۷۰ دولت تصمیم گرفت که دولت را کوچک کند و بخش خصوصی را قوی و بازار کارایی را به بخش خصوصی بسپارد. در حال حاضر رژیم هنوز بزرگترین جذب‌کننده نیروی کار کشور است.

در زمینه اشتغال هم تناقضهای آشکاری میان آمارهای ارائه شده وجود دارد. به طور مثال وزیر کار دولت نهم اعلام کرده است که در سال گذشته یک میلیون و ۹۵۰ هزار شغل در کشور ایجاد شده است. در همین حال سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده است که در همین دوره زمانی، ۶۰۰ هزار نفر تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند. می‌بینید که میان دو آمار ارائه شده، یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر تفاوت وجود دارد. اگر به آمار وزیر کار و امور اجتماعی توجه کنیم، متأسفانه باید بگوییم، یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر کارگر جدیدی که وارد بازار کار شده‌اند، زیر پوشش چتر تأمین اجتماعی قرار نگرفته‌اند و اگر بخواهیم به آمار سازمان تأمین اجتماعی توجه کنیم، باید بگوییم آمارهای وزیر کار دولت نهم واقعیت ندارد. و با اینکه واقعیت این است که تنها ۶۰۰ هزار نفر توانسته‌اند وارد بازار کار شوند. البته اگر همین آمار صحیح باشد. توجه کنیم که سالانه حدود ۸۵۰ هزار نفر باید وارد بازار کار شوند. در این صورت است که تعداد بیکاران از سه و نیم میلیون بیشتر نخواهد شد.

در زمینه اشتغال زایی دولت برنامه‌های ناموفق و مخرب بسیار داشته است. که این مقاله به تمامی آنها نمی‌تواند بپردازد و جای دیگری را می‌طلبد.

برنامه‌های بی‌آینده و مخرب جوان را ناامید به آینده روشن نموده است. بدین خاطر در روزهای گذشته شاهد اعتراضات دانشجویان و کارگران بودیم.

رژیم به ناتوانی خود واقف است. بدین خاطر سرکوبها را افزایش می‌دهد، از ترس آنکه نکند کسی مخالف شود و اعتراض کند. صدای اعتراض دانشجوی و کارگر و معلم و ... برای رژیم از حمله آمریکا و بمباران ایران وحشت‌زاتر است.

در دو هفته گذشته دانشجویان، در خانه خود دانشگاه صدای اعتراض را به گوش دیگر هموطنان و مردم جهان رسانیدند. سه دانشجوی دانشگاه مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری دستگیر شدند و به زندان افتادند. آنها را شکنجه کردند و شکنجه‌گران با اعتراض هم‌بندان این دانشجویان مواجه شدند. صدای فریاد اعتراض از میان میله‌های زندان به صحن دانشگاه رسید و وجدان دیگر دانشجویان را با خود همصدا کرد. صدایی که در تمام شهرها به یک صدا تبدیل شد. یک بیان پیدا کرد و تبدیل به موج اعتراض گردید. دانشجویان عکس دوستان خود مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری را سر دست گرفتند و خواهان آزادی آنها شدند.

اعتراضات از اول آذر شروع شد. ۵ آذرماه، دانشجویان دانشکده معدن و متالورژی دانشگاه امیرکبیر تحصن اعتراضی برگزار کردند.

۶ آذر ۸۶: ۱۵۰۰ دانشجوی دانشگاه بوعلی در اعتراض به مشکلات صنفی تجمع کردند

۶ آذر ۸۶: تجمع دانشجویان دانشکده معدن و متالورژی پلی تکنیک در اعتراض به ادامه بازداشت دانشجویان و ضرب و شتم دانشجویان در اوین

۱۲ آذر ۸۶ - حدود ۱۰۰۰ دانشجوی دانشگاه بوعلی سینا در تجمعات اعتراض آمیز خود نصبت به وضعیت صنفی دانشگاه خود اعتراض کردند و در پی آن دانشکده‌های کشاورزی و مهندسی به طور کامل تعطیل شد.

۱۳ آذر ۸۶ - جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان تظاهراتی دو ساعته در اعتراض به آنچه «خفقان سیاسی» می‌نامیدند، انجام دادند.

با در دست داشتن پلاکاردهایی که شعارهایی نظیر «حکم اعدام عدنان در صفحه ۱۵»





## سخن گوئی، انتخابات، بی تفاوتی، منزلت زن

بنا بر تاریخ بیهقی، سلطان محمود غزنوی به مردم نیشابور که از شهر خود در برابر متجاوز دفاع کرده بودند، عتاب کرد چه حق داشتید از شهر دفاع کنید؟ بجاست شما را جریمه کنم. زیرا اگر متجاوز موفق به تسخیر شهر می شد، شهر مرا ویران می کرد!! لذا، وقتی استبداد حکومت خدمتگزار مردم را با توقعات خود سازگار نمی دید و او را برکنار می کرد و می کشت، مردم ولو ناراضی می شدند، اما برای خود حق دخالت قائل نمی شدند. اعتراض به رفتار استبدادبان، در سی تیر و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نیز خرداد ۶۰ و از آن بعد، یک تغییر اساسی در طرز فکر و رفتار مردم ایران است. اما هنوز زمان می خواهد تا که مردم ولایت جمهور مردم را از آن خود بدانند و خویش را مسئول حمایت و حفاظت از خدمتگزاران خود بدانند.

● استبداد بدون یک پایه خارجی قوام و دوام نمی یابد. بسته به نقش پایه خارجی، دولت نسبت به جامعه بیشتر خارجی و نسبت به قدرت خارجی، بیشتر وابسته و داخلی می شود. از این رو، محک خدمتگزاری، استقلال و آزادی و آبادی می شود. با وجود این، بخاطر وابستگی ملت به دولت و وابستگی دولت به قدرت خارجی، حضور خدمتگزاران در دولت و در مقامهای کلیدی، ناسازگارتر با دولت وابسته می شود. این رو حذف می شوند. بیهوده نیست که با کودتای ۲۸ مرداد، خدمتگزاران مردم بکلی از خدمت دولت رانده شدند. از انقلاب بدین سو نیز، خدمتگزاران به مردم، مرتب حذف شده اند و می شوند. محبوبیت نزد مردم، از مهمترین دلایل حذف اشخاص از خدمت دولت است. اگر هم کسی محبوب مردم شد و مقامی را جست، یا ناگزیر می شود جذب استبداد شود و از خیر محبوبیت و خدمتگزاری بگذرد و یا ناچار می شود تن به حذف شدن بدهد.

● طرز فکر و طرز رفتار مردم عامل سوم و بسا مهمتر است: استبداد تاریخی، ایرانیان را «منتظر دائمی» گردانده است. قاعده را وارونه گردانده و رفتار خود را به آن مستند کرده است. توضیح این که بنا بر قاعده، هر تغییری می باید بی آمد تغییر در خود باشد. برای مثال، انسان می باید در خود تغییر لازم را بعمل آورد به ترتیبی که بر حقوق ذاتی خود آگاه و زندگی را عمل به آن بگرداند تا جهان آماده رهبری جدید بر میزان داد و و داد بگردد. ضد قاعده ای که در ایران جانشین قاعده شده است، ایرانیان را معتاد این مجاز کرده است که فسادگستری جبری است. زیرا گمان می برد بدون ویرانی آبادانی میسر نیست. تا فساد همه جا را

نگیرد، مهدی موعود ظهور نمی کند و ...

واقعیتی که مجاز و دروغ جایش را گرفته اند، اینست:

ویرانی، ویرانی می آورد و آبادانی، آبادانی می آورد. جهل جهل افزون نشانه رها شدن عقل از آن مجاز و دروغ و معرفت به این واقعیت و قاعده « تا تغییر نکنی تغییر نمی دهی » را مبنای کار کردن اینست که زمان برخاستن به تصمیم و عمل، دقیقه اول می شود. و چون ضد قاعده مینا شود، زمان قیام به تصمیم و عمل، واپسین دقیقه، زمانی که کار از کار گذشته است، می گردد. پس عیب همگانی ایرانیان که کار را به واپسین لحظه باز می گذارند، ناشی از اندیشه راهنما شدن بیان قدرتی است که ابتکار را بر انسان ممنوع می کند. طرفه این که نخستین فراماسونها غافل بودند که با دعوت از ایرانیان به خودداری از ابتکار و درآمدن به فرهنگ غرب، ابتلای خود را به بیان قدرتی ابراز می کنند که تغییر دادن را کار مهدی ( از دید فراماسونهای غرب ) موعود و خودداری از ابتکار را شرط موفقیت رهبری می دانند که می باید انسان ایرانی را از فرق سر تا نوک یا تغییر دهد. پس چه عجب که ولایت مطلقه فقیه بر الزام خودداری ایرانیان از ابتکار و اختیار مطلق تغییر دهنده ( رهبر ) بنا گرفته است.

در کتاب « عقل آزاد » و کارهای دیگر، روشهای آزاد شدن از این بدترین بیان قدرت پیشنهاد شده اند.

### \* پرسش سوم:

با عرض معذرت، سئوالی دارم که مدت زیادی ذهنم را مشغول کرده است. من کاملاً قبول دارم که اسلام در زمان ظهورش، حقوق بسیار زیادی را برای زنان قائل شده است. اما در نهج البلاغه جملاتی هست که من با خواندنشان بسیار ناراحت شدم و بسیار تعجب کردم. مثلاً در نامه ای از حضرت علی آمده است که زنان ناقص العقل هستند. و یا در جای دیگر، در حکمت ها، گفته است که زن همه اش بدی است و غیرت مرد، ایمان و غیرت زن کفر است... می خواستم از شما تقاضا کنم توضیحی در باره این قول ها بدهید تا کمی دلم آرام بگیرد و تردید از دلم پاک شود. با تشکر.

### ● پاسخ به پرسش سوم:

پرسش شما در روزهای اول انقلاب، در دانشگاه صنعتی، از سوی دختر دانشجویی به عمل آمد و به آن جواب دادم. آن جواب را در پاسخ پرسش شما و برای شما و دیگران باز می نویسم:

۱- می دانید که پیامبر فرمود: قرآن را به تکرار در آورید اما سخنان مرا

نه. زیرا می دانست که برای از خود بیگانه کردن بیان آزادی در بیان قدرت، زورپرستان آسان می توانند سخنانی را به آن حضرت نسبت دهند و بتدریج قولهای ساختگی را جانشین قرآن کنند. و چنین کردند.

۲- قرآن فهرست کاملی از حقوق انسان، از زن و مرد، در بردارد. در این حقوق که ذاتی حیات هستند، کمتر تفاوتی میان زن با مرد نیست. این حقوق را که از حقوق مندرج در منشور حقوق انسان بسیار کاملتر است، در کتاب « انسان، قضاوت و حقوق انسان در قرآن » گرد آورده ام.

۳- بنا بر این، قولهای پیامبر (ص) و علی (ع) نمی توانند مخالف نصوص قرآنی باشند. اگر قولی مخالف نص از آنها خواندید یا شنیدید، از آنها ندانید. چنانکه امام صادق (ع) فرمود: هر قول منسوب به ما را با قرآن بسنجید. اگر با آن هم خوانی نداشت، به دورش افکنید.

۴- در دانشگاه صنعتی این توضیح را افزودم:

بسیار می شد که نظر پیامبر (ص) از سوی اکثریت پذیرفته نمی شد و پیامبر (ص) نظر اکثریت را به اجرا می گذاشت. یعنی قبول نظر خود را الزام آور نمی دانست. بر فرض که نظر از آن حضرت باشد، بنا بر قول خود او، شما نباید حق را به شخص بسنجید بلکه باید شخص را به حق بسنجید. پس باید قول او را با حق بسنجید اگر مخالف حق و واقعیت یافتید نپذیرید.

این گونه قولها قطعی الصدور نیستند و چون خلاف حقوقی هستند که بنا بر قرآن، انسان دارد، نباید قولهای آن بزرگواران شمرده. اما اگر هم قولها از آن بزرگواران بودند، شما و هر کس دیگر حق دارد نظری غیر از نظر آنها داشته باشد. هم به این دلیل که شخص را به حق باید سنجید و هم به این دلیل که آن بزرگواران مسلمانان را به انتقاد فرا می خواندند و با کیش شخصیت مبارزه می کردند. هرگاه چنین کنید، هم به آن بزرگواران خدمت کرده اید هم به خود. به آنها خدمت کرده اید زیرا مانع از آن شده اید زورپرستان از قول آنها جعل کنند و در توجیه استبداد بکار برند. به خود خدمت کرده اید زیرا دست کم از خود پرسیده اید: پیامبری

(ص) که خدیجه را نیمی از نبوت می دانست و کرامت مرد را در گرو تکریم زن می شمرد و علی

(ع) که داماد او و همسر زنی چون فاطمه (ع) بود و خود را قرآن ناطق توصیف می کرد و می دانست که قرآن فرموده است: انسانها را از زن و مرد آفریده و آنها را قبایل و ملتها گردانده تا شناخته شوند و گرنه اگر آنها متقی ترین آنها است، چگونه ممکن است سخنی در تحقیر زن بگوید؟ وقتی در پی تحقیق شدید، در می یابید که نهج البلاغه را افلا دو قرن بعد، گردآوری کرده اند. زمانی که فلسفه های ارسطویی و افلاطونی بکار دگرگون کردن اسلام از بیان آزادی به بیان قدرت گرفته می شدند و در آن فلسفه ها بود که زن دون انسان شمرده می شد. وقتی به این نتیجه رسیدید، بر آنها که به اسلام و انسان چنین خیانتی روا داشته اند، عصیان می کنید. آزاد می شوید و آزاد می کنید.

## آینده ایران با حکومت احمدی نژاد؟

حسن پور باطل باید گردد»، «دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد»، «رئیس انتصابی! استعفا استعفا» در این دانشگاه تظاهرات کردند.

۱۴ آذر ۸۶: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کرمان، روز یکشنبه، ۱۱ آذرماه، تریبون آزادی به مناسبت روز دانشجو برگزار کرد. محورهای این برنامه جنبش دانشجویی؛ بایدها و نبایدها، انرژی هسته ای؛ فرصت ها و تهدیدها، اصلاحات و انتخابات بود.

۱۴ آذر ۸۶: تجمع و تریبون آزاد در دانشگاه مازندران در اعتراض به تداوم بازداشت دانشجویان

۱۴ آذر ۸۶: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه همدان دیروز تجمعی را به مناسبت روز دانشجو برگزار کرد.

۱۳ آذرماه: در دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و در اعتراض به ادامه بازداشت دانشجویان پلی تکنیک و دو عضو دفتر تحکیم وحدت توسط انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه برگزار شد.

۱۵ آذر ۸۶: در حالیکه دانشجویان دانشگاههای کرمان، مازندران، شیراز، آزاد تیز و نجف آباد طی روزهای اخیر تجمعاتی اعتراضی در آستانه ۱۶ آذر برگزار کرده اند، دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان برای سومین روز متوالی دست به حرکت اعتراضی زدند.

دانشجویان به بیان دیدگاههایشان پرداخته و با شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «دانشگاه بیدار است»، «دانشگاه آخرین سنگر است» و «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد»، «آقای رئیس جمهور ما ترمز جنبش دانشجویی را کنده ایم» و... اعتراض خود را به وضعیت موجود اعلام داشتند.

این مراسم با سرود ملی «ای ایران» ۱۵ آذر ۸۶: دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد در اعتراض به محدودیت های ایجاد شده در آن دانشگاه اعصاب غذا کردند.

۱۸ آذر ۸۶:

خبرنامه امیرکبیر: تجمع بزرگ دانشجویان، دانشگاه آخرین سنگر آزادی، به دعوت دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه تهران با حضور جمعیت بیش از ۲۰۰۰ نفری دانشجویان دانشگاه های تهران برگزار شد.

دانشجویان پلاکاردهایی با مضمون «تا که زندان هست، ما همه در بندیم»، «خواهان آزادی فعالان دانشجویی چپ هستیم»، «سلام بر سه آذر اهورایی، قصابان، توکلی، منصوری»، «می شونید؟! این صدای آزادی

است»، «حقوق زن=حقوق بشر»، «دانشگاه زیر چکمه بنیادگرایان»، «سهم ما از مهرورزی، زندان، شکنجه و محرومیت از تحصیل»، «بشیریه را باز گردانید»، «تحصیل سهم من نیست، حق من است»، «حق تعیین سرنوشت اساس کرامت ملت ها»، «نابود باد

دشمنی علیه مبارزات حق طلبانه ملت کرد» و... در دست داشتند.

تجمع کنندگان همچنین تصاویر دانشجویان در بند، یاسر گلی، هانا عبدی، روناک صفارزاده، هدایت غزالی، صباح نصیری، علی عزیزی، علی نیکونستی، احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری را در دست داشتند. تصاویر مهندس مهدی بازرگان، محمد مصدق، عمادالدین باقی و... را در دست برخی از دانشجویان بود.

دانشجویان سپس در حالی که شعار می دادند «دانشجو دانشجو اتحاد اتحاد» به راهپیمایی در صحن دانشگاه تهران اقدام کردند و به سمت درب ۱۶ آذر حرکت کردند. دانشجویان با سر دادن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد» اقدام به شکستن درب ۱۶ آذر کردند و دانشجویانی که پشت در بودند توانستند وارد دانشگاه تهران شوند. جمعیت حاضر در این تجمع بار دیگر به مقابل سردر دانشکده فنی حرکت کردند و تریبون آزاد «دانشگاه، آخرین سنگر آزادی» آغاز شد.

شعارها رنگ آزادی و استقلال طلبی به خود گرفته است. دانشجویان خود را در چهارچوب رژیم نمی بینند. آنها توقعات خارج از این نظام را دارند.

بسیاری از دانشجویان متوجه شده اند که در چهار چوب این نظام نباید منتظر تجربه جدیدی بود. تمام تجربه ها به استحکام بیشتر این رژیم رسیده است.

راه حل اعتماد به خود است. می دانیم که هر چه استبداد به سر کوب بیشتر دست می زند، مردم بیشتر منتظر معجزه هستند. در صورتی که معجزه واقعی در دست تک تک مردم است.

باید همچون دیگر جوانان صدای اعتراض را بلند کرد و خواهان تحول شد. اگر می خواهیم در ایران زندگی کنیم، اگر می خواهیم به جهان بگوییم که ما هم استعداد و امکان زیست در آزادی را داریم، باید یک صدا مخالف این همه حق کشی های رژیم شویم. امروز محدودیتهای رژیم ولایت فقیه حتی به پوشیدن نوع چکمه و مانتو زنان رسیده است. تا کی باید منتظر این همه حقارت بود؟

به کشور خود نگاه کنیم. ببینیم مستی نالایق دارند امروز و آینده نسل ما و نسل فرزندان ما را به تاراج قدرت طلبی خود می دهند. ایران با حکومتهای احمدی نژادهای نظام ولایت فقیه بدون آینده خواهد بود

زمان زمان ایستادن و خواهان حقوق انسانی خود شدن است. در مقابل احقاق حقوق رژیم در چشم جهانیان زبونتر خواهد شد و وجدان جهانی موافق حق طلبی ما. برای تغییر رژیم ایران احتیاج به بیمهای آمریکایی و تلویزیونهای لوسانجلسی ندارد. ایران باید با فریاد حق خواهی، وجدان حق طلب جهان را پشتیبان خود کند. بدین خاطر درنگ جای نیست.

حل مشکل اقتصاد و فرهنگ و اجتماع ایران متناسب با برخورداری از حقوق و بر اساس آزادی و استقلال فردی و اجتماعی ممکن خواهد بود.

ارتباط از طریق کامپیوتر:  
1.5 EURO

## صادرات غیر نفتی

### صورت و واقعیت؟

یکی از ادعاهای همیشگی احمدی نژاد و حکومت او رونق صادرات غیر نفتی است. واقعیت او را تکذیب می کند: میزان صادرات غیر نفتی دوران خاتمی ۵/۵ میلیارد دلار بوده است که ۱۵ درصد آن را مواد تهیه شده از نفت تشکیل می داد.

در دوران احمدی نژاد، مبلغ صادرات را حدود ۱۵ میلیارد دلار می گویند. اما بر اساس آمار بانک مرکزی و گمرک ایران بیش از ۶۲ درصد آن را مواد تهیه شده از نفت تشکیل می دهد. به سخن دیگر صادرات غیر نفتی دوران خاتمی که حدود ۴/۷۱ میلیارد دلار بوده است، در زمان احمدی نژاد به حدود ۴/۷ میلیارد دلار رسیده است. با توجه به کاهش ارزش دلار، صادرات کاهش شدید یافته اند. زیرا از کل صادرات غیر نفتی، حدود ۹/۳ میلیارد دلارش بهای موادی است که از نفت تهیه شده اند. البته این را هم اضافه کنیم که میزان وزنی صادرات ایران ۳۰ درصد نیز افزایش داشته است. برخی از اقلام صادراتی در دوران احمدی نژاد، فرآورده هائی هستند که پس از ورود صادر می شوند و یا در ازای آنچه صادر می شود، وارد می شود. برای مثال، در سال گذشته ۱/۵ میلیون دلار میوه صادر شد اما نزدیکی های شب عید حدود ۲ میلیارد دلار میوه وارد کردیم که این هم از کارهای عجیب و غریب این بی کفایت و باند مافیایی حاکم بر کشور است.

## نشریه را یاری کنید

نیروهای دولت موقت و متحد اتیوپیایی آن را مورد حملات مکرر قرار دادند.

• در پاکستان (۶ روزنامه نگار کشته شده)، سوخته های انتحاری و خشونت در منازعه میان نیروهای ارتش و اسلام گرایان می تواند توضیح گر افزایش تعداد روزنامه نگاران کشته شده در سال ۲۰۰۷ در این کشور باشد

• در سریلانکا (۳ روزنامه نگار کشته شده)، تشدید درگیری میان نیروی های ارتش با برهه های تامیل با جنگی کثیف علیه روزنامه نگاران تامیل از سوی نظامیان و شبهه نظامیان همراه شده است.

• در اریتره ۲ روزنامه نگار کشته شده اند.

• تقریباً نود درصد از جنایات علیه روزنامه نگاران یا به طور کامل یا بخشا از مجازات مصون می ماندند. حکومت کشورهایی که در آنها روزنامه نگاران به قتل می رسند بر روی گذشت زمان و فراموشی حساب باز می کنند تا جنایتکاران از مجازات فرار کنند. گزارشگران بدون مرز فراموش نمی کند و با پیگیری مداوم جنایات انجام شده با مصونیت از مجازات مبارزه می کند.

• در سال ۲۰۰۷ و در نهمین سالگرد کشتار روزنامه نگاران و روشنفکران ایرانی در سال ۱۳۷۷ که به قتل های زنجیره ای معروف شده است، گزارشگران بدون مرز با ارسال نامه ای به لئو نیوز آربور کمیسرعالی سازمان ملل در امر حقوق بشر، از وی خواهان اقدام سازمان ملل در این باره شد.

• در سال ۲۰۰۷ هر روز دو روزنامه نگار بازداشت شده اند. بزرگترین تعداد دستگیر شدگان با ۱۹۵ مورد دستگیری در پاکستان روی داد و سپس کوبا با ۵۵ روزنامه نگار زندانی، ایران با ۵۴ روزنامه نگار بازداشت شده مقام سوم را دارد.

• ایران که در رده بندی سال ۲۰۰۷ در میان ۱۶۹ کشور در رده ۱۶۶ قرار دارد. در این کشور روزنامه نگاران با سرکوب تهاجمی حکومتی مواجه اند که به آنها اجازه بیان هیچگونه انتقاد و یا خواست سیاسی و اجتماعی را نمی دهند. چون هرسال این کشور بزرگترین زندان روزنامه نگاران در خاورمیانه بود. هم اکنون ۱۱ روزنامه نگار و ۲ وب نگار در ایران در بازداشت بسر می برند.

برگزاری انتخابات انجمن اسلامی دانشجویان، انتخابات این تشکل را بدون هیچ گونه استدلال قانونی باطل اعلام کرد و در پی آن کلیه فعالیت های انجمن را نیز معلق نمود.

• در ۲۴ دی ۸۶، انجمنهای اسلامی ۳۷ دانشگاه کشور در بیانیه مشترکی با برشمردن جدیدترین موارد سرکوب و اعمال فشار بر دانشگاه، خواستار توقف این فشارها و محدودیتها بر ضد جنبش دانشجویی شدند:

پس از دیدار وزیر علوم دولت نهم طی هفته های اخیر با برخی تاثیر گذاران پشت پرده ی سیاست، که دستی بر مذهب دارند و ردایی در حوزه و چشمی بر قدرت، افزایش حجم فشار در دانشگاه ها و احضار و تعلیق و بازداشت فعالین دانشجویی گسترش یافته و شائبه ی تولد اراده ای در ایجاد محدودیت های مضاعف و موج جدید سرکوب در دانشگاه را دامن زده است. علاوه بر بازداشت گسترده ی دانشجویان در سالروز ۱۶ آذر، آنچه که این روزها در دانشگاه ها ی کشور می گذرد مصداق بارز تشدید فشار و هجمه به دانشجویان منتقد است.

• در ۲۵ دی ۸۶، سازمان عفو بین المللی به اعدام به روش سنگسار توسط رژیم مافیاهای نظامی - مالی اعتراض کرد.

• در ۲۷ دی ۸۶، به گزارش اخبار روز، ابراهیم لطف الهی، دانشجوی دانشگاه پیام نور به دستور بازپرس شعبه سوم بازپرسی سنجند، بعد از خروج از جلسه امتحان در روز یکشنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۸۶ با داشت و به بازداشتگاه اوواک سنجند منتقل شده بود. شب گذشته خبر کشته شدن وی را به اطلاع خانواده او رسانده اند.

مسئول بازجویی وی در اوواک سنجند، شخصی به نام "مهدی مولاولی" با نام مستعار "هاقتی" بوده است که جانشین رئیس اطلاعات سنجند و مسئول گزینش وزارت اطلاعات در استان کردستان می باش

## گزارش سال ۲۰۰۷ گزارشگران بدون مرز:

• در ۱۴ دی، به گزارش گزارشگران بدون مرز،

• بیش از نیمی از روزنامه نگاران کشته شده در سال ۲۰۰۷ در عراق به قتل رسیده اند. ۴۷ تن کشته شده اند که جز یکی که روسی است، بقیه عراقی هستند.

• سومالی (۸ روزنامه نگار کشته شده) در این کشور موج ترور بی سابقه ای سال ۲۰۰۷ را به مرگبارترین سال در طی ده سال گذشته تبدیل کرد. در طی سال جاری شورشیان اسلام گرا

نشانی وب ما:

به نام های پوریا شریفیان (از اعضای شورای صنفی دانشگاه بوعلی سینا)، رضا جعفریان، ساسان منبری، سیروس محمدی، وهاب کریمی نژاد و فاطمه معصومی (اعضای مجمع عمومی انجمن اسلامی منتخب دانشجویان همدان) به تویخ کتبی و درج در پرونده محکوم شدند.

• در ۱۸ دی ۸۶، روزنامه نگار زندانی، ابوالفضل عابدینی، روز دوشنبه توسط شعبه ۳ دادگاه انقلاب به یک سال حبس محکوم شد.

ابوالفضل عابدینی نصر خبرنگار سرویس اقتصادی روزنامه بهار خوزستان که در جریان اعتصابات کارگری نیشکر هفت تپه دستگیر شده است به ۶ ماه حبس تعزیری و ۶ ماه حبس تعلیقی به دلیل تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب در پرونده گذشته خود در سال ۸۴ توسط شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز محکوم شد وی همچنین به دلیل پوشش اعتصابات کارگری نیشکر هفت تپه نیز در شعبه ۴ دادگاه انقلاب اهواز محاکمه خواهد شد.

• در ۱۹ دی ۸۶، سلمان یزدان پناه از سوی کمیته ای انضباطی به دو ترم محرومیت از تحصیل در دانشگاه تهران با احتساب سنوات محکوم شد. رضا نگهداری، دانشجوی دیگر دانشکده حقوق و علوم سیاسی نیز به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده است.

اتهام این دانشجویان حضور در تجمعات غیرقانونی و فعالیت صنفی بوده است. علی هاشمی، کیوان اماموردی، میلاد عزیز و حافظ رستمی نیز طی چند روز گذشته به کمیته انضباطی احضار شده اند. دلیل این احضارها نیز حضور در تجمعات غیرقانونی عنوان شده است.

• در ۱۹ دی ۸۶، محاکمه ۴ عضو شبکه تجاوز به عنف به ریاست قاضی عیسی عرفانی زاده و با حضور محمدحسن مقیمی دادرس پرونده و ۳ قاضی مستشار برگزار شد. عرفانی زاده پس از شور هیات قضایی درباره این پرونده به خبرنگار ما گفت: به دلیل این که ۲ تن از متهمان روز دوشنبه از زندان به دادگاه منتقل نشده بودند، در بخش اول به اتهام ۴ عضو این شبکه با نام های طیب، یزدان، محمود و وحید رسیدگی شد. پس از بررسی شکایت ۲ پسر دانشجو و دفاعیات متهمان و وکلای آنها هیات قضایی برای صدور حکم وارد شور شدند. قضات در نهایت با اکثریت آرا طیب و یزدان را به اتهام تجاوز به عنف به اعدام به شیوه پرتاب از بلندی محکوم کردند. ۲ متهم دیگر نیز به تحمل ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شدند. وی افزود: محاکمه ۲ عضو دیگر این شبکه نیز بزودی برگزار و رای دادگاه نیز صادر می شود.

• در ۲۰ دی ۸۶، هیئت نظارت بر تشکل های دانشجویی دانشگاه هرمزگان پس از گذشت ۳ ماه از

## دیگ بحران نباید از جوش بیفتد!

شهر اهواز، برای یادبود «مهدی حیدری» جمع شده بودند که گفته می شود به دست نیروهای امنیتی، کشته شده است.

عفو بین الملل همچنین در گزارش خود آورده است: «مهدی حیدری، که وابستگی های سیاسی او بر این سازمان نامعلوم است، از مدت ها پیش مورد تعقیب بوده و در خفا زندگی می کرده است.»

بر اساس گزارش عفو بین الملل، «مهدی حیدری در دیدار کوتاه از خانه اش، با محاصره نیروهای وزارت اطلاعات مواجه می شود و به ضرب گلوله از پای در می آید.»

• در ۱۴ دی ۸۶، ابراهیم مددی از فعالان کارگری به شعبه ی یک بازپرسی دادسرای انقلاب احضار شد.

• در ۱۴ دی ۸۶، بر اساس حکم صادره از شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی قم و پس از تأیید دادستانی کل کشور، علیرضا مبیطی، قاچاقچی مواد مخدر به جرم قاچاق ۹۰ کیلوگرم حشیش اعدام شد.

• در ۱۶ دی ۸۶، دادگستری کل استان سیستان و بلوچستان اعلام کرد: در راستای مبارزه بی امان با مخالن امنیت و گروگانگیران و ه سارق مسلح، به نامهای «م.ع. جلالی» به اتهام محاربه و افساد فی الارض از طریق راهبندی مسلحانه و درگیری با ماموران انتظامی که منجر به مجروح شدن یکی از آنها شده و «ع.ب. ریگی» و «ا. ریگی» به اتهام محاربه و افساد فی الارض از طریق مشارکت در سرقت مسلحانه و آدم ربایی مسلحانه و به هم زدن امنیت مردم، «ع.ر. رودینی» و «د. پهلوان» به اتهام محاربه و افساد فی الارض از طریق راهبندی و سرقت مسلحانه و ایجاد ناامنی برای مردم در سطح منطقه به قطع دست راست و پای چپ محکوم شدند. احکام صادره پس از تأیید توسط مراجع عالی قضایی کشور با رعایت تشریفات دادرسی و با حضور و نظارت کامل تیم پزشکی به مرحله اجرا درآمد.

• در ۱۷ دی ۸۶، امین نظری ( دبیر انجمن اسلامی منتخب دانشجویان همدان و مجری برنامه گرامیداشت روز دانشجو توسط دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه تهران «دانشگاه، آخرین سنگر آزادی») ، سیاوش حاتم ( سخنگوی انجمن اسلامی منتخب دانشجویان همدان) ، محمد صیادی و مهدی جمالوند (از اعضای شورای عمومی انجمن) بنا بر حکم کمیته انضباطی به یک ترم تعلیق از تحصیل محکوم شدند. به گزارش خبرنگار بوعلی سینا، علاوه بر این چهار دانشجو ۶، دانشجوی دیگر دانشگاه بوعلی سینا